



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

عزیز

سپید و سحر

۱۳۹۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تطهير روح

نویسنده:

علیرضا ملازاده تقی پور

ناشر چاپی:

استوار

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	تطهیر روح
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۲	فهرست
۱۷	پیش گفتار
۲۰	ماه مبارک رمضان؛ یادآور امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۲۳	اهمیت خوراک در مسیر بندگی
۲۵	نقش روزه در تهذیب نفس
۳۰	جایگاه روزه دار در پیشگاه خداوند
۳۶	اهمیت روزه های مستحبی
۴۲	کودک مسلمان و روزه
۴۴	روزه های مستحبی در سیره اولیاء خدا
۴۴	روزه حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)
۴۴	روزه امام حسین (علیه السلام) و امام زین العابدین (علیه السلام)
۴۵	روزه حضرت داوود و حضرت سلیمان (علیهما السلام)
۴۶	روزه داری حضرت عیسی (علیه السلام) و مادر گرامی اش، حضرت مریم (علیها السلام)
۴۶	روزه جناب جعفر طیار
۴۷	ابوامامه و همسر و خادمش از روزه داران دهرند
۴۷	روز نفیسه، همسر اسحاق مؤتمن
۴۹	سلمان فارسی (رحمة الله) و روزه دهر
۵۰	نذر روزه تا ظهور حضرت بقیة الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۵۰	اثرات روزه بر سلامتی جسم
۵۲	نظریه دانشمندان شرق و غرب

۵۳	نظریه علمی بندیکت درباره روزه
۵۴	روش معالجه بعضی بیماری ها با روزه
۵۶	تحلیلی طبی از روزه
۵۶	علاج بیماری ها با امساک
۵۷	التطیب بالضموم ترجمه کتاب آلکسی به عربی، از یک کشیش آرزانتینی
۵۸	روزه مرتاض ها
۵۸	اثرات قرائت قرآن و روزه و مسواک در تقویت حافظه
۵۹	روزه و تطهیر روح
۶۲	روزه شیعیان خاص
۷۴	حفظ زبان؛ یکی از نتایج روزه داری
۸۰	نشر دین توسط زبان
۸۸	اهمیت فراگیری علم
۹۲	علم یعنی عمل
۹۶	عُجَب
۱۰۸	ذکر
۱۱۲	غفلت از ذکر
۱۱۴	یاد خدا در همه حال
۱۱۶	فضیلت اذکار
۱۲۱	ذکر و قرآن
۱۲۱	ذکر و نماز
۱۲۲	نماز منوط به توجه قلبی
۱۲۳	یاد اهل بیت (علیهم السلام) همان ذکر خداست
۱۲۶	روزهای خدا
۱۲۸	ارزش و جایگاه دعا
۱۳۴	نماز شب و تهجد
۱۵۲	طهارت روح؛ سکوی دعای فرج

۱۵۴ ----- کتاب نامه

۱۵۸ ----- درباره مرکز

سرشناسه : ملازاده تقی پور، علیرضا، 1340-

عنوان و نام پدیدآور : تطهير روح/ علی تقی پور؛ ویراستار صابر بهلولی، محسن حسینی.

مشخصات نشر : مشهد : استوار، 1402.

مشخصات ظاهری : 144 ص.

شابک : 8-110-415-600-978

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : کتابنامه: ص. 143 - 114.

موضوع : روزه (اسلام)

Fasting-- Religious aspects-- Islam

روزه (اسلام) -- احادیث

Fasting-- Religious aspects-- Islam -- Hadiths

رده بندی کنگره : BP188

رده بندی دیویی : 297/354

شماره کتابشناسی ملی : 9172349

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیا

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

یا صاحب الزمان

تطهير روح

علی تقی پور

ص: 3

ماه مبارک رمضان؛ یادآور امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) 11

اهمیت خوراک در مسیر بندگی 14

نقش روزه در تهذیب نفس 16

جایگاه روزه دار در پیشگاه خداوند 21

اهمیت روزه های مستحبی 27

کودک مسلمان و روزه 33

روزه های مستحبی در سیره اولیاء خدا 35

روزه حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) 35

روزه امام حسین (علیه السلام) و امام زین العابدین (علیه السلام) 35

روزه حضرت داوود و حضرت سلیمان (علیهما السلام) 36

روزه داری حضرت عیسی (علیه السلام) و مادر گرامی اش، حضرت مریم (علیها السلام) 37

روزه جناب جعفر طیار 37

ابوامامه و همسر و خادمش از روزه داران دهرند 38

روز نفیسه، همسر اسحاق مؤتمن 38

سلمان فارسی (رحمة الله) و روزه دهر 40

نذر روزه تا ظهور حضرت بقیة الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) 41

اثرات روزه بر سلامتی جسم 41

نظریه دانشمندان شرق و غرب 43

نظریه علمی بندیکت درباره روزه 44

روش معالجه بعضی بیماریها با روزه 45

تحلیلی طبی از روزه 47

علاج بیماریها با امساک 47

التطیب بالصوم ترجمه کتاب آلکسی به عربی، از یک کشیش آرژانتینی 48

روزه مرتاض ها 49

ص: 5

اثرات قرائت قرآن و روزه و مسواک در تقویت حافظه 49

روزه و تطهیر روح 50

روزه شیعیان خاص 53

حفظ زبان؛ یکی از نتایج روزه داری 65

نشر دین توسط زبان 71

اهمیت فراگیری علم 79

علم یعنی عمل 83

عُجَب 87

ذکر 99

غفلت از ذکر 103

یاد خدا در همه حال 105

فضیلت اذکار 107

ذکر و قرآن 111

ذکر و نماز 111

نماز منوط به توجه قلبی 112

یاد اهل بیت (علیهم السلام) همان ذکر خداست 113

روزهای خدا 116

ارزش و جایگاه دعا 118

نماز شب و تهجد 124

طهارت روح؛ سکوی دعای فرج 141

کتابنامه 143

آن زمان که زمین روحم از تشنگی مفرط حرص و طمع خشکیده و ترك خورده بود و بال و پرم از گرمی شعله‌های شهوت و غضب سوخته بود و دلم بوی متعفن حب دنیا و ریاست گرفته بود، خدای مهربان به برکت وجود مقدس محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و آل محمد (علیهم السلام) کوثر زلالی به نام ماه مبارك رمضان را برای تطهیر روح آلوده ام به من هدیه کرد و نماز را برای اعضای بدنم قرار داد تا به رخوت نگرایند. نیمه شبان را گسترانید تا نماز بگزارم و تهجد را برای جدایی از کبر و اتصال به خود مقرر فرمود و سیلاب اشک را بر مصائب اهل بیت (علیهم السلام) روا دانست و صفای روح را به آن‌ها تقریر فرمود.

او مرا تنها نگذاشت تا با کوری ام تیشه به ریشه خود بزنم. بر من افسار نیفکند و برایم چوپان نگماشت؛ بلکه با ارسال رسول ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت طاهرش (علیهم السلام) کرم را در حق من تمام کرد و مرا ارج نهاد و از صنف بهائم جدا نمود. سپس مهار بدن را در قلب نهاد و آن را خانه خود قلمداد کرد.

حال نفس لجوج و سرکشم مرا به بدی امر می‌کند؛ اما پروردگارم مرا می‌خواند. کدام را اجابت کنم؟ نفس را یا رب را؟

قبل از ورود به مباحث این کتاب مسئله حقیقت و اصل تقوی بسیار حائز اهمیت است که لازم است خواننده بزرگوار آن را مورد توجه خاص خود قرار داده و با عنایت به آن به مطالعه این کتاب بپردازد. در خصوص عناوین توضیحات و شرح حال کسانی که اعمال زاهدانه آنها از باب مثل در بعضی از این کتاب‌ها ذکر گردیده و سلوک ایشان فارغ از محوریت معرفت به امام علیه السلام و پرداختن و شدت محبت آنها به آل الله علیهم صلوات الله به تصویر کشیده شده است زیرا فرض حقیر

بر آن بوده که با توجه به صحیح الاعتقاد بودن این بزرگواران نیاز به توضیح این جهات نیست لذا این یادآوری ضروری است که اساساً ذکر اعمال زاهدانه و ریاضت ظاهری بدون تاکید اولیه بر معنای حقیقی زهد پوسته ای توخالی است که شیطان اولین مروج آن بود و خوارج و مرتاضان و صوفیه و امثالهم در هر عصری پیروانش بوده اند طبق مسلمات روایات مندرج در منابع اصیل شیعه و تعالیم اهل بیت عصمت و طهارت علیهم صلوات و السلام حقیقت تقوا اطاعت از امام بعد معرفت است و معرفت او معرفت خداوند است.

من عرفکم فقد عرف الله و اطاعت او اطاعت از خداوند می باشد و این اصل تقوا و تمام زهد است آنگاه نماز و روزه و همه عبادات ظاهری که به آنها امر شده ایم فروعی از این اصل می باشد که قبولی آن موکول و مشروط به معرفت امام و قبول ولایت اوست

فَأَفْضَلُ الدِّينِ مَعْرِفَةَ الرَّسُولِ وَلَا يَتَّبِعُهُمْ

برترین و اصلی ترین بخش دین معرفت پیامبران و ولایتشان می باشد و به درستی که خدا تا روز قیامت حلال را حلال و حرام را حرام کرده است. معرفت فرستادگان و قبول حاکمیت و اطاعت ایشان حلال است؛ و حلال شده چیزی است که آنان حلال کرده باشند، و حرام شده آنکه ایشان حرام دانسته باشند. و آنان اصل هر حلالند و فرعه‌های حلال از ایشان منشعب خواهد بود. و این رسالت ایشان است. و از فروع منشعب از ایشان، امر ایشان است به پیروان و دوستان خود به انجام دادن کارهای حلال: مثل برپا داشتن نماز و دادن زکات و... و همه نیکی ها لذا اگر معرفت نباشد این عبادات فاقد ارزش بلکه و بال تلقی شده و به عبارت دیگر میزان و ارزش عبادات بر حسب درجه معرفت و محبت است. و این محبت اصل و حقیقت تقوی است چنانکه حضرت ختمی مرتبت فرمودند: يَا عَلِيَّ، حُبُّكَ تَقْوِي وَإِيمَانٌ

ماه مبارك رمضان؛ یادآور امام عصر (عجل الله تعالى فرجه الشريف)

یکی از تفضلات خاص حق تعالی بر مؤمنان ماه مبارك رمضان است تا بدین طریق انسان ها برای اتصال دلشان به وجود مبارك حضرت امام عصر (عجل الله تعالى فرجه الشريف) فرصتی بیابند و بتوانند در این ماه، وجود خود را برای دریافت انوار مولا صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) آماده کنند. متأسفانه ما محبین با به فراموشی سپردن امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) و یکی از راه های اتصال به ایشان؛ یعنی ماه مبارك رمضان، از برکات آن غافل گشته و خود را در سرایشی دوری از امام خویش افکنده ایم.

بیشتر مؤمنان از سفره پر فیض و رحمت بیکران محبت و معرفت امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) در ماه مبارك بی نصیب هستند؛ چون رسیدن به مقام قرب الهی فقط از طریق ارادت و محبت وافر و توجه به انوار الهی مقدور است. به صرف لقلقه زبان مظهر محبت بر دل نمی زنند؛ بلکه این محبت دارای نشانه هایی است.

یکی از علائم محبت به امام عصر (عجل الله تعالى فرجه الشريف) این است که هرکس بر او نظر افکند به یاد امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) بیافتد و از او جز عطر امام عصر (عجل الله تعالى فرجه الشريف) چیز دیگری استشمام نکند.

سفره آسمانی امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) در این ماه گسترده است تا هر کسی با دوری از تعلقات دنیوی، به وسیله گرسنگی و تشنگی و شب زنده داری بتواند استعداد تناول از این مائده آسمانی، که علوم و تابش انوار محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و آل محمد (علیهم السلام) است را پیدا کند. امام حسن عسکری (علیه السلام) در اهمیت این موضوع فرموده اند:

«رسیدن به قرب الهی فقط با قیام در شب و تشنگی در روز (روزه) میسر است.» (1)

حق تعالی برای آشتی دل ها با انوار مقدس (علیهم السلام) که در های رحمت الهی می باشند، سفره ماه رمضان را گسترانیده و خلاق را به توبه از غفلت ها و زشتی ها دعوت کرده و به انجام اعمال صالح فراخوانده است. در رأس همه نیکی ها در عصر حاضر، ارادت و توجه قلبی به امام غایب (علیه السلام) است. خداوند متعال هر ساله به وسیله ماه مبارك

ص: 11

رمضان، زمینه یاد امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) را در قلوب زنگار گرفته خلائق فراهم می گرداند و هرکسی می تواند به میزان درجه عقل و صفای باطن خویش، از این مائدة آسمانی (انوار حضرت امام زمان (علیه السلام)) استفاده کند. کلام گهربار رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره الطاف این ماه خواندنی است:

«لَوْ يَعْلَمُ الْعَبْدُ مَا فِي رَمَضَانَ لَوَدَّ أَنْ يَكُونَ رَمَضَانَ السَّنَةَ» (1)

«اگر بنده خدا می دانست که در ماه رمضان چه برکاتی وجود دارد، دوست می داشت که تمام سال ماه رمضان می شد.»

اما متأسفانه شیطان با تمام قوا درصدد اغفال مؤمنین است تا آنان را از توجه و ارتباط قلبی با امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) بازدارد و با سرگرم کردن آنان به اعمالی مانند ختم قرآن مجید، خواندن انواع ادعیه، اذکار، نمازها و... آنان را از بافضیلت ترین عبادت و حقیقت همه اعمال، که توجه، راز و نیاز و استغاثه به درگاه خلیفه الله است، غافل گرداند؛ هرچند که خواندن قرآن و ادعیه در این ماه ریف جزء اوامر ائمه اطهار و باعث رشد و ثواب های فراوان می شود و لکن توجه به امام (علیه السلام) راس همه امور عبادی قرار دارد. این توجه و عرض ارادت باعث شکوفایی مسئله مهم و حیاتی «انتظار» می شود که بهترین و بالاترین عمل در تمامی ساعات و دقائق عمر بشمار می رود. امام سجاد (علیه السلام) می فرمایند:

«انْتَظِرْ الْفَرَجَ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرَجِ.» (2)

«انتظار فرج از خود فرج بزرگ تر است.»

از آن جا که مرگ شیطان لعین در گرو قیام مولای مان می باشد و ظهور امام (عجل الله تعالى فرجه الشريف) مقداری بستگی به درخواست مردم از خدا دارد، لذا همه همت شیطان مصروف این

ص: 12

1- بحار الانوار 93/346 ح 12

2- کمال الدین و تمام النعمة 1/320 - الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی) 2/318 - نوادر الأخبار فیما يتعلق بأصول الدین (للفیض) 250؛ 415 - إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات 2/89 - بحار الأنوار (ط-بیروت) 36/387؛ 52/122 - ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار (علیهم السلام) 3/129 - عوالم العلوم و المعارف و الأحوال - الإمام علی بن أبی طالب (علیهما السلام) 259 - إلیزام الناصب فی إثبات الحجّة الغائب (عجل الله تعالى فرجه الشريف) 1/414

است که به وسیله جلب توجه مردم به خواندن نماز قضا و ختم چند باره قرآن مجید و... یاد و راز و نیاز با حجت حق را کم رنگ کند. عملاً نیز افکار و توجه مردم در ماه مبارک رمضان به سمت این اعمال است. هرچند که ارزش این اعمال بسیار شریف است؛ اما هر عملی باید در جایگاه صحیح خود قرار بگیرد.

همه این اعمال باعث قرب الهی است؛ لکن مطلب مهم تر غفلت از حقیقت قرآن مجید؛ یعنی امام معصوم (علیه السلام) می باشد. توجه به امام (علیه السلام) یعنی عمل به حقیقت قرآن مجید. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرموده اند:

«فَأَنَا الذُّكْرُ الَّذِي عَنْهُ صَلَّ وَ السَّبِيلُ الَّذِي عَنْهُ مَالَ وَ الْإِيْمَانُ الَّذِي بِهِ كَفَرَ وَ الْقُرْآنُ الَّذِي إِيَاهُ هَجَرَ وَ الدِّينُ الَّذِي بِهِ كَذَّبَ وَ الصِّرَاطُ الَّذِي عَنْهُ نَكَبَ.» (1)

«من ذکرى هستم که از آن گمراه می شوند و راهی هستم که از آن منحرف می شوند و ایمانی هستم که به آن کافر می شوند و قرآنی هستم که متروکش می کنند و دینی هستم که تکذیبش می کنند و صراطی هستم که از آن روی بر می گردانند.»

همچنین فرموده اند:

«أَنَا (ق وَ الْقُرْآنِ الْمَجِيدِ).» (2)

«من [آیه] قاف، قسم به قرآن مجید هستم.»

این مطلب را بار دیگر یادآور می شویم که در ماه مبارک رمضان باید به ختم قرآن مجید و دیگر اعمال خاص ماه شریف رمضان مداومت ورزید؛ ولی در رأس همه این اعمال، ارادت و اقبال به سوی امام وقت است که این عمل به ختم قرآن مجید و دیگر اعمال زینت می بخشد و عطری معطر از خود به جای می گذارد. عطر گل

ص: 13

1- کتاب سلیم بن قیس الهلالی 2/822 - الکافی (ط - الإسلامية) 8/28؛ (ط - دارالحديث) 15/81 - الوافی 26/26 - تفسیر الصافی 4/11 - البرهان فی تفسیر القرآن 4/129؛ 4/132؛ 6/862 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 25/62 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 24/19؛ 31/609 - تفسیر نور الثقلین 3/549؛ 4/12 - تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب 9/203؛ 9/389

2- نوادر المعجزات فی مناقب الأئمة الهداة (علیهم السلام) 112؛ 397 - مدینة معاجز الأئمة الإثنی عشر (علیهم السلام) 1/248

هنگامی به مشام می رسد که گل رشد کافی کرده باشد. عطر همه اعمال عبادی، در تمام ابعاد دین، توجه و ارتباط قلبی با امام غائب است که این خود آزمایشی در عصر غیبت برای امتیاز بخشیدن به اعمال دینی است.

اهمیت خوراک در مسیر بندگی

ماه مبارک رمضان زمینه دوری از تعلقات را به وسیله گرسنگی و شب زنده داری فراهم می سازد و برای وارد شدن به وادی مقدس انتظار امام زمان (علیه السلام) بهترین و آسان ترین و سریع ترین روش است. در این ماه بر اثر گرسنگی و تشنگی، قلب نورانیت خاصی به خود می گیرد و آماده کسب فیوضات می گردد:

«أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ جَلًّا وَعَزًّا إِذَا خَفَّ بَطْنُهُ» (1)

«بهترین زمانی که بنده به خداوند متعال نزدیک است، زمانی است که شکمش سبک باشد.»

رعایت امور تغذیه برای رسیدن به قرب الهی آن چنان حائز اهمیت است که بدون آن هیچ عملی ایده آل و مطلوب نمی شود. خوردن لقمه حلال و اجتناب از غذای شبهه ناک طبق فرمایش امامان معصوم (علیهم السلام)، نقش بسزایی در خلوص بندگی و تهذیب نفس ایفا می کند و چه بسا پایه اصلی آن به شمار برود. در روایات زیادی اهمیت آن بازگو شده است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به عثمان بن حنیف نوشتند:

«فَمَا اسْتَبَهَ عَلَيْكَ عِلْمُهُ فَالْفِطْنَةُ.» (2)

«آنچه حلال بودنش برای روشن نبود از دهان بیرون انداز.»

همچنین حضرت داوود (علیه السلام) فرمودند:

«تَرَكَ لُقْمَةً مَعَ الضَّرْوَرَةِ إِلَيْهَا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ قِيَامِ عَشْرِينَ لَيْلَةً.» (3)

ص: 14

1- کافی 6/269

2- نهج البلاغة (للصباحي صالح) 417 نامه 45- وسائل الشيعة 27/159 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 33/474؛ 40/340؛ 67؛ 320؛

72؛ 448 - مكاتيب الأئمة (عليهم السلام) 1/105

3- مصباح الشريعة 78 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 63/337 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 16/211

«ترك يك لقمه در احتیاط به سوی خدا از بیست شب قیام برای عبادت محبوب تر است.»

با این اوصاف لقمه حلال از اهمیت ویژه ای برخوردار است و مراحل تکامل بستگی به آن خواهد داشت. حتی فرموده اند:

«فَقِيلَ إِنَّ الدُّعَاءَ مِفْتَاحُ بَابِ السَّمَاءِ وَ أَسْبَابُهُ لُقْمَةُ الْحَلَالِ.» (1)

«دعا کلید درب آسمان است و اسباب آن لقمه حلال.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به کمال فرمودند:

«گشایش زبان (در دعا) به قلب است و قوام قلب به غذاست. پس تأمل کن که جسم و قلب تو به چه چیزی تغذیه می شوند و بدان که اگر آن غذا حلال نباشد، خداوند تسبیح و شکر تو را نمی پذیرد.» (2)

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«خوراک هرکس حلال باشد، قلبش صفا و رقت پیدا می کند و اشک او جاری می شود و برای اجابت دعایش هیچ حجاب و مانعی وجود نخواهد داشت.» (3)

اگر قلب به غذای حلال امداد شود، این غذای حلال، آن را نورانی و باصفا می گرداند:

«أَلَا وَ مَثَلُ الْعَقْلِ فِي الْقَلْبِ كَمَثَلِ السَّرَاجِ فِي وَسْطِ الْبَيْتِ.» (4)

«آگاه باشید که مثل عقل در قلب انسان به مثابه چراغ است در میان خانه.»

چون نور قلب پرفروغ شد تمامی ظلمات جهالت و نادانی را مرتفع می گرداند،

ص: 15

1- تفسیر مقتنیات الدرر 2/26

2- یاد مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آرام دل 207 - بحار الانوار 103/16

3- یاد مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آرام دل (مرحوم فقیه ایمانی) 207 - بحار الانوار 103/11

4- علل الشرائع 1/98 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 1/31 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 1/99 -

تفسیر نور الثقلین 1/76 - تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب 1/407

چنان که امام معصوم (علیه السلام) فرمودند:

«فَيَقَعُ فِي قَلْبِ هَذَا الْإِنْسَانِ نُورٌ فَيَفْهَمُ الْفَرِيضَةَ وَالسُّنَّةَ وَالْجِدَّ وَالرَّدَى» (1)

«پس در قلب انسان نوری است که واجب و سنت و خوب و بد را می فهمد».

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«هرکس خدا را شناخت و به عظمتش پی برد، دهان خویش را از گفتار بیهوده و بد و معده اش را از خوراک حرام و شبه ناک و زیاده خوری نگه می دارد و با روزه و شب زنده داری خود را در رنج می برد.» (2)

اداء حق این روایت تأمل و تفکری دقیق می طلبد و برای مبادرت به روزه همین يك روایت برای مؤمن عاقل کافی است؛ زیرا تناول طعام مولد قوه شهوانی است که آن نیز مجموعه ای از چیزی به نام حب دنیا را در قلب خود می پروراند و مانند مادری، هوا و هوس را شیر می دهد تا از کودکی به بلوغ برسد. بلوغ آن نیز در هر شخصی به معنای سوار شدن دنیا بر گرده اوست تا آن جا که افسار او را کشیده و به هر سمتی که می خواهد می کشد. به همین علت راه رهایی از منجلا ب غرایز جنسی روی آوردن به روزه است. امام رضا (علیه السلام) فرموده اند:

«یکی از آثار روزه شکستن قوا و پایه های غرایز جنسی است.»

نقش روزه در تهذیب نفس

یکی از علت های مهم فرو رفتن در باتلاق شهوات و هوس ها پر خوری است. امام معصوم (علیه السلام) می فرمایند:

ص: 16

1- علل الشرائع 1/98 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 1/31 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 1/99 -

تفسیر نور الثقلین 1/76 - تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب 1/407 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 1/81؛ 11/203

2- الامالی صدوق 647/88 - میزان الحکمة 7/187

«پر خوری باعث دوری از خدا می گردد.» (1)

با پر خوری هیچ علمی به عمل تبدیل نگشته و هیچ ظلمتی جای خود را به نور نخواهد داد. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«به درستی که شکم از خوردن طغیان می کند و بهترین زمانی که بنده به خداوند متعال نزدیک است، وقتی است که شکمش سبک باشد. زمانی هم که بنده بیش از دیگر اوقات مورد خشم خداوند متعال است، موقعی است که شکمش پر باشد.» (2)

اولین قدم در معرفت و محبت خدا و اهل بیت (علیهم السلام) خالی کردن دل از موانع است تا زمینه ساز هوا و هوس و پر خوری و زیاده گویی نشود. همت مؤمن باید برای لقمه ای صرف شود که پسند حق تعالی در آن باشد و این در راستای فرمایش پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است که فرموده اند:

«كُنْ كَالنَّحْلَةِ إِذَا أَكَلْتَ طَيِّبًا وَإِذَا وَضَعْتَ وَضَعْتَ طَيِّبًا وَإِذَا وَقَعْتَ عَلَى عُودٍ لَمْ تَكْسِرْهُ.» (3)

«مانند زنبور عسل باش: فقط پاکیزه را می خورد و فقط پاکیزه را بر جای می گذارد و هرگاه بر شاخه درختی می نشیند آن را نمی شکند.»

روزه از ارکان اصلی تهذیب و ورود به حکمت و سیر در مراحل عبودیت است. جناب لقمان حکیم (رحمة الله) به فرزند خویش فرمودند:

«يَا بُنَيَّ إِذَا امْتَلَأَتِ الْمَعِدَّةُ نَامَتِ الْفِكْرَةُ وَ خَرَسَتِ الْحِكْمَةُ وَقَعَدَتِ الْأَعْضَاءُ عَنِ الْعِبَادَةِ.» (4)

«اگر معده پر گردد، اندیشه می خوابد و حکمت پایمال می گردد و اعضای

ص: 17

1- بحار الانوار 15/72

2- کافی 6/269 ح 4

3- غرر الحکم و درر الکلم 532 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 324 - شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم 4/615

4- مجموعه ورام 1/102 - بنیادهای اخلاقی اسلامی 295 - محجة البيضاء 6/151

پس قدم گذاشتن در وادی قرب الی الله و دور شدن از تعلقات دنیوی و رسیدن به نور محبت و مودت امام زمان (علیه السلام) منوط بر به رنج تن و نفس است تا از این راه روح از آلودگی ها و شهوات پاک شده و توان پرکشیدن پیدا کند. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ بَابًا وَبَابُ الْعِبَادَةِ الصِّيَامُ.» (1)

«هر چیزی دربی دارد و درب همه عبادت ها روزه است.»

اگر مؤمن به نماز شب و روزه تمسک جست، راهی به سوی نور برایش فراهم می گردد، وگرنه به فرموده امام حسن عسکری (علیه السلام)، بدون داشتن این دو بال عظیم محال است در مواضع قرب وارد شد و چون خلایق برای تربیت به آداب بندگی و متخلق شدن به اخلاق الهی آفریده شده اند، هر مؤمنی، الزاماً باید بذر این دو گیاه حیاتی را در وجود و روح خود بیافشاند تا آرام آرام تنومند گردد؛ زیرا امر پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بر مؤمنان همین است که فرموده اند:

«وَعَفَى نَفْسَهُ بِالصِّيَامِ وَالْقِيَامِ.» (2)

«مؤمن نفس خود را با روزه و قیام در شب ریاضت می دهد.»

مؤمن می باید رذائل اخلاقی را به وسیله گرسنگی، که ریاضتی شرعی است، و راز و نیاز در نیمه شبان، از درون خود جدا نماید؛ زیرا هیچ بتی بالاتر از هوای نفس نیست. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده اند:

«مَا تَحْتَ ظِلِّ السَّمَاءِ مِنْ إِلَهٍ يَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَعْظَمَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ هَوَى مُتَّبِعٍ.» (3)

«در زیر آسمان هیچ بتی در نزد خدا بزرگ تر از هوا و هوسی که از آن

ص: 18

1- شرح فارسی شهاب الأخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله و سلم)) 362

2- بحار الأنوار (ط - بیروت) 66/289؛ 110/34 - شرح الکافی - الأصول و الروضة (للمولی صالح المازندرانی) 9/158

3- نقطه های آغاز در اخلاق عملی 30 - المیزان چاپ بیروت 15/237 با اندکی تفاوت، کتاب ذم الهوی

یکی دیگر از رذائلی که نورانیت قلب را از بین می برد کبر و فخر فروشی است. این رذیله نیز به وسیله شمشیر گرسنگی دریده می شوند. روزه در ابعاد مختلف، اثرات و فضائل خود را نمایان می سازد. یکی از ابعاد مهم آن دوری از کبر و کسب تواضع و فروتنی است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این باره می فرمایند:

«خداوند متعال بندگانش را با نماز، زکات، تلاش و روزه داری در روزهایی که واجب شده حفظ کرده تا اعضاء و جوارح شان آرام، دیدگان شان خاشع (1) و گریان، جان و روان شان فروتن و دل هایشان متواضع گردد و کبر و خودپسندی از آنان رخت بریند؛ چراکه در سجده بهترین جای صورت را به خاک مالیدن فروتنی می آورد و گذاشتن اعضاء پر ارزش بدن بر زمین اظهار کوچکی است. در روزه و چسبیدن شکم ها به پشت، خضوع و ناچیزدانستن خویش وجود دارد.» (2)

بعد دیگر روزه آزمودن اخلاص بشر است:

«وَ الصَّيَامَ ابْتِلَاءً لِإِخْلَاصِ الْخَلْقِ.» (3)

«خداوند روزه را برای آزمایش اخلاص واجب نموده است.»

حضرت صدیقۀ کبری (علیها السلام) در خطبۀ فدکیه فرمودند:

«وَ الصَّيَامَ تَشْيِئًا لِلْإِخْلَاصِ.» (4)

«خداوند روزه را برای ثابت شدن اخلاص قرار داد.»

هدف دیگر روزه داری احساس هم دردی با مستمندان است. خداوند متعال توفیق

ص: 19

1- خشوع به معنی ترس است

2- نهج البلاغه خطبه 192

3- نهج البلاغه (للصباحی صالح) 512 - غرر الحکم و درر الکلم 488 - الوافی 5/1065 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 6/110 - تفسیر نور الثقلین 4/190

4- علل الشرائع 1/248 - الوافی 5/1064 - وسائل الشیعة 1/22 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 6/107؛ 29/223؛ 29/241 - عوالم العلوم والمعارف والأحوال من الآیات والأخبار والأقوال [مستدرک سیده النساء (علیها السلام) إلى الإمام الجواد (علیه السلام)] 11/659؛ 11/694؛ 11/910؛ 11/930

اعانت به مؤمن تهی دست را به وسیلهٔ درد گرسنگی بر اشخاص متمول عطا کرد تا رنج فقر را لمس کنند. مشقت گرسنگی در روزه، عاطفه و خوی انسان دوستی را نسبت به گرسنگان تحریک می کند. امام صادق (علیه السلام) یکی از علل روزه گرفتن را حس هم دردی با فقرا ذکر فرموده اند:

«خداوند روزه را واجب نمود تا به وسیلهٔ آن بین اغنیا و فقرا مساوات و برابری به وجود آید تا ثروتمندانی که هرگز درد گرسنگی را احساس نکرده اند به فقرا ترحم نمایند.»

امام رضا (علیه السلام) نیز فرموده اند:

«یکی از اهداف روزه فهمیدن درد گرسنگی و تشنگی است تا بنده، ذلیل و متضرع و ماجور و صابر باشد و سختی های آخرت را درک کند. علاوه بر این که در روزه، انکسار شهوات می باشد. موعظه ای برای آخرت نیز هست تا فرد حال فقرا را در دنیا بفهمد.» (1)

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«شخصی در حالی که آروغ می زد خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شرفیاب شد (غذا زیاد خورده بود). پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خطاب به او فرمودند که این حالت را به خود راه نده چون کسانی که در این جهان پرخور باشند در روز قیامت رنج گرسنگی شان بیش از دیگران است.» (2)

علت های مختلفی بر روزه مترتب است که به بعضی از آن ها در روایات اشاره شده است؛ اما هدف اصلی از گرسنگی ریشه کن کردن درخت تنومند شهوت از وجود مؤمن است. به فرمایش امام صادق (علیه السلام) هیچ شمشیری در برابر دیو شهوت بُرنده تر از روزه داری نیست:

«لَا حِجَابَ أَظْلَمَ وَأَوْحَشُ بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ الرَّبِّ مِنَ النَّفْسِ وَالْهَوَىٰ- لَيْسَ

ص: 20

1- روزه درمان بیماریهای روح و جسم

2- بحار الانوار 15/72

لَقَتْلِهِمَا فِي فَطْعِهِمَا سِلَاحٌ وَ آلَةٌ مِثْلُ الْإِفْتِقَارِ إِلَى اللَّهِ وَ الْخُشُوعِ وَ الْجُوعِ» (1)

«هیچ حجابی میان بنده و خدا تاریک تر و وحشتناک تر و خطرناک تر از نفس سرکش و خواسته های آن وجود ندارد و برای نابودی آن هیچ اسلحه ای بُرنده تر از نیازمندی نزد خدا و خشوع و گرسنگی نیست.»

جایگاه روزه دار در پیشگاه خداوند

اگر مؤمن سلاح روزه داری را به دست بگیرد، از طرف خداوند متعال لایق عنایتی خاص خواهد شد. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در اهمیت این مطلب فرموده اند:

«قَالَ تَعَالَى الصَّوْمُ لِي وَ أَنَا أُجْزَى.» (2)

«حق تعالی فرمود که روزه برای من است و مختص به من و ثوابش هم به عهده من است.»

و نیز فرمودند:

«كُلُّ عَمَلٍ لِيَنِي آدَمَ الْحَسَنَةُ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا إِلَى سَبْعِمِائَةِ ضِعْفٍ إِلَّا الصَّيَامَ فَإِنَّهُ لِي وَ أَنَا أُجْزَى بِهِ.» (3)

«هر حسنه و عمل نیکی به ده برابر تا هفت صد برابر پاداش دارد، مگر روزه؛ زیرا به راستی که روزه متعلق به من است و من، خود، مستقیم ثواب و جزای آن را می دهم.»

واقعاً کدامین عمل چنین پاداشی دارد؟ حقیقتاً این روایت اهمیت روزه را به

ص: 21

1- مصباح الشریعه 169 [در ترجمه مصطفوی 356] - بحار الانوار 67/69 طبع بیروت - مستدرک الوسائل 11/139
2- مصباح الشریعه 136 - الکافی (ط - الإسلامیة) 4/63؛ (ط - دارالحدیث) 7/371 - الوافی 11/25 - وسائل الشیعة 10/397؛
10/400 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 10/237؛ 12/447 - بحار الأنوار (ط - بیروت)
29/259؛ 70/12؛ 93/254 الی 93/258 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 7/499 الی 7/502 - روزه درمان بیماریهای روح و
جسم 97

3- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 7/503 - روزه درمان بیماریهای روح و جسم 54

زیبایی بیان می کند. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند که خداوند متعال می فرماید:

«كُلُّ عَمَلٍ ابْنِ آدَمَ هُوَ لَهُ غَيْرَ الصَّيَامِ هُوَ لِي وَ أَنَا أَجْزَى بِهِ.» (1)

«هر عمل فرزند آدم برای خود اوست، جز روزه که برای من است و من پاداش آن را می دهم.»

عنايات خاص حق تعالی برای شخص روزه دار در این کلام خدای عزوجل خواندنی است:

«مَا أَطْيَبَ رِيحَكَ وَ رَوْحَكَ مَلَائِكَتِي أَشْهَدُوا أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُ.» (2)

«چقدر بو و روح تو پاک است! ای فرشتگانم، گواه باشید که من او را آمرزیدم.»

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید:

«مَا مِنْ صَائِمٍ يَحْضُرُ قَوْمًا يَطْعَمُونَ إِلَّا سَبَّحَتْ لَهُ أَعْضَاؤُهُ وَ كَانَتْ صَلَاةُ الْمَلَائِكَةِ عَلَيْهِ وَ كَانَتْ صَلَاتُهُمْ اسْتِغْفَارًا.» (3)

«هر روزه داری نزد جمعی برود که غذا می خورند، اعضای بدن او برایش تسبیح می کنند و فرشتگان برایش طلب رحمت می نمایند و همین امر سبب آمرزش او می شود.»

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَكَلَّ مَلَائِكَتَهُ بِالِدُّعَاءِ لِلصَّائِمِينَ.» (4)

ص: 22

1- الخصال 1/45 - فضائل الأشهر الثلاثة 134 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 93/249

2- الكافي (ط - الإسلامية) 4/64؛ 4/65؛ (ط - دارالحديث) 7/374؛ 7/379 - ثواب الأعمال و عقاب الأعمال 52 - فضائل الأشهر

الثلاثة 120 - الوافي 11/27 - وسائل الشيعة 10/409 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام) 4/268 - مرآة العقول في شرح

أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 16/202؛ 16/205 - يكهزار گوهر علم 35

3- من لا - يحضره الفقيه 2/87 - الأمالي (للصدوق) 587 - ثواب الأعمال و عقاب الأعمال 53 - الوافي 11/29 - وسائل الشيعة

10/156 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام) 4/215 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 93/247

4- الكافي (ط - الإسلامية) 4/64؛ (ط - دارالحديث) 7/375 - الوافي 11/28 - الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)

3/337 - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 16/203

«همانا خداوند ملائکه را موکل بر دعا برای روزه داران نموده است.»

شخصی که روزه می گیرد تا جایی ارزش مند می شود که ملائکه دعاگوی او می شوند. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«مَا أَمَرْتُ أَحَدًا مِنْ مَلَائِكَتِي أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِي إِلَّا اسْتَجَبْتُ لَهُمْ فِيهِ.» (1)

«جبرئیل از ناحیه پروردگرم خبر داد که هرکس از فرشتگانم برای بندگانم طلب دعا و آمرزش کند، آن را برآورده می کنم.»

پیغمبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در بیان شأن روزه دار فرمودند:

«إِنَّ لِلْجَنَّةِ بَابًا يَدْعَى الرَّيَّانَ لَا يَدْخُلُ مِنْهُ إِلَّا الصَّائِمُونَ.» (2)

«برای بهشت دری است که ریان خوانده می شود که مختص روزه داران است.»

در روایت آمده است:

«وَلِخُلُوفٍ فَمِ الصَّائِمِ أَطِيبٌ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ وَ الصَّائِمُ يَفْرَحُ بِفَرْحَتَيْنِ حِينَ يَفْطِرُ فَيَطْعَمُ وَ يَشْرَبُ وَ حِينَ يَلْقَانِي فَأَدْخِلُهُ الْجَنَّةَ.» (3)

«بوی دهان روزه دار نزد خداوند عزوجل خوش بوتر از مشک است. روزه دار دو وقت شاد می شود: زمانی که افطار می کند و می خورد و می نوشد؛ زمان دیدار من (خدا) که او را داخل بهشت می کنم.»

و نیز فرموده اند:

«وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) بِيَدِهِ لَخُلُوفٌ فَمِ الصَّائِمِ عِنْدَ اللَّهِ أَطِيبٌ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ.» (4)

ص: 23

1- المحاسن 1/72 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 93/254

2- معاني الأخبار 409 - وسائل الشيعة 10/404 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 8/194؛ 93/252

3- الخصال 1/45 - فضائل الأشهر الثلاثة 134 - وسائل الشيعة 10/404؛ 10/406 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 93/249؛ 93/250

4- کافی 4/65 طبع اسلامیه؛ 7/376 طبع دارالحديث؛ - دعائم الاسلام 1/271 - من لا يحضره الفقيه 2/75 - خصال شيخ صدوق

1/45 - مكارم الاخلاق 138 - وافي 11/26 - وسائل الشيعة 10/397؛ 10/400؛ ... - بحار الأنوار 13/345؛ ...

«بوی بد دهان روزه دار پیش خداوند خوشایندتر از بوی مشک است.»

همچنین پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در پاسخ به سؤالات شخصی یهودی، پاداش روزه دار را در ماه رمضان چنین بیان می دارند:

«... قَدْ كَفَّرَ حَاطِيَّةَ أَبِيهِ آدَمَ...» (1)

«گوشت حرام از بدنش آب خواهد شد؛ کفاره اشتباه پدرش جناب آدم را خواهد داد؛ به رحمت خدا نزدیک می شود؛ بر او سكرات مرگ آسان می گردد؛ از گرسنگی و تشنگی قیامت در امان خواهد بود؛ به وی برگه برائت از آتش داده خواهد شد و او را از پاکیزه های بهشت اطعام خواهند داد.»

همچنین برای رسیدن به بهشت ابدی نیز باید این درب را کوبید. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند:

«کوبیدن درب بهشت را ادامه دهید تا برای شما باز شود.»

گفته شد که چگونه برکوبیدن درب بهشت مداوت ورزیم؟ حضرت فرمودند:

«بِالْجُوعِ وَالطَّمَاءِ.» (2)

«با گرسنگی و تشنگی (یعنی با روزه داری).»

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند:

«خداوند متعال فرمود که تمامی اعمال بنی آدم از ده برابر الی هفت صد برابر پاداش دارد، مگر صبر؛ زیرا صبر برای من است و جزای صبر را من می دهم. پس ثواب صبر در گنجینه علم خداست و صبر همان روزه

ص: 24

1- بحار الأنوار 96/369 - وسائل الشیعه 10/241 - وافى 11/35 - علل الشرایع 2/379 - امالی صدوق 193 - خصال 2/346 - البرهان فی تفسیر القرآن 1/385

2- عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة 1/325 - منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة (خوئی) 14/136 - مجموعه ورام 1/101

ثواب روزه احصاء نمی گردد؛ چون:

«هیچ عملی نزد خداوند محبوب تر از گرسنگی و تشنگی نیست.»

همچنین فرمودند:

«ارزشمندترین شما نزد خداوند متعال در قیامت کسانی هستند که گرسنگی بیشتری کشیده و درباره خداوند تبارک و تعالی بیشتر تفکر نموده اند.» (2)

روزه به این دلیل در پیشگاه خداوند متعال بسیار مهم است که بهترین درهم شکننده قوای شیطانی است و باعث فاصله گرفتن شیطان از قلب مؤمن می شود. روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به اصحاب خود فرمودند:

«آیا شما را آگاه نکنم به چیزی که اگر شما آن را انجام دهید شیطان از شما دور می گردد و همچون بُعد و فاصله مشرق از مغرب از شما فاصله می گیرد؟»

آنان عرض کردند که بلی یا رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم). حضرت فرمودند:

«الصَّوْمُ يَسْوِدُّ وَجْهَهُ»

«روزه صورت شیطان را سیاه می کند.» (3)

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«جَاهِدُوا أَنْفُسَكُمْ بِالْجُوعِ وَالْعَطَشِ فَإِنَّ الْأَجْرَ فِي ذَلِكَ أَجْرُ الْمُجَاهِدِ.» (4)

«با گرسنگی و تشنگی (روزه) با نفس خود جهاد کنید که مزد آن با جهاد در راه خدا برابر است.»

به فرموده نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، بهترین راه مهار نفس و سرکوبی قوای جنسی،

ص: 25

1- روزه درمان بیماریهای روح و جسم 116

2- اثرات معنویات 421 - تفسیر جامع 1/420

3- سفینه البحار کلمة صوم

4- جامع السعادات 2/5

آن هم برای افراد مجرد، مداومت بر روزه داری است:

«عَلَيْكُمْ بِالْبَاءَةِ فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ بِالصَّوْمِ فَإِنَّهُ لَهُ وَجَاءٌ.» (1)

«ازدواج کنید؛ اما هرکس توانایی آن را نداشت، به روزه روی آورد که علاج اوست.»

بهترین داروی وسوسه شیطانی گرسنگی است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره روزه می فرماید:

«يَذْهَبُ بِالْبَلَاءِ الصَّدْرُ.» (2)

«وسوسه سینه را برطرف می کند.»

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«الصَّوْمُ جُنَّةٌ أَى سِتْرٌ مِنْ آفَاتِ الدُّنْيَا وَحِجَابٌ مِنْ عَذَابِ الْآخِرَةِ فَإِذَا صُمْتَ فَأَنْوِ بِصَوْمِكَ كَفَّ النَّفْسَ مِنَ الشَّهَوَاتِ.» (3)

«روزه ستری بر آفت های دنیا و عذاب آخرت است. چون روزه می گیری باید نیت تو از روزه نگهداری نفس خود از شهوات نفسانی باشد.»

هرچه شرایط روزه داری سخت تر باشد، نفس بهتر سرکوب می گردد و قرب بیشتری برای انسان حاصل می آید و پاداش روزه داری مضاعف خواهد شد. مؤید این مطلب روایت امام صادق (علیه السلام) است:

«مَنْ صَامَ يَوْمًا فِي الْحَرِّ فَأَصَابَ ظَمًا وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ أَلْفَ مَلِكٍ يَمْسَحُونَ وَجْهَهُ وَيَبَشِّرُونَهُ حَتَّى إِذَا أَفْطَرَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَا أَطْيَبَ رِيحَكَ وَرَوْحَكَ يَا مَلَائِكَتِي اشْهَدُوا أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُ.» (4)

ص: 26

1- الكافي (ط - الإسلامية) 4/180 - عوالى اللئالى العزىزىة فى الأحادىث الدىنىة 1/257 - مرآة العقول فى شرح أخبار آل الرسول (صلى الله عليه و آله وسلم) 16/438 - كتاب الماء 3/1316 - النهاىة فى غرىب الحدىث و الأثر 5/152 - لسان العرب 1/191 - بنىادهاى اخلاقى اسلامى 301

2- البرهان فى تفسير القرآن 2/506 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 93/341

3- مصباح الشرىعة 82 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 93/254 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 7/500

4- بحار الأنوار (ط - بیروت) 93/247

«هرکس در هوای گرم روزه بگیرد و تشنه شود فرشتگان خود را به صورت او می مالند و به او تا زمان افطار مژده می دهند. چون افطار کند خداوند عزوجل می فرماید که چه خوش است بویت و نسیمت! ای فرشتگانم، گواه باشید که او را بخشیدم.»

همچنین نقل شده است که امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«هرکس برای خداوند عزوجل در گرما روزه بگیرد و تشنه شود، خداوند متعال برای او هزار فرشته می گمارد تا صورتش را مسح کنند و به او تا زمان افطار بشارت بدهند.»

امام صادق (علیه السلام) ثواب روزه در هوای گرم را اینگونه بیان فرمودند:

«أَفْضَلُ الْجِهَادِ الصَّوْمُ فِي الْحَرِّ.» (1)

«بافضیلت ترین جهاد روزه در فصل گرما است.»

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«الصَّوْمُ فِي الشَّتَاءِ الْغَنِيمَةُ الْبَارِدَةُ.» (2)

«روزه در زمستان غنیمتی لذت بخش و بی رنج است.»

مطابق با این روایت مشخص است که روزه گرفتن در هوای گرم فضیلتی بسیار بیشتر از روزه گرفتن در هوای خنک دارد.

اهمیت روزه های مستحبی

با این وصف، روزه گرفتن در زمستان هم غنیمت است و هم زمینه ساز تمرین برای روزه داری در فصل گرما. آنچه از جمع روایات برمی آید آن است که مداومت بر

ص: 27

1- بحار الأنوار (ط - بیروت) 93/256 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 7/504

2- من لا يحضره الفقيه 4/356 - الخصال 1/314 - معانی الأخبار 272 - الوافی 19/257 - الوافی 26/184؛ 26/225 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام) 4/269 - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 12/362 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 63/20؛ 73/158؛ 83/3؛ 87/271؛ 93/257؛ 96/358؛ 100/276 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 7/510

گرسنگی در تمام فصول سال مدنظر است. حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در وصیت خود به اسامه بن زید فرمودند:

«يَا أُسَامَةُ عَلَيْكَ بِالصَّوْمِ فَإِنَّهُ قُرْبَةٌ إِلَى اللَّهِ.» (1)

«بر تو باد به روزه داشتن؛ زیرا وسیله ای برای قرب به خداوند متعال است.»

در این فرمایش، پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) اسامه را به صورت مطلق به روزه داری توصیه فرمودند و این غیر از روزه واجب در ماه مبارک رمضان است؛ چراکه بیشتر فضائل گرسنگی در روزه های مستحبی است که در غیر ماه مبارک رمضان گرفته می شوند. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«مَنْ صَامَ يَوْمًا تَطَوُّعًا فَلَوْ أُعْطِيَ مِلْءَ الْأَرْضِ ذَهَبًا مَا وَفَّى أَجْرَهُ دُونَ يَوْمِ الْحِسَابِ.» (2)

«اگر برای کسی که یک روزه روزه مستحبی گرفته است زمین را از طلا پر نمایند نموده و به او بدهند، حق او را ادا نکرده اند و اجر او را نداده اند؛ بلکه حق او فقط در روز قیامت ادا می گردد.»

ابی امامه یکی از یاران رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض کرد که ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، مرا به عملی شایسته راهنمایی فرما. حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«عَلَيْكَ بِالصَّوْمِ فَإِنَّهُ لَا عِدْلَ لَهُ وَلَا وَزْنَ لِثَوَابِهِ.» (3)

«روزه بگیر؛ زیرا روزه همتایی ندارد و ثوابش را هم نمی توان اندازه گرفت.»

او عرض کرد که یا رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)، مرا به عملی شایسته هدایت فرما! پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دوباره فرمودند:

«روزه بگیر....»

ص: 28

1- دعائم الإسلام 1/270 - التحصين في صفات العارفين 20 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 93/258 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 7/499

2- معانی الأخبار 409 - وسائل الشيعة 10/404 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 93/252

3- روزه درمان بیماری های روح و جسم 59 - ارکان الاسلام (الاصيام) تالیف سلیمان غاوجی 16

این سؤال و جواب سه مرتبه تکرار شد و این توصیه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) باعث شد که ابوامامه و همسرش و خادمشان همیشه روزه باشند.

سفارش اکیدی به گرفتن روزه های مستحبی در ماه های شریف رجب و شعبان وارد شده است و اگر مؤمن عذری نداشته باشد، بجاست که به مدد الهی این دو ماه را برای کسب کمالات روحی و زدودن حجاب های نفسانی به ماه مبارك رمضان وصل نماید. متأسفانه شیطان با القاء این که انسان ضعیف می شود و توان آن وجود ندارد، سعی در بازداشتن مؤمنان از این عمل عظیم دارد؛ در صورتی که این مطلب نه تنها صحیح نیست؛ بلکه برخلاف آن، فرمایشی عجیب و زیبا از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است:

«لَوْ أَنَّ النَّاسَ تَسَحَّرُوا ثُمَّ لَمْ يَفْطَرُوا إِلَّا عَلَى الْمَاءِ لَقَدَرُوا عَلَى أَنْ يَصُومُوا الدَّهْرَ.» (1)

«اگر مردم فقط سحری بخورند و در افطار چیزی جز جرعه آبی نیاشامند، هر آینه قادر بر امساک و روزه دهر خواهند بود.»

امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

«لَوْ أَنَّ النَّاسَ قَصَّرُوا فِي الطَّعَامِ لَأَسْتَقَامَتْ أَبْدَانُهُمْ.» (2)

«اگر مردم خوراک کمتر بخورند، بدن های آن ها مقاوم تر خواهد بود.»

خداوند متعال فرمود:

«ای احمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، می دانی در چه هنگامی بنده ام به سویم تقرب می جوید؟

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض کرد که خیر. پروردگار متعال فرمود:

ص: 29

1- من لا يحضره الفقيه 2/136 - تهذيب الأحكام (تحقيق خراسان) 4/199 - لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقيه 6/488 - روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القديمة) 3/380 - الوافي 11/243 - ملاذ الأختيار في فهم تهذيب الأخبار 6/526 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 93/312

2- مكارم الأخلاق 362 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 59/142؛ 78/212 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 2/155؛ 16/452

«إِذَا كَانَ جَائِعًا أَوْ سَاجِدًا.» (1)

«زمانی که گرسنه باشد یا سجده کند.»

در کتاب "ثمرات الحیات"، از زبان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، اهمیت والای روزه داری در ماه رجب این گونه بیان شده است:

«به آن خدایی که مرا به پیغمبری فرستاده، هر مرد و زن مسلمانی که يك روز از ماه رجب را روزه بگیرد و شیش را به احیا بگذراند، خداوند ثواب هزار سال عبادتی را برایش می نویسد که تمام روزهایش را روزه گرفته باشد و شب های آن را اجیا گرفته باشد. گویا او هزار حج و هزار عمره از مال حلال به جا آورده باشد، هزار مرتبه در راه خدا به جهاد رفته باشد، هزار بنده از اولاد اسماعیل را آزاد کرده باشد، هزار دینار در راه خدا صدقه داده باشد، اسیران امت مرا خریده باشد و در راه خدا آزاد کرده باشد و هزار گرسنه را سیر کرده باشد. خداوند او را از عذاب قبر و هول نکیر و منکر ایمن می گرداند.»

صاحب کتاب "ثمرات الحیات" می فرمایند که اگرچه در این حدیث آمده است که ثواب روزه ماه رجب را کسی غیر از خدا نمی داند؛ اما حدیث دیگری است که مرحوم مجلسی در "بحار الأنوار" از زبان یکی از اصحاب امام صادق (علیه السلام) روایت کرده است:

«چند روزی از ماه رجب باقیمانده بود که آن حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) مشرف شدم. ایشان فرمودند که ای سالم، آیا روزی از این ماه را روزه گرفته ای؟ (2) من

ص: 30

1- إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی) 1/200 - الوافی 26/143 - الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیة (کلیات حدیث قدسی)

383 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 74/22 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 16/219

2- الأمالی (للصدوق) 15 - فضائل الأشهر الثلاثة 18 - روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (ط - القدیمة) 2/396 - وسائل الشیعة

10/475 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 94/32 - زاد المعاد - مفتاح الجنان 13

عرض کردم که به خدا قسم نه ای پسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم). حضرت فرمودند که آن قدر ثواب از توفوت شده که مقدار آن را غیر از خدا کسی نمی داند. (1) به درستی که این ماهی است که خداوند متعال آن را فضیلت داده و آن را احترامی عظیم کرده است و برای روزه داران کرامت خود را در آن واجب گردانیده.

عرض کردم که ای فرزند رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)، اگر روزهای باقیمانده از این ماه را روزه بگیرم به بعضی از ثواب های روزه دارن نائل می شوم؟ حضرت فرمودند که ای سالم، هرکس يك روز از آخر این ماه را روزه بدارد، خدا او را از سختی سكرات مرگ و ترس قیامت و عذاب قبر ایمن می سازد.»

حدیثی دیگر نیز هست که شیخ صدوق در "امالی" و مجلسی در "بحار الأنوار" از "ثواب الأعمال" نقل کرده اند:

«أَلَا فَمَنْ صَامَ مِنْ رَجَبٍ يَوْمًا إِيْمَانًا وَ احْتِسَابًا اسْتَوْجَبَ رِضْوَانَ اللَّهِ الْأَكْبَرَ...» (2)

«آگاه باش! هر مؤمنی که به امید ثواب، يك روز از ماه رجب را روزه بگیرد، مستوجب خشنودی بزرگ خدا می شود و روزه آن روز غضب خدا را از بین می برد و دری از درهای جهنم از روی او بسته می شود. (3) اگر به اندازه زمین به چنین فردی طلا-عطا شود، از روزه او بافضیلت تر نخواهد بود. اجر او با پاداش های دنیایی کامل نمی شود. هرکس دو روز از ماه رجب را روزه بدارد، وصف کنندگان آسمان از وصف کرامت چنین فردی نزد خدا عاجزند.» (4)

ص: 31

1- همان آدرس قبل

2- الأمالی (للصدوق) 534 - ثواب الأعمال و عقاب الأعمال 54 - وسائل الشيعة 10/476 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 94/26 - زاد

المعاد - مفتاح الجنان 12

3- بحار الأنوار (ط - بيروت) 94/26

4- الأمالی (للصدوق) 534 - ثواب الأعمال و عقاب الأعمال 54 - روضة الواعظين و بصيرة المتعظين (ط - القديمة) 2/397 - بحار

الأنوار (ط - بيروت) 94/27

با این اوصاف، بهترین راه برای قرب الهی و کسب پاداش های بی شمار، نشستن بر سر سفره ماه رجب و شعبان است. حال ای برادر، تو روی مگردان که جواب اقبال، ادبار نیست!

واردشدن در سلک روزه داران این دو ماه، علاوه بر منفعت شخصی، احترام به میزبان بوده و طبیعتاً صائم مشمول دعای پیغمبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است که می فرمایند:

«رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَنِي عَلَى شَهْرِي» (1)

«هرکس مرا بر ماه من یار کند، خداوند او را رحمت کرده است.»

این خود شاید آزمایشی برای بندگان مخلص باشد؛ زیرا بنده مخلص کسی است که میهمانی مولایش را اجابت نماید. آیا از ادب و انصاف دور نیست که عید ذلیلی در ورود به میهمانی کریمی تعلق ورزیده و خود را از فیوضات او بی بهره گرداند؟ خداوند درباره عظمت ماه رجب:

«ماه رجب ماه من است و بنده بنده من است و رحمت رحمت من می باشد. پس هرکس مرا در این ماه بخواند، او را اجابت نمایم و هر چیزی بخواهد به او عطا کنم و هرکس طلب هدایت از من نماید راهنمایی اش می کنم. این ماه را رشته ای بین خود و بندگانم قرار داده ام؛ پس هرکس به آن تمسک جوید به مقام قرب من می رسد.» (2)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«الشَّهْرُ الْحَرَامُ الْعَظِيمُ شَهْرُ رَجَبٍ» (3)

«ماه بزرگ خداوند ماه رجب است.»

ص: 32

-
- 1- المقنعة 373 - إقبال الأعمال (ط - القديمة) 2/683 - الإقبال بالأعمال الحسنة (ط - الحديثة) 3/287 - وسائل الشيعة 10/493
 - 2- إقبال الاعمال 628 - بحار الانوار 98/377
 - 3- إقبال الأعمال (ط - القديمة) 2/659 - الإقبال بالأعمال الحسنة (ط - الحديثة) 3/241 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 47/307؛ 95/399 - عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال [مستدرک سیده النساء (علیها السلام) إلى الإمام الجواد (علیه السلام)] 20/984

خوش به سعادت کسی که روزه این دو ماه شریف را به ماه مبارك رمضان وصل کند؛ چنان که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«پس به یقین هرکس ماه رجب و شعبان را قدر بداند و عظیم بشمارد و آن دورا به ماه رمضان، ماه بزرگ تر خدا، وصل کند، روز قیامت به بزرگی و عظمت آن شخص گواهی خواهند داد و منادی حق ندا خواهد داد که ای ماه رجب و شعبان و رمضان، این بنده با شما چگونه رفتار کرد و فرمان برداری اش از خدای عزوجل چگونه بود؟ پس آنان جواب می دهند و می گویند که بار پروردگارا، او از ما برای بندگی ات یاری می جست.» (1)

در این سه ماه، درب رحمت حق تعالی به روی بندگانش باز می باشد. خدا این سه ماه را برای به سعادت رسیدن بندگان خود انتخاب کرده است:

«وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ اخْتَارَ مِنَ الشُّهُورِ شَهْرَ رَجَبٍ وَشَعْبَانَ وَشَهْرَ رَمَضَانَ.» (2)

«خدای عزوجل ماه های رجب و شعبان و رمضان را از میان ماه ها برگزید.»

حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) فرمودند:

«رَجَبٌ شَهْرٌ عَظِيمٌ يَضَاعِفُ اللَّهُ فِيهِ الْحَسَنَاتِ وَيَمْحُو فِيهِ السَّيِّئَاتِ.» (3)

«رجب ماه عظیمی است که خداوند متعال پاداش کارهای نیک بندگان را در آن مضاعف می گرداند و بدی ها را می زداید.»

کودک مسلمان و روزه

روزه در اسلام نقش بسزایی در قبولی اعمال عبادی دارد که حتی کودکان را نیز برای تربیت و پرورش برای سنین بلوغ تحت پوشش تربیتی قرار می دهد. در کتاب

ص: 33

1- بحار الأنوار 7/316

2- التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري (عليه السلام) 663 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 37/53؛ 93/373 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 7/432

3- من لا يحضره الفقيه 2/92 - ثواب الأعمال و عقاب الأعمال 53 - فضائل الأشهر الثلاثة 23 - إقبال الأعمال (ط - القديمة) 2/634 - الإقبال بالأعمال الحسنة (ط - الحديثة) 3/191 - الوافي 11/58 - وسائل الشيعة 10/473 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 94/37

"روزه؛ درمان بیماری های روح و جسم" نقل شده است که امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

«هنگامی که کودک نه ساله شد از او بخواهید که روزه بگیرد. البته به قدر توانایی اش. پس اگر توانست تا ظهر یا بعد از ظهر تحمل کند، تا این زمان روزه بدارد و هرگاه گرسنگی و تشنگی بر او غلبه کرد افطار کند.» (1)

بدین وسیله باید تربیت و تأدیب اسلامی کودک را شروع نموده و کودک را برای تحمل بار سنگین روزه واجب آماده کرد. معاویه بن وهب گفت که از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم که در چه سنی از کودک بخواهیم تا روزه بگیرد؟ امام (علیه السلام) فرمودند:

«از کودکی تا چهارده یا پانزده سالگی. پس اگر کودک قبل از این سنین روزه گرفت آزادش بگذارید.» (2)

پس مؤمنان با این توضیح ها و ذکر فضائل روزه، به ویژه در این دو ماه شریف، نباید فرصت را از دست بدهند؛ بلکه باید با عزمی راسخ وارد میهمانی خداوند متعال بشوند. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به ابوذر فرمودند:

«ای اباذر، خداوند متعال گروهی را به بهشت می برد و آن قدر به آنان عطا می فرماید تا اشباع گردند و قومی دیگر در درجات بالاتر، فوق مقام آن ها، منزل می گیرند. دسته اول هنگامی که دسته دوم را می بینند، می شناسند و می گویند که خداوند، این ها دوستان ما بودند که در دنیا با هم بودیم. چرا آن ها را بر ما فضیلت دادی؟ جواب می آید که آن ها وقتی که شما سیر بودید، گرسنه (روزه دار) بودند و وقتی شما سیراب بودید، تشنه بودند. آنان در شب هنگام که شما خواب بودید، بیدار بودند و به عبادت و نماز شب مشغول می شدند.» (3)

ص: 34

1- من لایحضره الفقیه 2/122

2- من لایحضره الفقیه 2/122

3- مکارم الاخلاق تالیف رضی الدین ابونصر الحسن بن الفضل الطبرسی 461

روزه های مستحبی در سیره اولیاء خدا

شیوة انبیا، رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، ائمه اطهار (علیهم السلام) و بزرگان همواره بر این بوده که با اشتیاق فراوان به روزه های مستحبی روی می آوردند. آنان روزه های مستحب را موهبتی از جانب خدای عزوجل می دانستند و اهتمامی عجیب بر حفظ آن داشتند. مردی از ابن عباس درباره روزه پرسید. وی گفت:

«وَإِنْ كُنْتَ تُرِيدُ صَوْمَ خَيْرِ الْبَشَرِ الْعَرَبِيِّ الْقُرَشِيِّ أَبِي الْقَاسِمِ (صلی الله علیه و آله و سلم) فَإِنَّهُ كَانَ يَصُومُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ وَيَقُولُ هِيَ صِيَامُ الدَّهْرِ.» (1)

«اگر میخواهی درباره روزه بهترین بشر عربی قریشی؛ یعنی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بدانی، پس آن حضرت سه روز از هر ماهی روزه داشت و می فرمود که این سه روز برابر است با روزه دهر.»

روزه حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

نسائی، از جماعت عامه و صاحب کتاب "خصائص امیرالمؤمنین (علیه السلام)"، در فضایل آن حضرت می نویسد که ایشان صوم (بسیار روزه می گرفتند) بودند و محدث قمی در کتاب "الکنی و الألقاب" می نویسد:

«كَانَ كَثِيرَ التَّهَجُّدِ وَالْعِبَادَةِ يَصُومُ يَوْمًا وَيَفْطُرُ يَوْمًا.» (2)

«حضرت شب ها را به عبادت و روزها را، يك روز در میان، به روزه مشغول بودند.»

روزه امام حسین (علیه السلام) و امام زین العابدین (علیه السلام)

سرآمد صائمین، امام حسین (علیه السلام) بودند. می نویسند که وقتی خبر شهادت آن

ص: 35

1- الدرر الوقیة 54 - وسائل الشیعة 10/439 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 94/105

2- الکنی و الألقاب 3/247 - ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین (علیه السلام) 1/188

حضرت (علیه السلام) به مکه رسید، عبدالله بن زبیر (لعنت الله علیه) خطبه ای خواند و گفت:

«مردم عراق مردمانی خیانت کارند؛ به ویژه اهل کوفه که اشرار اهل عراق هستند. آنان حسین [(علیه السلام)] را دعوت کردند و با او چنین کردند.»

آن گاه گفت:

«فَرَحِمَ اللَّهُ حُسَيْنًا... أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ كَانَ صَوَامًا بِالنَّهَارِ قَوَامًا بِاللَّيْلِ وَ أَوْلَىٰ بِنَبِيِّهِمْ مِنَ الْفَاجِرِ ابْنِ الْفَاجِرِ، وَاللَّهِ مَا كَانَ يَسْتَبْدِلُ بِالْقُرْآنِ الْغِنَاءَ وَ لَا بِالْبُكَاءِ مِنْ حَشِيَّةِ اللَّهِ الْجِدَاءِ وَ لَا بِالصِّيَامِ شَرْبَ الْخُمُورِ.»

«رحمت خدا بر حسین [(علیه السلام)] باد. به خدا سوگند که روزها را روزه می داشت و در شب ها بسیار عبادت می کرد. او به جد گرامش از آن فاجر، فرزند فاجر (یزید ملعون (لعنت الله علیه))، سزاوارتر بود. او قرآن را چون یزید (لعنت الله علیه) با موسیقی و ساز و طرب مبادله نکرد و خوانندگی را به جای گریه از خوف خدا اختیار نفرمود و می گساری را به جای روزه داری نپذیرفت.»

امام صادق (علیه السلام) درباره امام سجاد (علیه السلام) می فرمایند:

«إِنَّ زَيْنَ الْعَابِدِينَ (علیه السلام) بَكَى عَلَى أَبِيهِ (علیه السلام) أَزْبَعِينَ سَنَةً صَائِمًا نَهَارَهُ وَقَائِمًا لَيْلَهُ.» (1)

«آن حضرت چهل سال بر مصیبت پدر گرامی اش گریست؛ در حالی که روزهایش را روزه بود و شب هایش را به عبادت قیام می کرد.»

روزه حضرت داوود و حضرت سلیمان (علیهما السلام)

شخصی از ابن عباس نحوه روزه داری جناب داوود (علیه السلام) را پرسید. او در پاسخ گفت:

«او عابدترین مردم زمان خویش بود و زبور را به هفتاد صوت قرائت

ص: 36

1- اللهوف على قتلى الطفوف 209 - غم نامه كربلا / ترجمه اللهوف على قتلى الطفوف 226 - مسكن الفؤاد عند فقد الأحبة و الأولاد

100 - ارمغان شهيد (ترجمه مسكن الفؤاد) 88 - وسائل الشيعه 3/282

می کرد. هرگاه بر نفس خویش می گریست، تمام جنبندگان صحرا و دریا صدای او را می شنیدند و آن ها نیز بر نفس خود می گریستند. او در آخر هر روز سجده ای می کرد و یک روز در میان روزه می گرفت.» (1)

آن گاه ابن عباس گفت:

«وَإِنْ كُنْتَ تُرِيدُ صَوْمَ ابْنِهِ سُلَيْمَانَ فَإِنَّهُ كَانَ يَصُومُ مِنْ أَوَّلِ الشَّهْرِ ثَلَاثَةً وَمِنْ وَسْطِهِ ثَلَاثَةً وَمِنْ آخِرِهِ ثَلَاثَةً.» (2)

«اما فرزند او، سلیمان (علیه السلام)، در اول ماه سه روز و در وسط ماه سه روز و در آخر ماه نیز سه روز را روزه می گرفت.»

روزه داری حضرت عیسی (علیه السلام) و مادر گرامی اش، حضرت مریم (علیها السلام)

ایشان همیشه روزه بودند و لباس پشمی می پوشیدند و نان جو می خوردند. خانه ای نداشتند که خراب گردد و فرزندی نداشتند تا بمیرد. در هر جایی خورشید غروب می نمود به صف ایستاده و پیوسته نماز می خواندند تا هنگامی که خورشید طلوع می کرد. (3)

ابن عباس می گوید:

«حضرت مریم (علیها السلام) دو روز روزه بودند و یک روز را افطار می کردند.» (4)

روزه جناب جعفر طیار

نقل شده است که در موته، نیروی دشمن سی تا چهل هزار نفر بودند و نیروی اسلام سه هزار نفر بیش نبود. جنگ شروع شد. جعفر طیار اسب خویش را پی کرد

ص: 37

1- وسائل الشیعه 10/439

2- سفینة البحار 2/66 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 94/104

3- سفینة البحار 2/66 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 94/104

4- بحار الانوار 97/105

و پیاده شد و شروع به جنگ نمود. دست راست و چپ او از بدن جدا شد و از گلو تا ناف هفتاد تیر خورد و خون از بدنش می رفت. او را به خیمه دارالحرب رساندند که مجروحان را در آن مداوا می کردند. عبدالله بن عمر گفت:

«من همراه جعفر طیار بودم که هنوز رمقی داشت. او را به زیر همین خیمه بردم؛ ولی چشمش بسته بود. فهمیدم خیلی تشنه است. ظرفی را آب کردم و بالای سرش آوردم. آرام شانه اش را تکان دادم. چشم های خود را به زحمت باز کرد. نگاهی به من کرد و گفت که چه می گویی؟ گفتم که آب آورده ام. میل نداری؟ فرمود که این آب را بالای سرم نگه دار تا موقع مغرب. اگر زنده بودم از این آب می خورم و اگر هم زنده نماندم با لب تشنه به پیشگاه خداوند می روم. گفتم که آب موجود است. چرا تا مغرب؟ گفت که من روزه ام و نمی خواهم روزه ام را افطار نمایم.»

خداوند از این همه ایمان و اخلاص و شهامت آنان، ذره ای هم به ما مرحمت فرماید!

ابوامامه و همسر و خادمش از روزه داران دهرند

ابوامامه، صحابی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و همسرش از روزه داران معروف اسلام هستند. ابوامامه و همسر و خادمشان همیشه روزه بودند و هرگاه از خانه شان آتشی یا دودی دیده می شد، مردم می دانستند که برای ابوامامه میهمان رسیده و مشغول پذیرایی از میهمان هستند. (1)

روز نفیسه، همسر اسحاق مؤتمن

نفیسه همسر اسحاق بن جعفر الصادق (علیهم السلام) می باشد. محدث قمی (رحمة الله) در "سفینه البحار"

ص: 38

«هِيَ السَّيِّدَةُ الْجَلِيلَةُ الَّتِي وَرَدَتْ رِوَايَاتٌ فِي مَدْحِهَا.»

«او زنی صاحب جلال و فضیلت است که در مدحش روایاتی وارد شده است.»

او دختر حسن بن زید بن الحسن المجتبی (علیهم السلام) است. وقتی که این علیا مخدره در مصر وفات نمود، همسرش، اسحاق مؤتمن، فرزند امام صادق (علیه السلام)، تصمیم گرفت او را به مدینه برده تا در قبرستان بقیع دفن نماید. مردم مصر با اصرار زیاد خواهش کردند و مال زیادی به اسحاق پیشنهاد دادند تا نفیسه خاتون را در مصر دفن کند و مردم مصر به وجود بانو نفیسه تبرک جسته، کسب رحمت و برکت نمایند. جناب اسحاق راضی نشد و قبول نکرد. آن شب در خواب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را دید که فرمودند:

«يَا إِسْحَاقُ لَا تُعَارِضْ أَهْلَ مِصْرَ فِي نَفِيسَةِ فَإِنَّ الرَّحْمَةَ تَنْزِلُ عَلَيْهِمْ بِبِرْكَتِهَا.»

«ای اسحاق، در دفن نفیسه با اهل مصر مخالفت نکن. به راستی که به برکت وجود نفیسه، رحمت بر مردم مصر نازل می گردد.»

مرحوم محدث به دنبال این جریان می نویسد که حکایت شده از شعرانی به این که شیخ ابوالمواهب شاذلی، که از بزرگان علم و عمل بود، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را خواب دیده است و حضرت فرموده اند:

«يَا مُحَمَّدُ (شاذلی) إِذَا كَانَ لَكَ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ فَأَنْذِرْ لِنَفِيسَةِ الطَّاهِرَةِ وَلَوْ بِدِرْهِمٍ يَقْضِي اللَّهُ تَعَالَى حَاجَتَكَ.»

«ای محمد، اگر حاجتی داشتی، برای نفیسه طاهره نذر کن. حتی اگر يك درهم نذر کنی، خداوند حاجتت را برآورده خواهد نمود.»

سپس محدث قمی (رحمة الله) می نویسد: در کتاب "اسعاف العارفين" آمده است که جناب نفیسه خاتون، قبرش را با دست مبارك خود حفر می نمود و در میان قبر وارد می شد و نماز می خواند و در داخل قبر شش هزار بار قرآن مجید را ختم نمود. این علیا مخدره در مصر، در ماه مبارك رمضان و در سال 208 هجری از دنیا رفت. وقتی

محتضر شد و ساعت مرگ ایشان فرا رسید، روزه بود. ایشان را الزام کردند و گفتند که روزه خود را افطار کن؛ ولی ایشان فرمود:

«واعجباً! من سی سال است از خداوند می خواهم که او را با روزه ملاقات نمایم. حالا شما می گوئید افطار کنم؟ خیر، این کار شدنی نیست. خداوند متعال دعایم را مستجاب نموده است.»

سپس مشغول به قرائت سوره مبارکه انعام شد و وقتی به آیه شریفه (لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ) (1) رسید، از دنیا رفت. (2)

این بانوی بزرگوار نه تنها برای زنان؛ بلکه برای مردان هر عصری حجت خواهد بود.

سلمان فارسی (رحمة الله) و روزه دهر

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به اصحاب خویش فرمودند که کدام يك از شما تمام روزها را روزه می دارد؟ سلمان (رحمة الله) گفت که ای رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)، من. سپس يك نفر (عمر) گفت که ای سلمان، اکثر روزها تو را دیده ام که غذا می خوردی. سلمان (رحمة الله) فرمود که اشتباه می کنی. من در هر ماه سه روز روزه می گیرم و خدای عزوجل فرموده است که هرکسی يك عمل خوب انجام دهد، ده برابر به او ثواب داده می شود. (3) (و من سه روز اول و وسط و آخر هر ماه روزه گرفتم). از طرفی هم روزه ماه شعبان را به ماه رمضان وصل می کنم و هرکس چنین کند ثواب روزه تمام دهر را می برد.»

در همین حدیث آمده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به عمر بن الخطاب فرمودند:

ص: 40

1- سوره مبارکه انعام آیه شریفه 127

2- سفینه البحار 2/604 حرف نفس

3- سوره مبارکه انعام آیه شریفه 160

«مَهْ يَا فُلَانُ أَتَى لَكَ بِمِثْلِ لُقْمَانَ الْحَكِيمِ؟ سَلُهُ فَإِنَّهُ يَنْبُتُكَ.» (1)

«خاموش باش ای فلان! تو را با مثل لقمان حکیم (یعنی جناب سلمان) چه کار که به او اعتراض کنی

؟! آنچه می خواهی از او بپرس تا به تو پاسخ دهد.»

نذر روزه نا ظهور حضرت بقية الله (عجل الله تعالى فرجه الشريف)

مرحوم کلینی (رحمة الله) روایت می کنند که مردی به نام کرام گفت که سوگند خوردم طعامی در روز نخورم تا حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشريف) قیام فرماید. کرام می گوید که سپس به محضر مبارك امام صادق (علیه السلام) رسیدم و این مطلب را خدمت ایشان عرض کردم. حضرت فرمودند:

«روزه بگیر ای کرام؛ ولی در عیدین (فطر و اضحی) و سه روز ایام تشریق و هنگام مسافرت روزه نگیر.» (2)

با وجود این که کرام خود را معرفی نکرده بود، امام صادق (علیه السلام) می دانستند که شخص صائم کیست و لذا دستور صحیح روزه و افطار آن را به وی گفتند. این، خود نوعی تشویق به روزه داری و اهتمام ورزیدن به روزه داری محسوب می شود.

اثرات روزه بر سلامتی جسم

از پاداش های بسیار روزه های مستحبی که بگذریم، به بحث صحت و سلامتی شخص روزه دار می رسیم که امروزه در میان اطباء جهان بسیار چشم گیر شده است. در ادامه بخش کوچکی را از دیدگاه دانشمندان خارجی پیگیری خواهیم نمود تا نقش روزه در سلامتی انسان بیشتر نمایان گردد. زینت بخش این کلام، احادیث

ص: 41

1- الأمالی (للصدوق) 33 - فضائل الأشهر الثلاثة 50 - معانی الأخبار 234 - مناقب آل أبي طالب (عليهم السلام) (لابن شهر آشوب - عامه) 3/199 - وسائل الشيعة 10/422 - البرهان في تفسير القرآن 5/797 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 22/317؛ 39/258؛ 73/181؛

94/93؛ 89/346

2- کافی 1/534

گهربار معصومین (علیهم السلام) است. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«صُومُوا تَصِحُّوا.» (1)

«روزه بگیرید تا صحت بیابید.»

«لَا تُتَالِ الصَّحَّةُ إِلَّا بِالْحِمِيَةِ.» (2)

«فقط با پرهیز به تن درستی می رسید.»

این آیه قرآن می تواند فواید روزه را در ابعاد مختلف از طرف پروردگار مهربان برای ما تثبیت نماید:

«وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ» (3)

«و اگر روزه بگیرید برایتان خیر است.»

خدا از روزه داری اراده خیر و سهولت برای شما کرده است:

«يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (4)

امام معصوم (علیه السلام) می فرمایند:

«لَيْسَ مِنْ دَوَاءٍ إِلَّا وَ يَهَيِّجُ دَاءً وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَنْفَعُ فِي الْبَدَنِ مِنْ إِمْسَاكِ الْيَدِ إِلَّا عَمَّا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ.» (5)

«هیچ دارویی نیست، مگر این که ایجاد بیماری دیگر می نماید و هیچ چیزی در بدن مفیدتر از امساک و پرهیز از غیر نیازمندی هایش نیست.»

ص: 42

1- دعائم الإسلام 1/342؛ 1/418 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 59/267؛ 93/255 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 7/502 - مجمع البحرين 2/384

2- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 533 - غرر الحکم و درر الکلم 774 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 16/453

3- سورة مبارکه بقره آیه شریفه 184

4- سورة مبارکه بقره آیه شریفه 185

5- طب الأئمة (علیهم السلام) 4 - وسائل الشیعة 2/408 - الفصول المهمة فی أصول الأئمة (علیهم السلام) 3/25 - هداية الأمة إلى

أحكام الأئمة (علیهم السلام) 1/223 - طب الأئمة (علیهم السلام) (للشبر) 56

یکی از برکات روزه تضمین سلامت جسم است و اطباء قدیم و جدید همگی در این باره اتفاق نظر دارند. برجسته ترین طبیبان قدیم؛ از قبیل بوعلی سینا می نویسند:

«من تمام طب را برای توبه دو جمله خلاصه می کنم: جماع و آمیزش را تا توانی کم کن؛ زیرا آنچه در رحم زنان می ریزد آب حیات است که هر چه بیشتر ریخته شود از حیات تو بیشتر کم می کند؛ غذا خوردن را در هر روز یک بار انجام بده و از خوردن غذا قبل از آن که غذای سابق هضم شود پرهیز کن.» (1)

البته انسان برای زیستن در دنیا باید از حلال خداوند برای قوت بدن، که مرکب روح است، استفاده نماید؛ لکن با شرایطی که ائمه هدی (علیهم السلام)، بالأخص امام صادق (علیه السلام)، فرموده اند:

«برای فرزند آدم چاره ای جز غذا خوردن نیست تا بدان وسیله توانایی یابد. پس اگر یکی از شما غذایی خورد یک سوم شکمش را برای غذا و یک سوم دیگر را برای نوشیدنی ها و یک سوم باقیمانده را برای تنفس بگذارد.» (2)

علت لزوم رعایت چنین توصیه هایی در تغذیه، طبق فرمایش حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، این است که:

«معه در بدن مانند حوض است که رگ ها بر آن وارد شده اند. زمانی که معده سالم باشد، در موقع برگشتن تن درستی را به بدن می آورند و زمانی که معده بیمار باشد، رگ ها از آن بیماری را به اجزاء بدن انتقال می دهند. سلامتی تمامی اعضاء بدن در اثر سلامتی معده می باشد و بالعکس. پس باید طوری رفتار کرد که معده سالم باشد.» (3)

ص: 43

1- کنی و الالقاب 1/322

2- کافی 6/270 ح 9

3- جامع الاحادیث

بنابراین بدترین مرض پرخوری و بهترین داروی شفابخش کم خوری است؛ چنان که پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«الْمَعِدَةُ بَيْتُ كُلِّ دَاءٍ وَالْحَمِيَةُ رَأْسُ كُلِّ دَوَاءٍ.» (1)

«معدده مرکز هر دردی است و پرهیز و اجتناب (از غذاهای نامناسب و پرخوری) اساس هر داروی شفابخش است.»

برای روزه منافع درمانی بسیاری وجود دارد. هم اکنون در سوئیس، آلمان، انگلستان و آمریکا بیمارستانی هست که در بخشی از آن همه بیماران را به روش روزه داری درمان می نمایند. (2)

در مورد این موضوع، نظریات دانشمندان فیزیولوژی و زیست شناس و دیگر متفکران از کشورهای شرق و غرب در مسئله روزه و اثرات طبی و بهداشتی و روانی آن و همچنین نظریات اسلام شناسان دنیا را به خوانندگان محترم ارائه می کنیم.

نظریه علمی بندیکت درباره روزه

در مجله علمی و طبی Constelation در سال 1980 به قلم Elian-Morcl مطالب زیر دیده می شود:

«بندیکت دانشمند فیزیولوژیست، یک دوره روزه را سی و یک روز دانسته و می گوید که در این مدت در ترکیب خون هیچ اختلاطی به هم نرسیده و آن نوری که در بعضی از روزه داران دیده می شود یک حالت جوانی و نشاطی است که برای روزه داران رخ می دهد. نظریه های بندیکت ممکن است با یک روز استقبال از ماه رمضان به خوبی تطبیق نماید.»

دکتر ژان فروموزان می نویسد:

«ذخایر گلیکوژن کبدی و پروتئین خون و ذخیره چربی در مرد سی درصد

ص: 44

1- طب النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) 19 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 59/290 - شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم 4/194

2- کتاب اولین دانشگاه و آخرین پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) 29

و در زن بیست درصد است که برای يك ماه بدن کافی است؛ بنابراین طبق نتایج موجود پزشکی در يك ماه روزه خللی از نظر بهداشتی در وجود انسان پیش نمی آید. در نتیجه آدمی ظرف مدت يك ماه روزه داری از بدنی تازه و آزاد، که از قید و بند سموم رها گردیده، برخوردار است. همچنین نباید اثر هلال تا محاق و غره تا سلخ ماه را که قریب سی روز است فراموش کرد.» (1)

روش معالجه بعضی بیماری ها با روزه

دکتر ژان فروموزان روش معالجه با روزه را شست و شوی احشاء می داند:

«در آغاز روزه داری زبان باردار است، عرق بدن زیاد است، دهان بو می گیرد و گاه آب از بینی راه می افتد و همه، علامت شروع شست و شوی کامل بدن است. پس از سه چهار روز بو برطرف می شود. اسید اوریک ادرار کاسته می گردد و شخص احساس سبکی و خوشی خارق العاده ای می کند. در این حالت اعضاء هم استراحتی دارند.» (2)

کلنل دوروشا روان شناس معروف می نویسد:

«روزه موجب حالت جزبه روحی می باشد.»

دکتر آلکسیس کارل می گوید:

«به لزوم روزه داری در تمام ادیان تأکید شده است. در روزه ابتدا گرسنگی و گاه نوعی تحریک عصبی و بعد ضعف احساس می شود؛ ولی در عین حال کیفیات پوشیده ای که اهمیت زیادی دارند به فعالیت می افتند و سرانجام تمام اعضاء مواد خاص خود را برای نگه داری و تعادل محیط داخلی و قلب قربانی می کنند. به این ترتیب روزه تمام بافت های بدنی را

ص: 45

1- اولین دانشگاه، آخرین پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) 30

2- اولین دانشگاه، آخرین پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) 98

می شوید و آنها را تازه می کند.»

دکتر آلکسیس کارل در کتاب "انسان؛ موجود ناشناخته" می گوید:

«با روزه داری قند خون در کبد می ریزد، چربی هایی که در زیر پوست ذخیره شده اند، پروتئین های عضلات و غدد و سلول های کبدی آزاد شده و به مصرف تغذیه می رسند.»

دکتر گوئل پای فرانسوی می گوید:

«چهارپنجم بیماری ها از تخمیر غذا در روده هاست که همه با روزه اصلاح می گردد.» (1)

دکتر تومانیانس در کتاب خود راجع به فوائد روزه داری چنین می نویسد:

«فایده بزرگ کم خوردن و پرهیز از غذاها در يك مدت کوتاه آن است که چون معده در طول یازده ماه مرتب پر از غذا بوده، در مدت يك ماه روزه داری مواد غذایی خود را دفع می کند و همین طور کبد که برای هضم غذا مجبور است دائماً صفرای خود را مصرف کند، در مدت سی روز ترشحات صفراوی را صرف حل کردن باقیمانده غذای جمع آوری شده خواهد کرد. از طرفی دستگاه هاضمه در نتیجه کم خوردن غذا اندکی فراغت حاصل نموده و رفع خستگی می نماید. روزه یعنی کم خوردن و کم آشامیدن در مدت معینی از سال و این بهترین راه معالجه و حفظ تن درستی است که طب قدیم و جدید را از این حیث متوجه خود ساخته است. مخصوصاً امراضی را که به آلات هاضمه، به خصوص کلیه و کبد، عارض می شود و توسط دارو نمی توان آنها را علاج نمود، روزه به خوبی معالجه می نماید. همچنین بهترین دارو برای برطرف ساختن سوء هاضمه و امراضی که موجب یرقان می گردد روزه است؛ زیرا ایجاد این مرض اغلب

ص: 46

اوقات به واسطه خستگی کبد است که در موقع زیادِ عمل و فعالیت، نمی تواند صفرا را از خون بگیرد.»

تحلیلی طبی از روزه

پرهیز از خوردن و آشامیدن در ایام روزه از اسباب مهم سلامتی است؛ زیرا وقتی انسان مدتی از خوراك عادى روزانه خود دست کشید، بالتبع میل به غذا پیدا کرده و در نتیجه مواد شیمیایی غذا، که از احتیاج های بدن و آلات هضم هستند، به راحتی جذب بدن می گردد. بدیهی است در این صورت سلامتی و تن درستی به استقبال انسان خواهد آمد. (1)

علاج بیماری ها با امساک

علامه محمد خلیلی در کتاب "القرآن و الطب الحدیث" می نویسد:

«طیب و دانشمند بزرگ یونان، فیثاغورث، شاگردان خود را در هنگام مرگش به روزه گرفتن توصیه می نمود.» (2)

ایشان در همین کتاب می نویسد:

«پزشکان در زمان بقراط، مریض هایی را که به بیماری سختی دچار می شدند از غذاخوردن منع می کردند.»

حارث بن کلد، پزشک معروف زمان حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، می گوید:

«یگانه دارویی که بیشتر امراض را از بین خواهد برد گرسنگی است.» (3)

دکتر ادوارد می گوید:

ص: 47

1- کتاب سخنرانیهای ارزنده درباره ماه رمضان 83

2- القرآن و طب، تالیف محمد خلیلی

3- القرآن و طب، تالیف محمد خلیلی

«هیچ دردی نیست که گرسنگی دوی آن نباشد.» (1)

دکتر بوخنر می گوید:

«در مدت پنجاه سال که از تأسیس کلینیک اوتو بوخنر می گذرد، بیش از پنجاه هزار بیمار در این کلینیک توسط امساک از غذا درمان شده اند.» (2)

طبیعی روسی بر اساس تجربه های دقیق و مطالعات فراوانی، که نتیجه سالیان درازی از عمر اوست، کتابی به نام "امساک در غذا" به رشته تحریر در آورده است. آن گاه کشیشی عالی مقام آن را به عربی ترجمه کرده و تنها یک نسخه از این کتاب در ایران وجود دارد. اصل موضوع کتاب درباره اثر معجزه آسای امساک در غذا (روزه طبی) در مبارزه با انواع بیماری هاست، حتی بیماری هایی که طب جدید، با آن همه پیشرفت ها، از مبارزه با آن عاجز مانده یا شاید به زحمت بتواند آنها را درمان کند.

التطیب بالصوم ترجمه کتاب آکسی به عربی، از یک کشیش آرژانتینی

نام روسی کتاب در متن عربی نیامده و مترجم مسیحی آن را تحت عنوان "التطیب بالصوم" (درمان با روزه) منتشر کرده است. مطالب کتاب عجیب و باورنکردنی است. مثلاً روزه طبی کاملی را که مؤلف برای نظافت و بهداشت کامل بدن و مبارزه با انواع بیماری ها و تجدید نشاط و نیروی بدن لازم می داند، چهل روز تمام است! آن هم چه روزه ای؟! روزه ای که نه سحری دارد و نه افطاری! در آن مدت زمان هیچ چیزی نباید خورد. تنها خوراکی که روزه دار مجاز است در این مدت طولانی بخورد فقط آب است و آبمیوه یا چای.

در ضمن کار روزانه را هم نباید تعطیل کرد و پرداختن به استراحت نیز مجاز نبوده؛ بلکه در دوران روزه این چنینی فرد باید مشغول فعالیت باشد؛ اما از کارهای سنگین بپرهیزد. از این بالاتر، مؤلف معتقد است که بسیاری از بیماران، حتی

ص: 48

1- القرآن و طب، تألیف محمد خلیلی

2- نقش روزه در درمان بیماریها

مسئولان که نیاز بیشتری به غذاهای تقویت کننده دارند، اگر این رژیم عجیب را بگیرند، به سرعت، بهبود خواهند یافت!

روزه مرتاض ها

مرتاضان و کسانی که در پی ترقی و تعالی روحی هستند، از تغذیه خویش از نظر کیفیت و کمیت می کاهند، تا آن جا که يك مرتاض در طول شبانه روز به يك عدد بادام اکتفا می کند یا برخی به غذای نباتی اکتفا کرده و از خوردن گوشت حیوانی پرهیز می نمایند تا در کنار ریاضت خالی بودن معده و اجتناب از مجموع خوردنی ها و آشامیدنی ها، به تدریج، به هدفشان که به زعم خود ترقی روح و پرورش آن است برسند. از سخنان فوق می توان دو موضوع را برداشت کرد:

1. روزه ریاضتی برای تزکیه نفس و آمادگی روح است.

2. روزه و سایر ریاضت ها در روح مربوط به مذهب یا عقیده مخصوصی نیست؛ بلکه عمل طبیعی کسانی است که روحشان در مرحله عالی است ولی از حقیقت مذهب اسلام غافلند. بنابراین بهترین و حقیقی ترین ریاضت نفسانی پیروی از دستوره های دینی است که آدمی را به سوی حقیقت راهنمایی می کند. (1)

هریک از روان شناسان عصر حاضر دستورهایی برای تقویت حافظه داده اند. مهمترین آن ها همان است که مبتنی بر پرورش با قوه تداعی معانی در فکر باشد؛ زیرا حافظه توسط تداعی معانی تقویت شدنی است. مسلمانانی که روزه می گیرند، شاید دیگر به پیروی از تمرین هایی برای تقویت حافظه خویش نیازمند نباشند؛ زیرا یکی از فواید روزه تقویت حافظه است.

اثرات قرائت قرآن و روزه و مسواک در تقویت حافظه

از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل شده است که:

ص: 49

«سه چیز موجب ازدیاد حافظه است: مسواک زدن دندان‌ها؛ روزه گرفتن؛ قرآن خواندن.» (1)

بیان دوباره روایت توضیح واضح است؛ اما اثری که روزه در ازدیاد حافظه می‌بخشد، تأثیری فیزیولوژیکی است که در نتیجه رسیدن غذای پاک پس از چند ساعت بی‌غذایی در سلول‌های مغز به وجود می‌آید و آثار روحی دیگری نیز دارد. (2)

روزه و تطهیر روح

مبحث نقش روزه در سلامتی انسان را با فرمایش پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، مبنی بر این که روزه سبب سلامتی روح و قلب است پی خواهیم گرفت:

«إِيَّاكُمْ وَالْبِطْنَةَ فَإِنَّهَا مَفْسَدَةٌ لِلْبَدَنِ وَ مَوْرَثَةٌ لِلْسَّقَمِ وَ مَكْسَلَةٌ عَنِ الْعِبَادَةِ.» (3)

«از پرخوری که موجب فساد بدن، سوء هاضمه، باعث انواع بیماری‌ها و عامل کسالت بدن از اجراء عبادات الهی است پرهیزید.»

پس ثابت می‌شود همچنان که پرخوری باعث بیماری‌های گوناگون جسمی می‌گردد، سبب مریضی‌های روح و قلب نیز خواهد شد و چون تمام همت مؤمن برای سالم نگه داشتن دل خویش از ناپاکی‌هاست، لازم است که برای احیاء و نشاط روح و قلب از پرخوری، به صورت جدی، پرهیزد؛ زیرا پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«مَنْ تَعَوَّدَ كَثْرَةَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ قَسَا قَلْبُهُ.» (4)

«کسی که عادت به پرخوری داشته باشد و زیاد بنوشد قلبش سیاه می‌گردد.»

ص: 50

1- بحار الأنوار 76/138

2- کتاب ماه مبارک رمضان 117

3- طب النبوی (صلی الله علیه و آله و سلم) 5 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 59/267؛ 63/338 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل

16/210 - الدعوات (لراندی) 74

4- طب النبوی (صلی الله علیه و آله و سلم) 23 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 59/293 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 16/213؛

17/8 - الحیة / ترجمه احمد آرام 4/667 - نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم)) 727

«إِذَا مَلِيَ الْبَطْنُ مِنَ الْمُبَاحِ عَمِيَ الْقَلْبُ عَنِ الصَّلَاحِ.» (1)

«هرگاه شکم از مباح پر گردید، دل از دیدن صلاح و خیر کور خواهد شد.»

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در حدیث دیگری فرمودند:

«لَا تَمُوتُوا [تَمِيتُوا] الْقَلْبَ بِكَثْرَةِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ فَإِنَّ الْقُلُوبَ كَالزَّرْعِ إِذَا كَثُرَ الْمَاءُ أَتَلَفَ الزَّرْعُ.» (2)

«قلب تان را با زیاد خوردن و نوشیدن نکشید؛ چراکه مثل زراعتی است که هرگاه آبش از حد زیاد باشد خراب می شود.»

پس باید برای اصلاح زمین قلب بذره‌های مرغوب (مانند کم خوری و...) را انتخاب کرد. هدف مؤمن از روزه داری اصلاح قلب است تا بتواند قرب خدای خویش را به دست آورد. نتیجه روزه دفع رذائل اخلاقی و شهوات است. امام معصوم (علیه السلام) فرمودند:

«هرگاه خواستی روزه بگیری، نگه داری نفست از کل شهوات و خواهش های نفسانی را هدف بگیر.» (3)

در گام اول، منظور حفظ شکم از خوردن و آشامیدن و رعایت آداب ظاهری در شریعت و در گام دوم، که حقیقت و باطن روزه را تشکیل می دهد، حفظ زبان، گوش، چشم، دست و سایر اعضا و جوارح از گناهان است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند:

«صَوْمُ الْقَلْبِ خَيْرٌ مِنْ صِيَامِ اللِّسَانِ وَ صَوْمُ اللِّسَانِ خَيْرٌ مِنْ صِيَامِ الْبَطْنِ.» (4)

«روزه دل با ارزش تر از روزه زبان و روزه زبان با ارزش تر از روزه شکم

ص: 51

1- غرر الحکم و درر الکلم 291/165 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 360

2- روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (ط - القديمة) 2/457 - مکارم الأخلاق 150 - مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار 87 - مجموعة ورام 1/46 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 63/331؛ 67/71 - نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم)) 675 - جامع الأخبار (لشعیری) 183

3- روزه درمان بیماریهای روح و جسم 96

4- غرر الحکم 176 ح 3364

نتیجه این که مؤمن می تواند با گرسنگی تعلقات و لذت های دنیوی را که حاکم و حجاب بر روح و قلب او شده است را کنار بزند:

«صَوْمُ النَّفْسِ عَنِ لَذَاتِ الدُّنْيَا أَنْفَعُ الصِّيَامِ.» (1)

«خودداری نفس از لذت های دنیا پر منفعت ترین روزه هاست.»

خودداری نفس از لذت ها بیشتر در روزه داری محقق می گردد. بنابراین هدف اصلی روزه پرورش روح و فکر مؤمن است تا مؤمن به فرموده امام صادق (علیه السلام) به چنین مرحله ای برسد که فرموده اند:

«در هنگام روزه از هر آنچه غیر اوست (خدای تعالی) دوری بجوی و در حال روزه پیوند محبتت را با خداوند متعال خالص نما.»

با این توصیف آن هایی که میل به تداوم به روزه داری داشته یا حداقل شش ماه از سال (پاییز و زمستان) یا رجب و شعبان و رمضان را به روزه همت می گمارند، باید بدانند که هدف از روزه تقرب به حق تعالی و برطرف نمودن حجاب های ظلمانی نفس است تا بدین سبب پیوند محبتی با خدای خویش ایجاد نمایند. فرمایش بسیار جالب امام صادق (علیه السلام) در تفصیل روزه قلب این چنین است:

«حال تو هنگام روزه حال کسی باشد که به آخرت اشراف دارد و خضوع، خشوع، شکستگی و خواری بر وجود تو حاکم باشد؛ همچون بنده ای که از مولایش می ترسد. هنگام روزه قلب خود را از آلودگی ها تطهیر نما و از هر آنچه غیر اوست دوری جوی و پیوند محبتت را با خداوند خالص نما و آن گونه که شایسته ترس از خداوند قهار است از او هراس داشته و روح و جسم خویش را در ایام روزه به خداوند عزوجل تقدیم کن. قلبت را برای یاد و محبت و توجه به او خالی نما و بدن را برای عمل به دستوراتش آماده ساز. تمامی اعضایت را از مخالفت با او برحذر دار. به ویژه زیانت را از

ص: 52

معصیت و مخالفتش حفظ کن و حتی از جدل و قسم راست نیز بپرهیز! چنان چه به تمام آنچه گفتم عمل کردی، حقوقی را که بر گردن روزه دار است بجا آورده ای و در غیر این صورت، به هر مقداری که در روزه ات کاستی به وجود آید فضیلت و اجر روزه ات کم خواهد شد.» (1)

رسیدن به مقام قرب مستلزم رعایت این فرمایش هاست که ترك همه مشغولیت های غیر الهی را در بر دارد. مؤمن با گام هایی که برای حفظ مراتب آن بر می دارد، آهسته و به مدد الهی، به مقصد خود خواهد رسید. این نوع روزه برخلاف روزه عوام است که طبق فتوای فقها به معنای ترك خوردن، نوشیدن، مجامعت با زنان و مجموعه واجبات و ترك محرّمات است.

روزه شیعیان خاص

روزه خواص مراقبت از تمام اعضاء بدن، مخصوصاً قلب که جایگاه خدای متعال است، بوده و برای اتصال دل با انوار وجه الله، که مولا صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشد، قلب باید از آلودگی ها پاک شود. وقتی راه خدا از ولایت ائمه اطهار (علیهم السلام) می گذرد و روزه به معنای شکستن نفسانیت و تعالی روح به سمت خدای متعال می باشد.

مؤمن بر اثر روزه به سان عقابی تیز پرواز بر عالی ترین قلّه بندگی به پرواز درمی آید. چون نیت مؤمن از روزه گرفتن کسب مقامات روحی و به دست آوردن کشف یا کرامات نیست و خالصاً لوجه الله این کار را می کند، خداوند متعال او را در زمره شیعیان حقیقی قرار می دهد. یکی از نشانه های ظاهری آن نیک بختان را چنین فرموده اند:

«إِنَّ شِيعَةَ عَلِيٍّ كَانُوا خُمْصَ الْبُطُونِ ذُبُلَ الشَّاهِ.» (2)

«شکم شیعیان حضرت علی (علیه السلام) خالی و لب های آنان خشکیده است.»

این مقام مخصوص شیعیان خاص است که امام باقر (علیه السلام) درباره صفات والای آن ها

ص: 53

1- وسائل الشیعة 7/19

2- الکافی (ط - الإسلامية) 2/233 - شرح الکافی - الأصول و الروضة (للمولی صالح المازندرانی) 9/151 - الوافی 4/171

«إِنَّمَا شِيعَةُ عَلِيِّ الْحُلَمَاءِ الْعُلَمَاءِ الذُّبُلِ الشَّفَاهِ تُعْرِفُ الرَّهْبَانِيَّةَ عَلَيَّ وَجُوهِهِمْ.» (1)

«شیعیان علی (علیه السلام) همان برداران دانشمند خشکیده لبی اند که رهبانیت و ترک دنیا بر رخسارشان هویدا است.»

هرکسی در پی جلب خشنودی خدا قدم بردارد عاقبتی چنین نیکو در انتظارش است؛ چنان که خداوند متعال و چنین شخصی این گونه با یک دیگر سخن می گویند:

«خدا می گوید که این بهشت من است. در آن سیر کن و در جوار من مسکن گزین. در این هنگام آن شخص می گوید که خداوند، خویشتن را به من شناساندی و من بدین واسطه از تمامی مخلوقات بی نیاز گشتم. به عزت و جلال تو سوگند، اگر رضایت تو بر آن قرار گیرد که وجودم قطعه قطعه شود یا هفتاد بار به شدیدترین وضع جان دهم، رضایت تو برایم دوست داشتنی تر است.»

خداوند تبارک و تعالی در جواب می فرماید:

«به عزت و جلالم سوگند، هیچ گاه بین خود و تو حجابی قرار نمی دهم... و من با دوستانم این چنین رفتار می کنم.» (2)

در حدیثی از حضرت صدیقۀ کبری (علیها السلام) چگونگی روزه قلب بیان شده است:

«مَا يَصْنَعُ الصَّائِمُ بِصِيَامِهِ إِذَا لَمْ يَصُنْ لِسَانَهُ وَ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ وَ جَوَارِحَهُ.» (3)

«اگر روزه دار زبان، گوش، چشم و جوارحش را از آنچه بر آنها حرام است حفظ نکرده باشد، حق روزه را ادا نکرده است.»

ص: 54

1- الكافي (ط - الإسلامية) 2/235 - مجموعة ورام 2/202 - شرح الكافي - الأصول و الروضة (للمولى صالح المازندراني) 9/155 -

مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول (صلى الله عليه وآله وسلم) 9/248

2- بحار الأنوار 77/21؛ 77/27؛ 77/28

3- دعائم الإسلام 1/268 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 93/295 - عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال

[مستدرک سیدة النساء (علیها السلام) إلى الإمام الجواد (علیه السلام)] 11/913 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 7/366

معنای حدیث فوق آن است که متأسفانه اگر اعضاء و جوارح از آنچه بر آنها حرام است دوری نگزینند، روزه ای که مورد پسند حق تعالی باشد، برای فرد نوشته نمی شود. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«إِذَا صُمْتَ فَلْيَصُمْ سَمْعَكَ وَبَصْرَكَ وَشَعْرَكَ وَجِلْدَكَ وَعَدَدَ أَشْيَاءَ غَيْرِ هَذَا.» (1)

«وقتی روزه هستی باید گوش، چشم، مو و پوست بدنت در حال امساک باشند.»

با این قاعده باید یقین کنیم که روزه یعنی امساک جوارح از هرزگی و بیهودگی؛ چنان که در صحف حضرت ادریس نبی (علیه السلام) درباره روزه داری آمده است:

«فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَى مِنْكُمْ أَنْ تَصُومُوا مِنَ الْمَطَاعِمِ فَقَطْ لَكِنْ مِنَ الْمَنَاقِبِ كُلِّهَا وَالْفَوَاحِشِ بِأَسْرِهِا.» (2)

«خداوند متعال فقط با پرهیز شما از خوردنی ها راضی نمی شود؛ بلکه باید تا جایی از تمام زشتی ها پرهیز نمایید که تغییر حالت پیدا کنید.»

رضایت خداوند متعال از شخص روزه دار با حفظ کامل قلب از تمام زشتی ها صورت می پذیرد. یکی از آثار زیبای آن هم تغییر حالات و رفتار شخص روزه دار است.

تمام همت روزه دار حفاظت از جوارح و قلب خویش از اعمال بیهوده و لغو است و رعایت نکردن این مهم باطن روزه دار را هویدا می سازد:

«كَمْ مِنْ صَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ صِيَامِهِ إِلَّا الْجُوعُ وَالظَّمَأُ.» (3)

ص: 55

1- الكافي (ط - الإسلامية) 4/87؛ (ط - دارالحدیث) 7/436 - تهذیب الأحكام (تحقیق خراسان) 4/194 - إقبال الأعمال (ط - القديمة) 1/86 - الوافی 11/221 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 16/247 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 94/351 - زاد المعاد - مفتاح الجنان 78

2- بحار الأنوار (ط - بیروت) 11/283؛ 93/293 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 7/372

3- نهج البلاغة (للصباحی صالح) 495 - خصائص الأئمة (علیهم السلام) (خصائص أميرالمؤمنین (علیه السلام)) 104 - غرر الحکم و درر الکلم 514 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 67/283؛ 93/294 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 7/367

«چه بسیار روزه داری که از روزه اش جز گرسنگی و تشنگی نصیبی نمی برد.»

امام معصوم (علیه السلام) می فرمایند:

«ای روزه دار، خدایت رحمت کند. همانا روزه حجایی است که خداوند آن را بر زبان ها، گوش ها، چشم ها و سایر جوارح قرار داده. به راستی که خداوند بر تمامی جوارح بدن حقی برای روزه مقرر فرموده است. پس هرکس حقوق اعضاء بدن را در روزه داری خویش ادا کند حقیقتاً روزه دار است و حق روزه خویش را ادا نموده است. اما آنانی که به هر اندازه این حقوق را نادیده گرفته باشند.

نقل است گروهی به دنبال امیرالمؤمنین (علیه السلام) حرکت می کردند، پس حضرت (علیه السلام) به آنها نگاهی افکند و پرسید شما چه گروهی هستید؟ گفتند: ای امیرالمؤمنین (علیه السلام) از پیروان شما می باشیم، حضرت (علیه السلام) فرمودند:

«چرا نشانه ای از شیعیان را در چهره شما نمی بینم؟»

گفتند نشانه شیعیان چیست؟ حضرت فرمودند:

«صُفْرُ الْوُجُوهِ مِنَ السَّهْرِ خُمْصُ الْبُطُونِ مِنَ الصَّيَامِ ذُبْلُ الشَّفَاةِ مِنَ الدُّعَاءِ...» (1)

زردی چهره از تهجد در شب و لاغری شکم از روزه و لبهای خشک در اثر زیادتی ذکر..

چنین کسانی با تفکری درست، جایگاه خویش را که همان بندگی محض است می یابند و برای خالص نمودن عبودیت با گرسنگی و شب زنده داری، نفس خویش را آنچنان ضعیف می نمایند که گویا چند قدمی بیشتر با مرگ نفس فاصله ندارند. حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) درباره آنان فرموده:

ص: 56

1- صفات الشيعة 11 - الأمالی (للطوسی) 216 - مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار 58 - إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی) 1/108 -

وسائل الشيعة 1/92 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 65/151؛ 74/403

«(شیعه حقیقی) عقلش را زنده کرد و نفس خویش را کُشت تا آنجا که جسمش لاغر و خشونت اخلاقش به نرمی گرایید، برقی پر نور برای او درخشید و راه را برای او روشن کرد و او را در راه راست کشاند و از دری به در دیگر برد تا به در سلامت و سرای جاودانه رساند که دو پای او در قرارگاه امن با آرامش تن، استوار شد. این پاداش آن بود که دل را درست بکار گرفت و پروردگار خویش را راضی نمود - بما استعمل قلبه و ارضی ربه» (1)

آنها دل (افکار) خویش را به فرموده حضرت درست به کار گرفتند و با گرسنگی و تهجد در نیمه شب مهار نفس را به دست گرفته و چشم طمع را از لذات و تجملات دنیا و ریاست و مقام برکنند، چنانکه درباره ظرافت اعمال چنین افراد زبده ای حضرت امام صادق (علیه السلام) فرموده اند:

«مومن بخدا که به حلال خالص دنیا هم توجه پیدا نمیکنند جز به مقدار ضرورت که ناچار از آنست مانند پاره نانی که به پیکرش نیرو دهد و جامه ای که عورتش را بپوشاند. آنها از درشت ترین خوراک و ناهموارترین لباسی که بدستش می آید» (2)

آنان چشم طمع از لذات حلال نیز پوشاندند مگر به قدر ضرورت. به فرموده بزرگی، آنها در برابر لذات در دنیا، روزه گرفته و در آخرت افطار می کنند؛ یعنی لذت حقیقی را در آنجا می یابند. البته انجام آن برای ما که نفس اماره بر تمام اعضاء و جوارح مان حاکمست، در ابتدا کاریست بسیار سخت و مشکل چنانکه که در این باره جناب شیخ بهائی می فرمایند:

اگر دل از غم دنیا جدا توانی کرد *** نشاط و عیش به باغ بقا توانی کرد

وگرنه به آب ریاضت بر آوری غسلی ولیک *** همه کدورت دل را صفا توانی کرد

این عمل رهروان چالاک است ***

ص: 57

1- نهج البلاغه خطبه 220 - بحار الأنوار 69/316

2- اصول کافی ج 3 باب نکوهش دنیا و زهد در دنیا ص 23

با این دیدگاه هر مومنی باید آهسته با همین گام برداشتن اولیه که روزه داریست خود را در شعاع خاصان و شیعیان حقیقی قرار دهد. برای ضعف و فریب خوردگان نفس و دنیا، روزه و قیام در نیمه شب، بهترین ریاضت است.

جناب سید بن طاووس (رحمة الله) نیز ریاضت اهل دین را مداومت به روزه معرفی نمودند زیرا به وسیله آن می توان راه هوی و هوس نفس را برای ورود به قلب تنگ نمود تا انشاءالله بر اثر مداومت، راه ورودی شیطان به افکار و دل مومن بسته شده، نفس رام گردد؛ چنانکه فرموده اند:

«إِنَّ الشَّيْطَانَ يَجْرِي مِنَ ابْنِ آدَمَ مَجْرَى الدَّمِ فَصَيِّقُوا مَجَارِيَهُ بِالْجُوعِ..» (2)

شیطان لعین در فرزندان آدم همانند خون در بدن جریان پیدا می کند پس مجاری شیطان را در وجود خود با گرسنگی (روزه داری) تنگ نمایید.

بزرگترین حجابی که بین بنده و خدا وجود دارد همان هوی و هوس نفس است که سرکوب آن با شمشیر گرسنگی میسر می شود.

«هیچ پرده و حجابی میان بنده و خدا تاریکتر و وحشتناکتر و خطرناکتر از نفس سرکش و خواسته های آن وجود ندارد و برای نابودی آن هیچ سلاحی برنده تر از گرسنگی و تشنگی در طول روز و شب نیست» (3)

اهمیت جنگیدن با نفس از این فرمایش گهربار هویدا می گردد که پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

پس امر برای مومنین چنین استوار گشت که باید برای شکستن بتهای درونی، سلاح برنده روزه و شب زنده داری را به دست گرفته و با جدیت بر سر بتان بکوبند،

ص: 58

1- کَشْكُولُ شَيْخِ بَهَائِي 2/267

2- جَامِعُ الْأَخْبَارِ (لِلشَّعِيرِي) 180 - مَلَاذُ الْأَخْيَارِ فِي فَهْمِ تَهْذِيبِ الْأَخْبَارِ 6/512 - مَرَاةُ الْعُقُولِ فِي شَرْحِ أَخْبَارِ آلِ الرَّسُولِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) 9/393؛ 11/311؛ 16/209 - بَحَارُ الْأَنْوَارِ (ط - بَيْرُوت) 6/18؛ 60/268؛ 67/49؛ 68/249

3- مَصْبَاحُ الشَّرِيعَةِ 169 [در ترجمه مصطفوی 356] - بَحَارُ الْأَنْوَارِ 67/69 طبع بیروت - مَسْتَدْرَكُ الْوَسَائِلِ 11/139

چنانچه اگر کسی صاحب عقل و دارای قلبی که ذره ای از نورانیت و صفا به آن تابیده باشد، و اندکی فهم و درایت کلام معصوم (علیه السلام) در افکارش باشد، همین يك روایت برای به شوق آمدن و همت گماردن بس است. و آنهایی که میل به مداومت ورزیدن به روزه دارند با مطالعه این روایت زیبا و مفصل می توانند حرکتی را برای جلب خشنودی خدا آغاز کنند.

در کتاب شریف پیوند معنوی با ساحت قدس مهدوی (علیه السلام) که از کتب قدیمی است، و مولف گرانقدرش از شاگردان محدث نوری (رحمة الله) می باشد، آمده است:

از جمله تکالیف مومنان در زمان غیبت امام عصر (علیه السلام) زندگی کردن به سیره و روش اهل البیت (علیهم السلام) است، یعنی ترك کردن حالات و سیره اهل دنیا که صحابه کبار و تابعین همواره در زمان رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در زهد و عبادات به سر می بردند و اعتنائی به جمع آوری مال دنیا و دل بستن به آن نداشتند. در زمان غیبت صغری و کبری، نیز بودند و هستند مومنانی که دعوی محبت و ولایت حضرت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را دارند و چشم از تزویر و اهل دنیا برداشتند و بیرق ریاست و جمع آوری مال دنیا را از دل کردند و همت و وقت خویش را صرف مناجات و انابه و تضرع نموده و به جهت دوری از تعلقات دنیایی، دائم با افکار و وسوسه های مادی در ستیز می باشند و برای مبارزه با هوی ها و نزدیکی با وجه الله، پیوسته ندای یابن الحسن را از دل بر زبان جاری می سازند و به واسطه کسب معرفت و نورانیت، غرق در انس و محبت با حق تعالی و حجت او گشته و به وسیله این شناخت، تمام مراتب ایمان را طی می کنند. متأسفانه عده زیادی از مدعیان محبت به خاطر عدم ارتباط قلبی به صورت مستمر با ولی حق، محبتهای دنیا را در دل ساکن کرده اند و این آیه شریفه را قرائت می کنند:

{قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ} (1)

حال اینکه پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) در جواب و معنای این آیه شریفه روایت بسیار دقیق و جالبی را برای سیره و روش زندگی مومنان ترسیم می فرمایند.

مرحوم ابن فهد در کتاب تحصین ذکر فرموده اند: حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) رو به اسامه بن زید فرمودند:

«ای اسامه، ملازم روش حق باش و حذر کن از احتیاج داشتن به غیر و از آرایش خواهشهای دنیا و خوشی به نعمتهای او و همیشه فرحناک و خوشحال بودن در دنیا و طلب زیادتی عیش و خوشی دنیا»

پس اسامه گفت: یا رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) آسانترین چیزی که می توان به وسیله آن به حق رسید چیست؟ فرمودند:

«شب زنده داری (دائم) و تشنه بودن در روزهای گرم به سبب روزه داری و باز داشتن نفس از خواهش ها و ترك پیروی از هوی و هوس شیطانی و دوری کردن از اهل دنیای فانی»

«ای اسامه؛ ملازم باش روزه داری را. که روزه، نزدیک کننده است بنده را به سوی خداوند متعال و چیزی خوشتر نیست نزد خدای تعالی از بوی دهان روزه دار که ترك کرده است خوردن و آشامیدن را از برای رضای پروردگار عالمیان و اختیار کرده است او را بر ماسوا و خریده است آخرت خود را به دنیا. پس اگر توانی که مرگت در رسد و تو گرسنه باشی و جگرت تشنه، بکن که به سبب این عمل می رسی به بلندترین منازل و مقام نیکان و شهدا و صالحان.

ای اسامه ملازم باش سجده کردن را. که بنده نزدیکتر است به خدای تعالی از همه اوقات وقتی که در سجده باشد و نیست بنده ای که سجده کند از برای حق تعالی مگر آن که بنویسند از برای او حسنه ای و محو کند

ص: 60

از او سیئه ای و بلند گرداند از برای او درجه ای و متوجه او شود به ذات مقدس خود (یعنی قابلیت نظر و لطف خاصه حق تعالی را پیدا می کند) و به او مباحثات می کند با ملائکه. ای اسامه ملازم باش نماز خواندن را که نماز راس دین و بالاترین مواضع عالیّه اوست

[البته به نظر می رسد منظور زیاد خواندن نمازهای مستحبی و مقید بودن به نوافل شبانه روز باشد که از شرائط شیعه بودن پنجگانه و یک رکعت در شبانه روز نماز خواندن است.]

ای اسامه بترس از دعای بندگان خدای تعالی که کاسته اند بدنهای خویش را و مصاحبند با حزن و اندوه و لاغر کرده اند گوشتهای را و گداخته اند پیه ها را و تشنه گردانیده اند جگرها را به سبب روزه داری و سوخته اند پوستها را در بادهای گرم به طلب رضای باریتعالی تا اینکه پوشیده شده است چشمهای ایشان از غیر پروردگار، از جهت شوقی که ایشان را هست به خدای خود که یگانه و قهار است به درستی که حق تعالی هرگاه نظر کند در ایشان مباحثات می کند به ایشان با ملائکه و می پوشد اینان را به پرده رحمت خود و به سبب ایشان برطرف می کند سختیها و فتنه ها را»

پس آن حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) گریستند به حدی که آواز گریه اش بلند گشت و سخت شد گریه در گلو گرفتن و ناله کردن و بلند نفس زدن او، و مردم ترسیدند که با آن حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) حرف زنند و گمان بردند که چیزی از آسمان حادث شده؛ پس آن حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) سر به بالا کرده و آه سردی از دل برکشید و فرمود:

«واه واه و بدا به حال این امت که چه می رسد از ایشان به جماعتی که اطاعت خدای تعالی کرده اند و اینان را می رانند و می روند و تکذیب می کنند و خوار و ذلیل می گردانند از جهت اینکه اطاعت الهی کرده اند.

آگاه باشید ظهور قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برپا نمی گردد تا آنکه دشمنی کنند مردم با کسی که اطاعت خدا کند و دوست دارند معصیت و گناهکار را»

شخصی سوال کرد آیا مردم در چنین روزی بر دین اسلام خواهند بود؟ فرمودند:

«کجا است اسلام در چنین روزی و این دین مثل غریبی است که رانده شده باشد از شهر و دیار خود و در این روز از اسلام چیزی باقی نمی ماند مگر اسمی و ناپدید می شود در او قرآن و نمی ماند از او مگر نشانی... و در آن روز چیزهای بسیار خوب می خورند (البته یکی از ابعاد این فرمایش یعنی با طمع و ولع و حرص به زینتها و یا لذائذ و یا خوراک هجوم می آورند و مقصود از خوردن نه به جهت و نیت قوت گرفتن برای عبادت بلکه به عنوان ارضای شهوات نفسانی) و لباس فاخر می پوشند... پس ایشان غذای خود سازند طعامهای لذت بخش و شرابهای خوب و لذیذ و بویهای خوش بکار می برند (به جهت محبت به دنیا) و بناهای بلند و مرتفع و خانه های زرنگار بسازند و مجالس (لهو و گناه) تشکیل دهند و خود را آراسته کنند به مثل زنان که برای شوهر آرایش می کنند، و اما دوستان خدا لباس ایشان عبا باشد و رنگهای ایشان شکسته از بیداری شب و پشتهای ایشان خم است از ایستادن به نماز و شکمهایشان به پشتشان چسبیده از بسیاری روزه گرفتن و مشغول کنند خود را به اعمال آخرت.

آری و بکشند نفسهای خود را به تشنگی از برای طلب رضای الهی و شوق به ثوابهای نامتناهی و خوف از عذابهای دردناک جهنم. پس هرگاه یکی از ایشان تکلم کند به حق و به راستی دم زند، به او گویند که خاموش باش تو رفیق شیطانی و سرکرده گمراهانی و تاویل کنند کلام خدای تعالی را بر خلاف تاویلش و اگر از چنین اشخاص دنیا طلبی سوال شود این که چرا به زیورها و لباسهای فاخر خود را مزین می گردانید و طعامهای لذیذ را میخوردید (به جهت محبت به دنیا)، میخوانند این آیه را که:

ص: 62

«قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ» (1)

«کیست که حرام گردانیده زینتهایی را که خدا به جهت بندگان خود آفریده و همچنین طعامهای پاک و پاکیزه را»

«بدان ای اسامه که منزلت کسی نزد خدای تعالی از همه کس بیشتر است در روز قیامت، و ثوابش بزرگتر و مقامش گرامی تر که در دنیا اندوه او بسیار باشد از برای رضای خدا، این اشخاص از نیکان و متقین و خوبان می باشند اگر حاضر باشند ایشان را کسی نمی شناسد و اگر غایب شوند کسی طلب ایشان نکند (یعنی از شهرت به دور و به عزلت رو می آورند) ای اسامه این جماعت را بقعه ها و گوشه های زمین می شناسند و می گیرند برای ایشان هرگاه نیابند ایشان را محرابها پس بگیر این اشخاص را از برای خود گنجی و ذخیره ای، شاید که نجات یابی به سبب اینان از سختی های دنیا و هولها و ترسهای روز قیامت و سرنگونی در آتش. و ای اسامه پرهیز از افرادی که گفتند شنیدیم ولی نمی شنوند (مراد یعنی تن به عمل نمی دهند)» (2)

با دو قبله در ره توحید نتوان رفت راست *** یا رضای دوست باید، یا هوای خویشتن

این کلام گهربار، صفات يك شيعه و مومن حقیقی را در اذهان ترسیم می نماید و پند و حجتی خواهد بود برای محبین اهل البیت (علیهم السلام). باید چنین روایات کلیدی و تکان دهنده ای را چندین بار مرور کرد و باید هر از چند گاهی برای بیداری نفس از غفلت و خفتن در آغوش به ظاهر گرم دنیا و ترغیب نفس به تآله، این گونه سخنان الهی را مطالعه کرد.

اگر بنده ای از روی اخلاص و حقیقت ایمان در وادی روزه و شب زنده داری، قدم گذاشته و بر آن مداومت داشته باشد، چنانکه پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند؛ می تواند

ص: 63

1- سوره مبارکه اعراف؛ آیه شریفه 32.

2- التحصین لابن فهد 20 الی 22

خشنودی خدا را جلب نماید که از خواص مهم روزه، جلب رضا و خشنودی حق تعالی است.

«هیچ عملی محبوب تر از روزه در پیش خداوند نیست» (1)

و چون مومن، محبوب خدا شد بر اثر مداومت و قلع و قمع هوای نفسانی، به جایی می رسد که جز برای خدا نخواهد و نگوید و نبیند، چنانکه در وصف چنین اشخاصی فرمایش بسیار جالبی از ناحیه خداوند متعال صادر شد:

«شب معراج خدای تعالی فرمود: ای احمد هر کس به رضای من عمل کند و در مقام تحصیل رضا و خشنودی من برآید سه خصلت را ملازم او بدارم؛ شکر و سپاسی که آمیخته به جهل و نادانی نباشد، ذکر و یادی که مخلوط به فراموشی و نسیان نگردد و محبت و دوستی، آنگونه ای که بر محبت من، دوستی هیچ مخلوقی را اختیار نکند. این سه مورد را به او عطا می کنم. پس آنگاه که محب و دوست من شد من هم او را دوست بدارم و دیده دلش را به جلالم بگشایم و خاصان خلقم را از او پنهان ندارم و در تاریکی های شب و روشنی روز با او نجوا داشته باشم تا آنجا که از گفتگو و همنشینی خلاق بریده گردد. و سخن خودم و کلام فرشتگانم را به او بشنوانم و او را به آن سری که از خلقم پنهان داشته ام آشنا سازم.»

خودداری از نفس (کف النفس) از شهوات، یعنی اراده، خواست و رضایت خداوند متعال را بر هوای نفس ترجیح دادن؛ اگر مومن توانست به چنین مقام بی نظیری دست یابد چنان خواهد شد که حضرت امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

«خداوند متعال می فرماید: قسم به جلال و جمال و روشنائی و بلندی و ارتفاع مقام خودم هیچ بنده ای اراده و خواست مرا بر خواسته و هوای نفس خود مقدم نمی کند مگر اینکه به پاداش این تسلیم، غنا و بی نیازی در باطن و درون او قرار می دهد و فکر و اندیشه اش را درباره آخرت متوجه

ص: 64

می سازم و معیشت و زندگی او را خود تامین می نمایم و آسمان و زمین را ضامن و مأمور رزق او سازم و در برابر تجارت هر تاجری سود به وی می پردازم»

حفظ زبان؛ یکی از نتایج روزه داری

مؤمن با قدم گذاشتن در وادی روزه، نفس خویش را از جرایم و زنگار کثیف دنیوی پاک می سازد. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«هرگاه در حال روزه بودی، نفست را در حد امکان به سکوت ملزم کن، مگر در ذکر خدا که شامل امر به معروف و نهی از منکر و جملائی در حد ضرورت برای رفع نیازمندی های زندگی می باشد. در حال روزه از تمتعات و مباشرت با زنان و از خنده و قهقهه های بلند پرهیز؛ زیرا خداوند قهقهه را دشمن می دارد و در قرآن مجید می فرماید که باید اندک بخندند و زیاد بگریند.» (1)

باری، خواست حق تعالی نیز برای بندگان مقربش، چشم پوشی از سخنان بیهوده و لغویات دنیاست. هرگاه خدا صلاح بنده ای را بخواهد چنین می کند:

«إِذَا أَرَادَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ صَلَاحَ عَبْدِهِ أَلْهَمَهُ قِلَّةَ الْكَلَامِ وَقِلَّةَ الطَّعَامِ وَقِلَّةَ الْمَنَامِ.» (2)

«زمانی که خداوند سبحان صلاح بنده ای را اراده نماید، کمی سخن و کمی طعام و کمی خواب را به او عنایت می کند.»

سکوت یکی از برکات روزه است. پرهیز از بیهوده گویی و سکوت حکمتی شگفت است و این دو گوهر ناب از آثار ارزشمند گرسنگی می باشند.

خداوند در اهمیت خاموشی اشخاص روزه دار در حدیثی قدسی فرموده:

«چون بنده گرسنه (روزه) باشد، زبانش را از غیر ذکر خدا ننگه می دارد.»

ص: 65

1- سوره مبارکه توبه آیه شریفه 82 - روزه درمان بیماریهای روح و جسم 103

2- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 16/213

بهترین عمل شخص روزه دار حذف سخن بیهوده می باشد که از برجسته ترین صفات مؤمنین است:

«الْمُؤْمِنُ لَا يَكُونُ مُحَارَفًا» (1)

«مؤمن سخن بیهوده نمی گوید.»

بنابراین، طبق فرمایش امام معصوم (علیه السلام)، روزه دار متوجه می شود که باید به صورت جدی بر سکوت مراقبت و مداومت داشته باشد؛ زیرا بهترین سپر دفاعی در برابر تهاجم های لشکر شیاطین خاموشی است. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«عَلَيْكَ بِطَوْلِ الصَّمْتِ فَإِنَّهُ مَطْرَدَةٌ لِلشَّيَاطِينِ وَعَوْنٌ لَكَ عَلَى أَمْرِ دِينِكَ» (2)

«بر تو باد به خاموشی طولانی؛ رم دهنده شیطان است و یاور تو در امر دینت.»

طبق این فرمایش، شخص روزه دار باید برای این موضوع اهمیت ویژه ای قائل شود. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند:

«مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَقَّ بِطَوْلِ السَّجْنِ مِنَ اللِّسَانِ» (3)

«هیچ چیزی به زندانی طولانی مستحق تر از زبان نیست.»

امام صادق (علیه السلام) فرموده اند:

«لَا يَزَالُ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ يُكْتَبُ مُحْسِنًا مَا دَامَ سَاكِتًا فَإِذَا تَكَلَّمَ كُتِبَ مُحْسِنًا أَوْ مُسِيئًا» (4)

«نام مؤمن مادامی که ساکت است جزو محسنین نوشته می شود؛ ولی اگر

ص: 66

1- صفات الشيعة 33 - وسائل الشيعة 17/414 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام) 6/117 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 100/86؛ 6/304

2- الخصال 2/526 - معاني الأخبار 335 - البرهان في تفسير القرآن 5/640 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 68/279 - نقش زبان در سرنوشت انسان 19

3- الخصال 1/15 - الأمالي (للطوسي) 535 - مكارم الأخلاق 467 - مجموعة ورام 2/61 - الوافي 26/194 - وسائل الشيعة 12/188؛ 12/193 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام) 5/176 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 68/277؛ 74/85

4- کافی 2/116

سخنی بگوید، یا جزو نیکوکاران نوشته می شود یا بدکاران»

شخصی خدمت پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) شرف یاب شد و از ایشان خواست تا او را نصیحتی کنند. این عمل سه بار تکرار شد و در هر بار پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«احْفَظْ لِسَانَكَ.»

«زبان را حفظ کن.»

در مرتبه آخر، حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«احْفَظْ لِسَانَكَ وَيْحَكَ وَ هَلْ يَكُفُّ النَّاسَ عَلَى مَنَاخِرِهِمْ فِي النَّارِ إِلَّا حَصَائِدُ أَلْسِنَتِهِمْ.» (1)

«زبان را حفظ کن! وای بر تو! آیا چیزی غیر از زشتی های زبان شان آن ها را با صورت در آتش می اندازد؟»

به ثمرنشستن درخت روزه منوط به گرسنگی و تشنگی و سکوت است. یعنی هم زبان و هم شکم باید خالی شود. چون چنین شد، حکمت بر قلب سرازیر می شود. حضرت عیسی (علیه السلام) فرمودند:

«الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ تِسْعَةٌ مِنْهَا فِي الصَّمْتِ وَ جُزْءٌ وَاحِدٌ فِي الْفِرَارِ مِنَ النَّاسِ.» (2)

«عبادت ده قسم است که نه قسم آن در سکوت و یک قسم آن در فرار از مردم است.»

در حدیث قدسی آمده است:

«هیچ عبادتی نزد من از روزه سکوت بهتر نیست. کسی که روزه بگیرد و زبانش را نگه ندارد، مانند کسی است که نماز بگذارد و چیزی نخواند که نه اجر ایستادن را دارد و نه مزد عبادت را.»

ص: 67

1- الکافی (ط - الإسلامية) 2/115؛ (ط - دارالحدیث) 3/299 - الوافی 4/452 - وسائل الشیعة 12/191 - مرآة العقول فی شرح

أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 8/221 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 68/303

2- إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی) 1/104

در حدیث قدسی دیگری نیز آمده است:

«به عزت و جلالم سوگند، اول عبادت سکوت و روزه است. بنده باید (در برابر سخنان بی جا) سکوت کند.» (1)

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره نگه داری زبان از پرحرفی فرموده اند:

«فَاخْزُنْ لِسَانَكَ، كَمَا تَخْزُنُ ذَهَبَكَ وَوَرِقَكَ؛ فَرُبَّ كَلِمَةٍ سَلَبَتْ نِعْمَةً وَجَلَبَتْ نِقْمَةً.» (2)

«زبان را همانند طلا و نقره ات که در خزانه نگه می داری نگه دارد؛ چه بسا سخنی که نعمتی را تباه سازد و نکبتی به بار آورد.»

سخن بی جا دارای عواقب بسیار وخیم است. از آن جا که يك حرف بی جا می تواند سرزمین یا خلقی را به تباهی بکشاند. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در مذمت حرف نسنجیده و عذاب آن فرمودند:

«خداوند متعال زبان را آن چنان عذاب می کند که هیچ يك از دیگر اعضاء را آن چنان عذاب نکرده است تا جایی که می گوید که پروردگارا، مرا چنان عذاب می کنی که چیزی را عذاب نکرده ای؟ خداوند متعال هم می فرماید که کلمه ای از تو سر زد که در مشرق و مغرب منتشر گردید. سپس به دلیل آن حرف چه خون های ناحقی که ریخته شد و چه مال های محترمی که غارت گردید و چه فرج های حرامی که مورد تجاوز قرار گرفت. به عزت و جلالم سوگند، تو را به عذابی کیفر می دهم که هیچ يك از اعضاء و جوارح را آن چنان عذاب نکرده باشم.» (3)

اگر دقت کرده باشید، طاقیت هیچ یک از اعضاء بدن مانند زبان نیست. چنان که وقتی چای داغ بر دست یا پا یا عضوی از اعضاء بدن بریزد، آن را تا مدتی ملتهب

ص: 68

1- کتاب نصابیح 84 باب دوم فصل هشتم

2- نهج البلاغه حکمت 381

3- کافی 2/115

می‌کند؛ اما همان چای بر زبان چنین اثری نمی‌گذارد. پس اگر در عذابِ خداوندی، زبان با آن طاقت عجیبش معترض شده و می‌پرسد که مرا به عذابی سخت تر از دیگر اعضاء عقاب می‌کنی، باید دریافت که عذاب قیامت چقدر دردناک است. خدای تبارک و تعالی در کتابش می‌فرماید:

(مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ) (1)

«هیچ سخنی به لفظ در نمی‌آید، مگر این که مراقبی آماده که نزد فرد است آن را ضبط می‌کند.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«مرد باید زبانش را حفظ کند؛ زیرا زبان سرکش صاحبش را به هلاکت می‌اندازد.»

حضرت در ادامه کسب تقوا را در انحصار حفظ زبان می‌دانند:

(وَ اللَّهُ مَا أَرَى أَحَدًا يَتَّقِي تَقْوَى تَنْفَعُهُ حَتَّى يَخْتَرِنَ لِسَانَهُ.) (2)

«به خدا سوگند، باور نمی‌کنم بنده ای زبانش را حفظ نکند و با این حال تقوایی به دست آورد که به او سود بخشد.»

یکی از آثار ارزنده سکوت کم شدن اشتباه هاست:

(وَ مَنْ كَثُرَ كَلَامُهُ كَثُرَ خَطْوُهُ.) (3)

«کسی که زیاد سخن می‌گوید زیاد اشتباه می‌کند.»

بدیهی است که وقتی کلام منعقد می‌شود، فرصت تفکر را از انسان می‌گیرد. هرچه بیشتر به زبان فرصت داده شود، همان فرصت از فکر گرفته می‌شود. سخنی

ص: 69

1- سوره مبارکه ق آیه شریفه 18

2- أعلام الدين في صفات المؤمنين 106 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 68/292 - منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة (خوئی) 10/211؛ 10/217

3- تحف العقول 89 - تحف العقول 99 - الأملی (للصدوق) 543 - كنز الفوائد 2/14 - وسائل الشيعة 12/187 - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول (صلى الله عليه وآله وسلم) 8/215 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 14/318؛ 68/286؛ 68/291؛ 68/293؛ 69/192؛ 69/260؛ 74/235؛ 74/237؛ 74/288؛ 75/200

که در ورای آن تفکر نباشد نکوهیده و طبق فرموده انوار مقدس (علیهم السلام) مطرود است:

«هیچ گناهی نزد خداوند متعال سنگین تر و پیش مردم نکوهیده تر از سخن نیست.» (1)

یکی از خواص بی شمار سکوت آرامشی است که نصیب شخص می گردد. زمانی که فرد سکوت را با روزه در هم آمیزد، قاعدتاً با فرصتی که به دست می آورد توان تفکر می یابد. این دقیقاً همان چیزی است که خداوند متعال بارها در کلام وحی به ما گوش زد نموده است:

(أفلا تعقلون)

(أفلا تتفكرون)

در زمان سکوت انسان آماده پذیرش حکمت می شود و نفس از سرکشی های زبان آسایش می یابد. امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

«النَّوْمُ رَاحَةٌ لِلْجَسَدِ وَ النَّطْقُ رَاحَةٌ لِلرُّوحِ وَ السُّكُوتُ رَاحَةٌ لِلْعَقْلِ.» (2)

«خواب راحت جسم است و سخن گفتن باعث آرامش روح و سکوت مایه آرامش عقل می باشد.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«طُوبَى لِمَنْ صَمَتَ إِلَّا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ.» (3)

«خوش به حال کسی که فقط برای ذکر خدا سخن گفت.»

نتایج پر منفعتی از سکوت به بار می آید. کمترین آن تقویت و باروری عقل است؛ چراکه سکوت از نشانه های بارز عقل است. هر مؤمنی باید با پرهیز از سخنان زائد، عقل خود را بارور کند. تا بدین سبب به بالاترین درجات قرب نائل آید. حضرت

ص: 70

1- مصباح الشریعه باب چهل و ششم

2- من لا یحضره الفقیه 2/402 - الأمالی (للصدوق) 441 - الوافی 4/455 - وسائل الشیعة 12/186 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل

الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 8/215 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 68/276 - بنیادهای اخلاقی و اسلامی 360

3- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 313 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 188 - شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر

الکلم 4/238

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«مَا تَمَّ عَقْلٌ أَمْرِي حَتَّى يَكُونَ فِيهِ خِصَالٌ شَتَّى... فَضْلٌ مَالِهِ مَبْدُولٌ وَ فَضْلٌ قَوْلِهِ مَكْفُوفٌ»

عقل فرد کامل نمیگردد مگر به چند خصلت: ... زیادی مالش را ببخشد؛ زیادی سخنش را ببرد» (1)

خداوند پادشاه های بی شماری را برای شخص صامت مقرر فرموده است و به رسول خود (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده:

«ای احمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، در بهشت قصری از لولوء و دُر است که در آن عداوت و عیب و نقصی وجود ندارد و افراد خاص در آن هستند که به ایشان هر روز هفتاد بار به نظر رحمت می نگرم و هر بار که بنگرمشان با آنان سخن می گویم. در کشور آن ها هفتاد برابر می افزایم. وقتی اهل بهشت از طعام و شراب لذت می برند، اینان از یاد من لذت می برند.»

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض کرد که پروردگارا، نشانه این گروه چیست؟ خداوند فرمود:

«قَالَ هُمْ فِي الدُّنْيَا مَسْجُونُونَ قَدْ سَجَنُوا أَلْسِنَتَهُمْ مِنْ فُضُولِ الْكَلَامِ وَ بَطُونَهُمْ مِنْ فُضُولِ الطَّعَامِ.» (2)

«زندانی هایی در دنیا هستند که زبان خود را از زیادی سخن نگه داشته اند و شکم های خود را از زیادی طعام بازداشته اند.»

نشر دین توسط زبان

آنچه از سکوت برداشت می شود سخن نگفتن نیست؛ بلکه پرهیز از لغویات، دروغ، ناسزا و... است؛ چراکه اگر سکوت از سخن گفتن ارزش بیشتری داشت، انبیا این کار را می کردند؛ حال آن که اساساً به وسیله کلام بود که سخن پروردگار به خلق رسید

ص: 71

1- چرا مرا آفریدند 90 - کافی 1 ص 17 الی 19 - بحار الانوار 75/302

2- بحار الأنوار (ط - بیروت) 74/23 - راهنمای بهشت 210

و بشر هدایت شد. پس مطابق احادیث ذیل باید سخن گفت؛ اما تحت شرایطی خاص: آن موقعی که قرار است زبان از بازداشت گاه آزاد شود، باید تحت سیطره عقل باشد و بر رعایت قوانینی ملزم گردد. امام سجاد (علیه السلام) فرمودند:

«و اما حق زبان: گرامی داشتن آن از دشنام؛ عادت دادن آن بر گفتار نیک؛ خودداری از زیاده گویی بی فائده؛ نیکی به مردم؛ آراستن زبان به آداب.» (1)

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«لِسَانَكَ يَسْتَدْعِيكَ مَا عَوَّدْتَهُ وَ نَفْسُكَ تَقْتَضِيكَ مَا أَلْفَتَهُ.» (2)

«زبان تو را به همان چیزی دعوت می کند که عادتش دادی و نفس مقتضی آن چیزی است که دم سازش نمودی.»

بنابراین اگر قرار است زبان به غیر رضای خدا باز شود، سکوت بهتر خواهد بود. چون مؤمن دریافت که برای دین خدا و هدایت افراد باید سخن بگوید، لازم است که سنجیده و به استناد فرمایش های ائمه معصومین (علیهم السلام) مردم را با دین خدا آشنا سازد.

حال سؤال این جاست که آیا در این مواقع (مسائل دینی و امر به معروف و... نیز ساکت بودن جایز است؟ شخصی از امام سجاد (علیه السلام) پرسید که سخن گفتن افضل است یا سکوت؟ حضرت (علیه السلام) فرمودند:

«هر يك از این دو را آفاتی است. پس اگر از آفت برکنار باشند، سخن از سکوت برتر است.»

گفته شد که این افضلیت از چه قرار است؟ حضرت فرمودند:

«بدان جهت که خداوند متعال پیامبران و اوصیاء آنان را به سکوت برنیا نگیخت؛ بلکه آن ها را برای سخن گفتن برانگیخت. همچنین کسی به وسیله سکوت مستحق بهشت و شایسته ولایت خدا و نجات از جهنم

ص: 72

1- وسائل الشیعه 15/172 باب جمله مما ینبغی القیام به من..

2- غرر الحکم و درر الکلم 572 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 213 - شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم

نخواهد شد؛ بلکه همه این‌ها در پرتو کلام و سخن گفتن عملی خواهد شد و من هیچ‌گاه ماه را با خورشید برابر نمی‌دانم. همین بس که تو فضیلت و ارزش سکوت را به وسیله سخن بیان می‌کنی، نه این که فضیلت سخن گفتن را با سکوت.» (1)

امام صادق (علیه السلام) به مردی که در حضورشان پرحرفی می‌کرد فرمودند:

«ای مرد، سخن را کوچک و ناچیز می‌شماری؛ در حالی که خداوند متعال آن هنگام که پیامبران خود را برانگیخت، چنان نبود که با نقره و طلا برانگیزد؛ بلکه آنان را با کلام و سخن برانگیخت.» (2)

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«در میان عبادات و طاعاتی که از اعضاء و جوارح انسان سر می‌زند، عبادتی کم زحمت تر و کم مؤنه تر و درعین حال گران بهاتر از سخن گفتن نزد خدا وجود ندارد. البته در صورتی که کلام برای رضای خدا و به قصد بیان رحمت و گسترش نعمت‌های او باشد. خداوند متعال برای کشف اسرار و بیان حقایق و اظهار علوم پنهانی اش، میان خود و پیامبرانش چیزی را جز کلام (وحی) واسطه قرار نداده است.»

همچنین در اهمیت سخن گفتنی که بر پایه هدایت استوار باشد، رسول ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده اند:

«مَا أَهْدَى الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ عَلَىٰ أَخِيهِ هَدِيَّةً أَفْضَلَ مِنْ كَلِمَةٍ حَكَمَةٍ يَزِيدُهُ اللَّهُ بِهَا هُدًى وَ يَرْدُهُ عَنْ رَدًى» (3)

هدیه ای که يك مسلمان می‌تواند به برادرش بدهد کلمه پرمعنایی است که با آن کلمه، خدا برای او هدایتی بوجود آورد و او را از گمراهی نجات

ص: 73

1- وسائل الشیعه 12/188

2- نقش زبان در سرنوشت انسان 15 - وسائل الشیعه کتاب حج باب وجوب حفظ اللسان

3- بحار الأنوار (ط - بیروت) 2/25

در مجموع نتیجه ای که از فرمایشات معصومین (علیهم السلام) گرفته می شود این است که اگر سخن گفتن، در راستای هدایت به دین باشد، چنانکه امامان معصوم (علیهم السلام) و انبیاء الهی (علیهم السلام) به همین طریق مردم را به سوی خدا و دین او رهنمون می ساختند، بهتر از سکوت است و کلام و حقیقت سخن باید بروز داده شود تا باعث جلب رضای حق و پادشاهای فراوان گردد. حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرمایند:

«آدمی به زیر زبان خویش پنهان است؛ پس کلام خود را بسنج و آن را بر عقل و دانش خویش عرضه کن، اگر آن کلام برای خدا و در راه خدا بود آن را بگو و اگر غیر از این بود سکوت از سخن گفتن بهتر است» (1)

آری دین و عقل حکم می کند که به جهت امر به معروف و نهی از منکر، با شرایط موجود که مورد پذیرش باشد، سخن گفتن بهتر از خاموشی است و اگر در توان علمی و عقلی فرد آن خمیر مایه گفتاری نبود، همانا سکوت خیلی بهتر از سخن گفتن است. امام معصوم (علیه السلام) می فرمایند:

«..إِنَّهُ لَا خَيْرَ فِي الصَّمْتِ عَنِ الْحُكْمِ كَمَا أَنَّه لَا خَيْرَ فِي الْقَوْلِ بِالْجَهْلِ..» (2)

آنجا که باید سخن گفت خاموشی سودی ندارد و آنجا که باید خاموش ماند، سخن گفتن ناآگاهانه خیری نخواهد داشت.

اما مطلبی که بسیار حائز اهمیت است و تمام انبیاء و ائمه معصومین (علیهم السلام) برای آن برخاسته اند، دادرسی و هدایت مردم از ظلمت جهل و نادانی به سوی نور و سعادت و آرامش ابدی است که باید این هدایت به وسیله امر به معروف در میان مردم انجام بگیرد؛ چراکه پیامبر رحمت (صلی الله علیه و آله و سلم) به یکی از اصحاب خود فرمودند:

ص: 74

1- بنیادهای اخلاقی اسلامی 307 - بحارالانوار 71/285

2- الکافی (ط - الإسلامية) 8/20 - تحف العقول 94 - من لا يحضره الفقيه 4/396 - مجموعة ورام 2/40 - الوافی 26/19 - وسائل الشیعة 12/187 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 8/215 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 25/43 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 2/81؛ 68/291؛ 74/283

«اگر با مردم معاشرت نداشته باشی، فریضه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر را چگونه انجام خواهی داد؟» (1)

همچنین مؤمن برای امرار معاش چاره ای جز ارتباط و مراوده با مردم ندارد. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«كُنْ فِي النَّاسِ وَلَا تَكُنْ مَعَ النَّاسِ.» (2)

«در میان مردم باش؛ اما با مردم نباش.»

مؤمن به ناچار در میان مردم می ماند تا صرفاً چیزی بیاموزد یا امرار معاش کند:

«يَخَالِطُ النَّاسَ لِيَعْلَمَ وَيَصْمُتُ لِيَسْلَمَ وَيَسْأَلُ لِيَفْهَمَ وَيَتَجَرُّ لِيَعْنَمَ.» (3)

«مؤمن با مردم ارتباط دارد تا یاد بگیرد، سکوت می کند تا سالم بماند، می پرسد تا بفهمد و تجارت می کند تا بی نیاز شود.»

پس دل و فکر مؤمن در عین ارتباط با مردم، به یاد خدا مشغول است. بیشتر اوقات مؤمن به دوری از مردم، که یکی از فواید بی شمار آن در امان ماندن از شر سخن خود و شر مردم است، سپری می گردد و چه عبادتی بهتر از این؟ خداوند متعال در شب معراج فرمود:

«يَا أَحْمَدُ لَيْسَ شَيْءٌ مِنْ الْعِبَادَةِ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ الصَّمْتِ وَالصَّوْمِ.» (4)

«ای احمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، هیچ عبادتی نزد من محبوب تر از سکوت و روزه نیست.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«يُنْبَغِي لِمَنْ أَرَادَ صَلَاحَ نَفْسِهِ وَإِحْرَازَ دِينِهِ أَنْ يَجْتَنِبَ مُحَالَظَةَ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا.» (5)

«سزاوار است کسی که خواهان اصلاح نفس خویش است از اختلاط با

ص: 75

1- بحار الانوار 15/128 ترجمه فارسی

2- الغيبة (للنعماني) 210

3- کافی [ط اسلامیه] 2/230؛ [ط دارالحديث] 3/581 - التمهيد 73 - تحف العقول 162 - امالي شيخ صدوق 574 - صفات

الشيعة 25 - مكارم الاخلاق 477 - بحار الانوار [ط بيروت] 64/345 - مرآة العقول 9/221 - مستدرک الوسائل 11/183

4- ارشاد القلوب 1/205

5- عيون الحكم و المواعظ (لليثي) 555 - تصنيف غرر الحكم و درر الكلم 319

قبلاً به طور کوتاه عرض شد که اگر روزه با سکوت همراه شود، دارای اثراتی خواهد بود. در حدیثی قدسی از شب معراج آمده است:

«ای احمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، آیا نتایج روزه را می دانی؟... نتیجه روزه کم خوردن و کم صحبت کردن است. حکمت نتیجه کم صحبت نمودن است که موجب معرفت می گردد و معرفت یقین را در پی خواهد داشت و زمانی که بنده به مقام یقین برسد برای او مهم نیست که چگونه شب را به صبح برساند یا در سختی باشد یا آسایش و این همان مقام رضاست و هرکس به رضایت من عمل کند سه صفت را به او عنایت می کنم: شکری که با هیچ جهلی در نیامیخته؛ ذکری که هرگز فراموشی در آن راه نیابد؛ محبتی که هیچ گاه محبت و دوستی آفریده ها را بر محبت من برنیانگزید.

هنگامی که فرد مرا دوست داشت، من نیز او را دوست می دارم و او را در میان مخلوقاتم محبوب می نمایم و چشم قلبش را به سوی جلال و عظمت خود می گشایم. علم بندگان مقربم را از او دریغ ننموده و در دل سیاه شب و روشنایی روز با او مناجات می کنم تا آن که از سخن گفتن با مخلوقات جدا گردد و از هم نشینی با آنان دور شود. او را شنونده سخن خود و ملائکه خود می نمایم و خویش را، که از آفریده های پوشانیده ام، به او می نمایم (یعنی در قلبش خدا را احساس خواهد کرد و شیرینی قرب را می چشد). سختی های مردن و حرارت و فشار آن را بر او آسان می سازم تا به سوی بهشت راه پیدا کند و وقتی که ملك الموت بر او فرود آید به او می گوید که آفرین بر تو و خوشا به احوالت! خداوند مشتاق توست.»

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در باب گرسنگی و آثار آن فرموده اند:

«ای احمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، اگر بنده گرسنه باشد و زبانش را از غیر ذکر خدا نگه دارد، حکمت و درست کاری به او می آموزم تا برایش روشنایی دل و

راهنمای خیر و شفای بیماری ها و رحمت باشد. پس به آنچه نمی دانست دانا می شود و آنچه نمی دید، می بیند. به اولین چیزی که بینا می شود عیب های خودش می باشد تا این که با آن از عیب های دیگران چشم بپوشد و به ظرافت های علم (از اموری که به تحصیل علم دانا نمی شود) بینا می گردد و بدین سبب شیطان نمی تواند بر او داخل شود.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند:

«مَنْ قَلَّ أَكَلُهُ صَفَا فِكْرُهُ.» (1)

«هرکس خوردنش کم شود فکر او صاف می گردد»

همچنین فرموده اند:

«أَفْضَلُكُمْ مَنْزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى أَطْوَلُكُمْ جُوعاً وَ تَفَكُّراً.» (2)

«برترین شما در منزلت نزد خداوند متعال، گرسنه ترین شما و بافکرترین شماست.»

پس راه مهم تابش انوار حکمت بر قلب مؤمن روزه داری است:

«گرسنگی موجب تابش انوار حکمت است.» (3)

کسب علم الهی، که آن نوری است که بر قلب تاییده می شود، به وسیله گرسنگی و سکوت به دست می آید. در شب معراج به حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) وحی شد:

«يَا أَحْمَدَ (صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) لَوْ ذُقْتَ حَلَاوَةَ الْجُوعِ وَ الصَّمْتِ وَ الْخَلْوَةِ وَ مَا وَرَثُوا مِنْهَا.» (4)

«چه خوب است مزه شیرین گرسنگی، سکوت، لذت خلوت و آن مزایایی

ص: 77

1- طب النبى (صلی الله علیه و آله و سلم) 21 - عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 456 - غرر الحکم و درر الکلم 617 - تصنیف غرر

الحکم و درر الکلم 320 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 59/292 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 16/221 - راهنمای بهشت

مؤلف سید محمد تقی مقدم 209

2- مجموعه ورام 1/100 - البرهان فی تفسیر القرآن 1/725 - راهنمای بهشت 209

3- بحار الانوار 15/72

4- إرشاد القلوب إلى الصواب (للديلمي) 1/200 - الوافی 26/142 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 74/22 - مستدرک الوسائل و مستنبط

المسائل 16/219 - روزه درمان بیماریهای روح و جسم 84

که بر آن مترتب است را بچشی.»

به خدا عرض شد که خدایا، فایده گرسنگی چیست؟ خطاب رسید:

« الْحِكْمَةُ وَ حِفْظُ الْقَلْبِ وَ التَّقَرُّبُ إِلَيَّ »

«حکمت و حفظ دل و روح و تقرب به من.» (1)

بالعکس، معده که پر از طعام باشد از تابش حکمت و علوم الهی محروم خواهد ماند؛ زیرا امام معصوم (علیه السلام) فرمودند:

«پرخوری نکنید که در نتیجه آن نور معرفت و حالت شناخت از دل های شما از بین می رود. دل های خود را با پرخوری و نوشیدنی نمی رانید. دل ها همچون زراعت هایی که آب زیاد به آن ها می رسد و فاسد می شوند، می میرند و فاسد می شوند.»

همچنین در باب این دو فضیلت بی نظیر (سکوت و حکمت) فرموده اند:

«شکم خود را از خوراک سیر نگردانید که موجب خاموشی معرفت در قلب تان می شود.»

خداوند به حضرت داود (علیه السلام) اینگونه وحی فرمود:

« وَضَعْتُ الْعِلْمَ فِي الْجُوعِ » (2)

«علم را در گرسنگی قرار دادم.»

یقیناً برای کسب معرفت باید شکم خالی و لب بسته باشد:

«هرگز حکمت در وجودی که پر از طعام است داخل نمی گردد.»

چنان که ثابت شد شکم خالی روزه دار باعث تصفیه قلب و صفای عقل است و چون فکر و عقل مصفا گشت مَسْكَنِ مَعَارِفِ حَقِّهِ می گردد. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده اند:

ص: 78

1- بحار الانوار 74/22

2- بحار الانوار 75/453.

«لَا يَدْخُلُ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَنْ مَلَأَ بَطْنَهُ.» (1)

«اسرار ملکوت سماوات در دل کسی که شکم او پر باشد داخل نمی گردد.»

پس باید باور کرد که پر خوری دارای ضررهای فراوانی، چه جسمی و چه به لحاظ روحی، می باشد؛ زیرا ریشه پر خوری برخاسته از محبت به دنیاست که در مذمت آن فرموده اند:

«هیچ ضرری برای دل مؤمن بیشتر از زیاد خوردن وجود ندارد.»

زیرا زیاد خوردن مولد قوه شهویه است که باعث محو نور و حکمت از قلب می گردد. در حالی که هدف از خلقت شکوفایی حکمت و معرفت در دل و افکار است.

اهمیت فراگیری علم

آگاهی به یک شیء یا موضوع باعث ایجاد فرصت تعقل و تصمیم گیری شده و آن مسئله را به نحوی مدیریت نموده که مطابق با اهداف فرد باشد. اما این که چه مسئله ای مهم تر از قیامت و زندگی پس از مرگ می باشد، نه جای سؤال است و نه جای تردید. بنابراین، احاطه به آن و اتخاذ تدبیر برای آن لازم است. این که مؤمن چگونه و به چه روشی به آن محیط شده و بر زیر و زبر آن فائق آید، قطعاً به علم و معرفت نیاز است. تنها علم سودمند نیز فقط درب خانه اهل بیت رسول ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله و سلم) وجود دارد و تحصیل آن علوم باید همه سعی و تلاش مؤمن باشد. چشمه جوشان معرفت و معدن حکمت، ثامن الائمه، حضرت علی بن موسی الرضا (علیهما السلام)، می فرمایند:

«به طور کلی فعالیت و کار و سعی در دنیا بر پایه جهل و نادانی است، مگر سعی و کوششی که در راه علم و دانش باشد. علم هم گریبان گیر صاحبش خواهد بود، مگر این که تبدیل به عمل شود. عمل هم به طور کلی ریاست، مگر آن که از روی اخلاص باشد. عمل مخلصانه هم در معرض

ص: 79

سقوط است تا وقتی که انسان خاتمه کار را ببیند.» (1)

امام کاظم (علیه السلام) فرمودند:

«عاقل راضی است که به ثروت و مقام کم در دنیا بسازد؛ ولی فکرش باز باشد و دین خدا را درست بشناسد و راضی نیست که بهره اش از دنیا زیاد باشد ولی حکمت و علم نداشته باشد. پس به این ترتیب او در تجارت دنیا سود برده است.»

اما چه چیزی است که فرد باید در جست و جوی آن باشد؟ چه چیزی نفعش از حکمت بیشتر است و گمشده مؤمن است؟

«حکمت را هر کجا که باشد فرا بگیر. گاهی حکمت در سینه منافق است و بی تابی می کند تا بیرون آمده و با هم دم یافتن در سینه مؤمن آرام بگیرد.» (2)

شاید روایت فوق برای بعضی از خوانندگان سنگین باشد؛ اما قطعاً سینه منافق چون جای خدا نیست جای حکمت حکیم علی الاطلاق هم نیست. چه بسا منافقی به حکمتی دست یافته؛ ولی از آن بهره ای نمی برد. دایره علم بیش از حد احصاء است و فرصت مؤمن کم. تنها چیزی که در دنیا وجود دارد همین فرصت اندک برای کسب زاد و توشه آخرت است؛ چنان که حق تعالی فرموده:

(وَلَا تَسْ نَصِيكَ مِنَ الدُّنْيَا) (3)

«نصیب از دنیا را فراموش نکن.»

پس باید برای کسب راحله از هر فرصتی استفاده کرد؛ اما فرصت بسیار کم است:

(قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ * قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسَلِّ الْعَادِينَ * قَالَ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَوْ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ) (4)

ص: 80

1- بحار الانوار ترجمه فارسی 15/249

2- نهج البلاغه حکمت 79

3- سوره مبارکه قصص آیه شریفه 77

4- سوره مبارکه مومنون آیات شریفه 112 الی 114

«گفت که چه مدت به عدد سال ها در زمین ماندید؟ می گویند که يك روز یا پاره ای از يك روز. گفت که جز اندکی درنگ نکردید. کاش می دانستید.»

حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند:

«الْعِلْمُ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يَخْصِيَ فُخْذُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ أَحْسَنَهُ.» (1)

«علم بیشتر از آن است که شمرده شود؛ ولی شما از هر چیز نیکوی آن را بگیریید.»

مؤمن، با فراست تمام، عبرت هر فرصت و نکته هر حکمت را در ذهن ثبت کرده و از آن درس می آموزد و به دیگران هم می آموزد. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«الرَّايَةُ لِحَدِيثِنَا يَشُدُّ بِهِ قُلُوبَ شِيعَتِنَا أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ.» (2)

«کسی که احادیث ما را روایت می کند تا دل های شیعیان ما محکم شود، از هزار عابد بهتر است.»

پیامبر رحمت (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«كَلِمَةُ الْحِكْمَةِ يَسْمَعُهَا الْمُؤْمِنُ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ.» (3)

«یادگرفتن یک کلمه حکمت برای مؤمن از يك سال عبادت ارزش مندتر است.»

امام صادق (علیه السلام) در فضیلت این عبادت عظیم فرمودند:

«لَوَدِدْتُ أَنَّ أَصْحَابِي ضَرَبَتْ رُؤُسَهُمْ بِالسَّيَاطِ حَتَّى يَتَّقَهُوا.» (4)

«دوست دارم بر سر اصحاب خود تازیانه بزنم تا در مسائل دینی فقیه بشوند.»

ص: 81

1- کنز الفوائد 2/31 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 1/219

2- الکافی (ط - الإسلامية) 1/33؛ (ط - دارالحديث) 1/80 - الوافی 1/144 - وسائل الشیعة 27/78 - وسائل الشیعة 27/137 -

هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة (علیهم السلام) 8/384 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 1/108

3- أعلام الدین فی صفات المؤمنین 294 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 74/172

4- شرح أصول الکافی (صدرا) 2/638 - تفسیر نور الثقلین 2/285

با این همه تأکید و تأیید و عتاب آیا باز جایز است که در دنیا همه گونه تلاشی داشته باشیم؛ ولی همتی برای فراگیری کلام زیبای معصومین (علیهم السلام) نداشته باشیم؟ با این که سعادت دو سرا منوط به کسب معرفت و علم است:

«مَا مِنْ عَبْدٍ يَغْدُو فِي طَلَبِ الْعِلْمِ أَوْ يَرُوحُ إِلَّا خَاصَّ الرَّحْمَةَ وَ هَتَفَتْ بِهِ الْمَلَائِكَةُ مَرْحَبًا يَزَائِرُ اللَّهَ وَ سَلَكَ مِنْ الْجَنَّةِ مِثْلَ ذَلِكَ الْمَسْ لِكِ.»
[\(1\)](#)

«هر بنده ای که صبح و شب در پی علم باشد، در رحمت خدا فرورفته است و ملائکه به او ندا می کنند که درود به زائر خدا و به قدر راهی که در تحصیل علم رفته همان قدر از راه بهشت را پیموده است.»

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«سَاعَةٌ مِنْ عَالِمٍ يَتَكَبَّرُ عَلَى فِرَاشِهِ يَنْظُرُ فِي عِلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ الْعَابِدِ سَبْعِينَ عَامًا.»
[\(2\)](#)

«یک ساعت از عمر شخص عالم که بر بالشت خود تکیه بزند و به دانش خود نظر کند از هفتاد سال عبادت زاهد عابد بدون علم بهتر است.»

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) ارزش آموختن علم را این گونه بیان می کنند:

«مَنْ تَعَلَّمَ أَبَاً مِنَ الْعِلْمِ عَمِلَ بِهِ أَوْ لَمْ يَعْمَلْ كَانَ أَفْضَلَ مِنْ أَنْ يَصَلِّيَ أَلْفَ رَكْعَةٍ تَطَوُّعًا.»
[\(3\)](#)

«کسی که بابی از علم را یاد بگیرد، چه به آن عمل کند و چه عمل نکند، همین یادگرفتن برای او از هزار رکعت نماز مستحبی بهتر است.»

ص: 82

-
- 1- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال 131 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 1/174 - الحیاة / ترجمه احمد آرام 1/72
 - 2- جامع الأخبار (للسعیری) 37 - أعلام الدین فی صفات المؤمنین 80 - أعلام الدین فی صفات المؤمنین 92 - الصراط المستقیم إلى مستحقی التقديم 3/53 - نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم)) 519
 - 3- روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (ط - القديمة) 1/12 - مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار 136 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 1/180 - عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال [مستدرک سیده النساء (علیها السلام) إلى الإمام الجواد (علیه السلام)] 20/831

البته این فرمایش بدان معنا نیست که علم بیاموزیم و عمل نکنیم؛ چراکه در روایات زیادی علم را مکمل عمل دانسته اند، چنان که فرموده اند:

«علم یعنی عمل.»

علم یعنی عمل

چون فراگیری علم از ارزش فوق العاده ای برخوردار است، به فرموده رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، ولو فقط صرف فراگیری هم باشد ارزش دارد و بهتر از کاهلی نمودن و نادانی و جهالت است. کسی که ذره ای عقل به او عطا شده باشد می فهمد زمانی که به علم اهل بیت (علیهم السلام) آگاه گشت و با فراگیری روایات به درجه ای از ایمان و عقل رسید، به حکم عقل ناچار می گردد که برای نجات از ضررهای دنیوی و خسران عظیم در آخرت به دانسته های خود جامه عمل بپوشاند. نتیجه این که یکی از خصوصیات عالم عمل نمودن به علم و انتقال آن به دیگران است، چنان که یکی از شاخص های مهم اهل علم آن است که پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«در محضر هر عالمی ننشینید، مگر عالمی که شما را از پنج حال به پنج حال انتقال دهد: از حال شك به حالت یقین؛ از حال تکبر به مرتبه تواضع؛ از حال ریا به مقام اخلاص؛ از حال جنگ و کینه توزی به نرم خویی؛ از حال دوستی به دنیا به وادی زهد.»

همچنین امام سجاد، زین العابدین (علیه السلام)، در فضیلت فراگیری علوم اهل بیت (علیهم السلام) فرمودند:

«پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند که چون بنده مؤمن بر تحصیل علم خدای تعالی اراده می کند، خدا از بالای عرش به او ندا می کند که مرحبا ای بنده من، آیا می دانی چه مقامی را می جویی و می خواهی هم دوش ملائکه مقرب شوی؟ حتماً تو را به حاجت می رسانم و مرادت را خواهم داد.»

آن گاه کسی از امام (علیه السلام) پرسید که معنای هم دوشی با ملائکه چیست؟ حضرت فرمودند:

«مگر این آیه شریفه از قرآن مجید (1) را نشنیده ای که می فرماید: خدا به یگانگی خودش شهادت داد و بعد ملائکه شهادت دادند و سپس صاحبان علم، که آقای آن ها پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و جانشینان ایشان هستند. (2) سپس شما شیعیان صاحب علم ما هستید که با ما عهد بستید و به ما منتسب هستید.»

با این همه مقامات و پاداش برای طالبان علوم اهل بیت (علیهم السلام)، کوتاهی در این امر عظیم مساوی با جهل است و میوه درخت جهالت نیز جز هلاکت در دنیا و عذاب در آخرت چیزی نخواهد بود. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«مَنْ لَمْ يَعْلَمْ فَضْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ إِلَّا فِي مَطْعَمِهِ وَ مَشْرَبِهِ، فَقَدْ قَصَرَ عِلْمُهُ، وَ دَنَا عَذَابُهُ.» (3)

«کسی که از نعمت های پروردگار فقط خوردن و آشامیدن را می فهمد، به دانش دست نمی یابد و عذابش نزدیک است.»

طبق فرمایش امام صادق (علیه السلام) واجب است که هر شیعه ای با فراگیری علم از جهل بیرون بیاید. بهترین زمینه فراگیری و رسیدن به حقیقت علم حکمت است و حکمت هم طبق روایات مستلزم تحمل گرسنگی است. هیچ منفعتی برای ترقی و آسایش روح و قلب مؤمن بهتر از گرسنگی نیست؛ زیرا رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«الْفِكْرُ نِصْفُ الْعِبَادَةِ وَقِلَّةُ الطَّعَامِ هِيَ الْعِبَادَةُ.» (4)

«تفکر نیمی از عبادت و کم خوردن عین عبادت است.»

با این توصیف ها می توان گفت که به دست آوردن حکمت الهی در انحصار روزه و

ص: 84

-
- 1- [شَهَدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ] سورة مبارکه آل عمران آیه شریفه 18
 - 2- التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري (عليه السلام) 625 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 1/180 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 17/249
 - 3- الأمالی (للطوسی) 490؛ 871 - مجموعه ورام 2/32 - البرهان فی تفسیر القرآن 4/378 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 67/19؛ 68/49
 - 4- بنیادهای اخلاقی اسلامی 294 - محجه البيضاء 5/146

سکوت است. در نقطهٔ مقابل، پرخوری قرار دارد که با حکمت و نور الهی در یک جا نمی‌گنجد. پرخوری برای اهل طمع و حریصان دنیاست؛ ولی حکمت در شأن انبیاء و اولیاء (علیهم السلام) و تابعین آن هاست. نمونهٔ بارز این امر هم جناب سلیمان (علیه السلام) بود. پروردگار به حضرت سلیمان (علیه السلام) فرمود:

«تو تحت رحمت و عنایت ما هستی. آنچه از ما بخواهی مقرون به اجابت است.»

سلیمان (علیه السلام) عرض کرد که پروردگارا، تو به داوود (علیه السلام) پادشاهی و سلطنت عطا فرمودی و مرا وارث ملک او ساختی. اینک من از تو حکمت و معرفت می‌خواهم تا کار این امت را به اصلاح آورم. خطاب رسید:

«ای سلیمان، چون تو از ما مال و طول عمر نخواستی و حکمت و معرفت را بر حطام دنیوی ترجیح دادی، ما علاوه بر آن که دعایت را مستجاب می‌کنیم، چنان مال و ثروت و قدرتی به تو عطا می‌کنیم که پیش از تو و بعد از تو به هیچ کس چنین سلطنت و منزلتی نداده ایم و نخواهیم داد.»

لذا رحمت خداوندی شامل حال سلیمان (علیه السلام) شد و به سلطنت عظیمی دست یافت که جن، انس، وحش و طیر تحت فرمان او آمادهٔ خدمت شدند. در سوره مبارکهٔ نمل در آیهٔ شریفهٔ 117 به این مطلب اشاره شده است. [\(1\)](#)

بنابراین، یکی از فواید مهم کسب حکمت است:

«الصَّوْمُ يورِثُ الْحِكْمَةَ وَ الْحِكْمَةُ تُورِثُ الْمَعْرِفَةَ وَ الْمَعْرِفَةُ تُورِثُ الْيَقِينَ.» [\(2\)](#)

«روزه از خود حکمت و حکمت از خود شناخت و شناخت نیز از خود یقین به ارث می‌گذارد.»

در پایان مبحث حکمت در بیان حقیقت آن باید گفت اصل و باطن حکمت ارادت

ص: 85

1- تفسیر جامع 5/138 - تفسیر ابوالفتوح 15/21 الی 15/24

2- إرشاد القلوب إلی الصواب (للدیلمی) 1/203 - الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیة (کلیات حدیث قدسی) 386 - بحار الأنوار

(ط - بیروت) 74/27 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 7/500

قلبی و معرفت به حجت خداست در واقع در بیانی زیبا می توان گفت حکمت یعنی معرفت الامام. امام صادق (علیه السلام) در ذیل آیه شریفه (يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَ مَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ) (1) فرمودند:

«فَقَالَ طَاعَةُ اللَّهِ وَ مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ»

منظور از حکمت در این آیه اطاعت خداوند متعال و معرفت و شناختن امام (علیه السلام) است. « (2)

ص: 86

1- سورة مبارکه بقره آیه شریفه 269

2- کافی 1/185 - تفسیر عیاشی 1/496- مصباح الشریعه 198

از برکات حکمت بینا شدن به عیوب است. خداوند در شب معراج به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«ای احمد (صلی الله علیه و آله و سلم)،... اولین اثر حکمت دیدن عیب های خویش است.» (1)

یکی از خطرناک ترین دام های شیطان که برای صالحان و مؤمنان عیب بزرگی نیز محسوب می شود، مسئله عُجْب است که آفتی مهلك و حجابی ضخیم برای قرب الهی است. یکی از آثار بسیار ارزنده حکمت برای مؤمن بیناشدن به این درد است و داروی آن هم با دقت در کلام معصومین (علیهم السلام) پدیدار می شود. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«وَ أَنْذِرِ الصَّادِقِينَ أَلَّا يَعْجَبُوا بِأَعْمَالِهِمْ.» (2)

«صالحان را از این که بر اعمال خود عجب کنند بترسان.»

با این قاعده، تقریباً می توان گفت که عُجْب مخصوص اهل کمال است که در اثر اغفال شیطان لعین به بزرگ بینی اعمال نیک خود دچار می شوند، نفس خود را عزیز و محترم شمرده و از عمل خود راضی می گردند. البته درجات آن بستگی به میزان جهل انسان ها دارد.

گاهی شخص ثروت مند به وسیله ثروت خویش فخر می فروشد یا گاهی شخصی به جهت دارا بودن علم، صنعت، تخصص، شخصیت اجتماعی یا پست و مقام مدیریتی مغرور می گردد. این حالت، هرچند در ظاهر اهل فضل و علم و کمال باشد، نشانه بی خردی آن هاست. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«وَ لَا جَهْلَ أَضْرَ مِنْ الْعُجْب.» (3)

ص: 87

1- بحار الأنوار 77/28 - ارشادالقلوب 1/205

2- الکافی (ط - الإسلامية) 2/314؛ (ط - دارالحدیث) 3/765 - الوافی 5/881 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول 10/227 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 69/313

3- الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا (علیه السلام) 356 - الکافی (ط - الإسلامية) 8/244؛ (ط - دارالحدیث) 15/556 - تحف العقول 360 - علل الشرائع 2/560 - الإختصاص 227 - الوافی 26/269 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 66/400؛ 69/315؛ 75/198؛ 75/242؛ 75/348 - وظائف شیعه بودن 149

«جهلی زیان آورتر از عجب وجود ندارد.»

اولین عارضه ای که ابتلا به این بیماری بسیار خطرناک از خود به جای می گذارد آن است که ریشه انسان، که همان عقل باشد را، از بیخ و بن می کند؛ زیرا عقل پادشاه وجود است و وقتی پادشاه کشته شد، تسخیر دیگر سربازان کاری آسان است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این باره فرمودند:

«أَوَّلُ إِعْجَابِ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ فَسَادُ عَقْلِهِ.» (1)

«خودبینی عقل انسان را فاسد می کند.»

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«مَنْ دَخَلَ الْعُجْبُ هَلَكَ.» (2)

«هرکس را خودبینی فرا بگیرد هلاک می شود.»

ائمه اطهار (علیهم السلام) همواره درباره این بیماری وحشت ناک به مؤمنان هشدار می دادند، چنان که حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره این صفت زشت به جناب مالک اشتر (رحمة الله) فرمودند:

«إِيَّاكَ وَ الْإِعْجَابَ بِنَفْسِكَ.» (3)

«از خودپسندی و اعتماد بر آنچه تو را به عجب وادار می نماید پرهیز.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره صفات متقین و مؤمنان حقیقی می فرمایند:

«پرهیزکاران از اعمال خویش به اندک خشنود نیستند و اعمال فراوان خود

ص: 88

1- تحف العقول 214 - الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللہامیم 373 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 75/53

2- الکافی (ط - الإسلامية) 2/313؛ (ط - دارالحدیث) 3/762 - تحف العقول 409 - الأمالی (للصدوق) 447 - عیون أخبار الرضا (علیه السلام) 2/54 - الوافی 5/879 - وسائل الشیعة 1/101؛ 1/104 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (علیهم السلام) 1/45 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 10/246؛ 69/309؛ 69/314؛ 74/385؛ 75/320

3- تحف العقول 147 - دعائم الإسلام 1/368 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 33/611؛ 74/263 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 13/159؛ 13/171 - مکاتیب الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 2/241

را زیاد نمی بینند. آنان خویشتن را متهم می سازند و از کردار خود بیم ناکند. هرگاه یکی از آن ها ستوده شود، از آنچه درباره اش گفته شد در هراس می افتد و می گوید که من از دیگران نسبت به خودم داناترم و پروردگارم به اعمالم از من آگاه تر است. پروردگارا، مرا بهتر از آنچه آن ها گمان می کنند قرار ده و گناہانی را که مرتکب شده ام و آن ها نمی دانند بیامرز.» (1)

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نامه ای که به معاویة بن ابی سفیان (لعنت الله علیه) نوشتند، فرمودند:

«وَلَوْ لَا مَا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ مِنْ تَزْكِيَةِ الْمَرْءِ نَفْسَهُ لَذَكَرَ ذَاكِرٌ فَضَائِلَ جَمَّةٍ تَعْرِفُهَا قُلُوبُ الْمُؤْمِنِينَ وَلَا تَمُجِّهَا أَذَانُ السَّامِعِينَ.» (2)

«اگر نه این بود که خداوند نهی کرده است که انسان خویشتن را بستاید، فضائل فراوانی را برای خود می شمردم که قلوب مؤمنان با آن سابقه آشنایی دارد و گوش شنوندگان آن را بیگانه نمی شمارد.»

در جای دیگری چه زیبا و حکیمانه فرمودند:

«أَقْبَحُ الصَّدَقِ ثَنَاءُ الرَّجُلِ عَلَى نَفْسِهِ.» (3)

«زشت ترین سخن درست مدح انسان توسط خود است.»

بنابراین، انسان باید از خودستایی پرهیزد و هیچ گاه خود را از عیوب منزّه نداند که این کار شیطان و شیوه متکبران و نابخردان است. یکی دیگر از عواملی که عجب را تشدید می کند، تعریف و تمجید دیگران از کمالات و دانستنی های انسان است.

ص: 89

1- نهج البلاغه صبحی صالحی خطبه 193 ص 304

2- نهج البلاغه (للصبحی صالح) 386 - شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید [معتزلی - عامه] 15/182 - تفسیر الصافی 5/95 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 33/58 - تفسیر نور الثقلین 5/166 - تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب 12/508

3- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 118 - غرر الحکم و درر الکلم 190 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 466

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) این مطلب را گوش زد می فرماید:

«از این علاقه که مردم تو را بسیار بستایند بترس؛ زیرا این حالت از بهترین فرصت های شیطان است تا نیکی نیکوکاران را ضایع کند.» (1)

آری، مؤمن هوشیار و عاقل کسی است که تعریف دیگران سبب مغرور شدنش نگردد، چنان که حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در وصف مؤمن عاقل می فرماید:

«لَا يَخْرُقُ الثَّنَاءُ سَمْعَهُ.» (2)

«تعریف دیگران او را از خود بی خود نمی کند.»

کسانی از اهل علم و کمال بوده اند که بر اثر خدعه شیطان به ورطه هلاکت افتادند:

«وَكَمْ مِنْ مَفْتُونٍ بِحُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِ.» (3)

«چه بسا کسانی که با ستایش مردم به فتنه افتادند.»

البته مؤمنین حقیقی و هوشیار این چنین نیستند. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره آن ها می فرماید:

«يَكْرَهُ الرُّفْعَةَ وَيُسْنَأُ السَّمْعَةَ.» (4)

«مؤمن از خودنمایی عار دارد و شهرت طلبی را بد می داند.»

باری، بندگان خالص خدا هیچ گاه از اعمال صالح خود راضی نمی گردند و همیشه خود را در پیشگاه حق تعالی مقصر می دانند، هر چند که تمام لحظات عمرشان را صرف خدمت به دین و مؤمنان و کسب اعمال نیک کرده باشند. آنان یقین دارند که نتوانسته اند حق بندگی و نعمت هایی که به ایشان داده شده را بجا بیاورند. پیامبر

ص: 90

1- نهج البلاغه فیض الاسلام کتاب 53

2- الکافی (ط - الإسلامية) 2/228 - الوافی 4/154 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 9/212 -

بحار الأنوار (ط - بیروت) 64/366 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 11/181

3- تحف العقول 203 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 75/40

4- الکافی (ط - الإسلامية) 2/227؛ (ط - دارالحدیث) 3/574 - الوافی 4/153 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله

علیه و آله و سلم) 9/204 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 64/305؛ 64/365؛ 66/410 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 11/180

اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) صفات چنین افرادی را این گونه بیان می دارند:

«أَنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يَمْسِي وَلَا يَصْبِحُ إِلَّا وَنَفْسُهُ ظَنُونٌ عِنْدَهُ.» (1)

«مؤمن شبانه روز به نفس خود بدگمان است.»

دلیل این که مؤمن همواره با خود سر جنگ دارد و اعمال خود را کم می بیند، این است که خشنودی خدا را در دوری از عجب یافته است و می داند که نمی تواند حق بندگی را با هیچ يك از کارهای نیک ادا کرد. جناب لقمان (رحمة الله) فرمودند:

«کسی که خشنودی خدا را می خواهد باید به نفس خود بدبین باشد.» (2)

امام کاظم (علیه السلام) درباره فضیلت سرزنش نفس فرمودند:

«... دَمُّكَ لِنَفْسِكَ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَتِكَ أَزْبَعِينَ سَنَةً.» (3)

«مردی در بنی اسرائیل چهل سال خداوند را عبادت کرد؛ ولی عبادتش پذیرفته نشد. سپس به خود نهیب زد و گفت که آنچه به سرت می آید از جانب خود توست! پس خداوند به او پیام فرستاد که این سرزنش نفس تو از عبادت چهل ساله ات برتر است.»

بهترین راهی که مانع عجب در فکر و روح و قلب مؤمن می شود این است که انسان اهل کمال دائماً با خود در ستیز باشد و باور قلبی داشته باشد که با تمام کمالات باز هم در مقام بندگی مقصر است. امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

«پیوسته بکوش و تلاش کن که هیچ گاه خود را از زمره مقصران در عبادت و طاعت خداوند بیرون ندانی؛ چراکه عبادت پروردگار هرگز آن گونه که

ص: 91

1- غرر الحکم و درر الکلم 227 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 90 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 67/78 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 11/140 - لسان العرب 13/274 - مجمع البحرین 6/280

2- بحار الأنوار 13/432

3- الکافی (ط - الإسلامية) 2/73؛ (ط - دارالحديث) 3/186 - الوافی 4/300 - وسائل الشیعة 15/232 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام) 5/541 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 8/46 - بحار الأنوار (ط - بیروت)

14/500؛ 108/194 - ضیافت در ضریح 358

شایسته اوست انجام نمی شود.» (1)

ملائک رسیدن به بهشت رحمت خداست، وگرنه هیچ کس با هیچ عملی نمی تواند حق عبودیت خداوند متعال را رعایت کند و بهشت را کسب نماید. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در این باره فرموده اند:

«وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا مِنْ النَّاسِ أَحَدٌ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِعَمَلِهِ.» (2)

«به خدا قسم، هیچ کس با عملش وارد بهشت نمی شود، مگر به رحمت خدا.»

عرض کردند که حتی شما؟ حضرت فرمودند:

«إِلَّا أَنْ يَتَّعَمَدَنِي مِنْهُ بِرَحْمَةٍ.» (3)

«آری، من هم چنین هستم.»

امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

«أَحْسِنِ الظَّنَّ بِاللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ بِي إِنْ خَيْرًا فَخَيْرًا وَإِنْ شَرًّا فَشَرًّا.» (4)

«گمان خود را به خداوند نیکو کن؛ چراکه خداوند عزوجل می فرماید که من نزد ظن بنده مؤمنم هستم: هرگاه گمان نیکی به من داشته باشد، به نیکی با او رفتار می کنم و اگر بدگمان باشد، بد رفتار می کنم.»

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره حسن ظن به خدا فرمودند:

«چه بهایی از این آسان تر و چه متاعی از این پرارزش تر؟»

ص: 92

1- بحار الانوار 71/229

2- المجازات النبوية (صلی الله علیه و آله و سلم) 121؛ 403 - أمالی المرتضى 1/344 - تفسير الصافي 2/111 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 7/11 - تفسير نور الثقلين 1/706 - تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب 4/301

3- مدرک پیشین

4- الكافي (ط - الإسلامية) 2/72 - الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل) 2/217 - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 8/45 - تفسير نور الثقلين 5/91 - تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب 12/343

یکی از گمان های نیک به حق تعالی آمرزش گناهان است. مؤمن چنان باید به خدای خود حسن ظن داشته باشد که حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«آن چنان به رحمت خدا امیدوار باش که اگر تمام گناهان اهل زمین را داشته باشی احتمال بدهی که حق تعالی (پس از توبه) تورا بیامرزد.»

درباره دوری از عجب فرموده اند:

«آن چنان از خدا بترس که اگر تمام حسنات و اعمال شایسته و خیرات مردم روی زمین را بیاوری احتمال بدهی که از تو نپذیرد.»

با این تفصیل نمی توان به هیچ یک از اعمال خیر دل خوش داشت یا به واسطه آن اعمال فضیلتی برای خویش قائل شد. امام سجاد (علیه السلام) برای تربیت نفوس می فرمایند:

«وَلَا تُخَلِّ فِي ذَلِكَ بَيْنَ نَفُوسِنَا وَ اِخْتِيَارِهَا، فَإِنَّهَا مُخْتَارَةٌ لِلْبَاطِلِ إِلَّا مَا وَقَفْتِ، أَمَارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمْتَ» (1)

«خدایا، کار ما را به انتخاب خودمان وا من، چه این که نفس ما پیوسته باطل را انتخاب می کند، مگر آن که تو توفیق دهی، وگرنه به سوی بدی می کشاند، مگر این که تو رحمت فرمایی.»

پس آن هایی که احساس می کنند فضلی دارند، باید بدانند که:

«فَإِنَّهُ لَيْسَ عَبْدٌ أَنْصَبُهُ لِلْحِسَابِ إِلَّا هَلَكَ.» (2)

«از هر بنده ای حساب بکشند هلاک می شود.»

بنابراین، هرکس به اعمال نیکش بر خود ببالد، به یقین، در ورطه هلاکت غوطه ور خواهد شد. جناب لقمان (رحمة الله) به پسرش فرمود:

ص: 93

1- صحیفه سجادیه دعای نهم

2- الکافی (ط - الإسلامية) 2/314 - الوافی 5/881 - وسائل الشیعة 1/99 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام) 1/45 -
مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله وسلم) 10/227 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 14/40؛ 69/313 - تفسیر

نور الثقلین 5/267

«يَا بُنَيَّ لَا يَعْجِبُكَ إِحْسَانُكَ وَلَا تَتَعَزَّمَنَّ بِعَمَلِكَ الصَّالِحِ فَتَهْلِكَ.» (1)

«پسرم، احسان و خوبی ات تو را به خودبینی و ندارد و خود را با عمل صالحت بزرگ مشمار که هلاک می گردی.»

مؤمن باید به این اعتقاد برسد که منشأ تمام نیروها و خیرات از ناحیه خداست و بندگان در برابر خدا هیچ ندارند. از امام باقر (علیه السلام) معنای «لا حول و لا قوة الا بالله» را پرسیدند. حضرت (علیه السلام) در جواب فرمودند:

«لَا حَوْلَ لَنَا عَنِ مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ وَلَا قُوَّةَ لَنَا عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ إِلَّا بِتَوْفِيقِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.» (2)

«ما فقط با یاری حق تعالی گناه را ترک می کنیم و فقط به توفیق او عبادت می کنید.»

حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«وقتی انسان به کمال ژرف اندیشی می رسد که تمام مردم را همانند اشتران بداند و به بودن آن ها بی اعتنا باشد و حضورشان در او تغییری ایجاد نکند، کما این که بودن شتری نزد او تغییری در او ایجاد نمی کند. سپس انسان باید به خود باز گردد و بزرگ ترین تحقیر کننده نفس خود باشد.» (3)

امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

«عقل هیچ مسلمانی کامل نمی شود، مگر این که ده خصلت در او باشد: ... آیا می دانید دهمین خصلت کدام است؟ ... این که هیچ کس را ننگرد، مگر این که بگوید او از من پرهیزکارتر است. مردم دو دسته اند: گروهی که از او بهتر و پرهیزکارترند و گروهی که از او بدتر و زبون ترند. پس هرگاه کسی

ص: 94

1- الإختصاص 340 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 13/431

2- التوحید (للصدوق) 242 - معانی الأخبار 22 - البرهان فی تفسیر القرآن 1/26 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 5/203؛ 90/187 - تفسیر نور الثقلین 3/262 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 5/369

3- بحار الانوار 72/304

را ببیند که از او پست تر است بگوید شاید درونش بهتر باشد و آن بهتر بودن باطن برای او بهتر است و خوبی من ظاهر است و شاید این ظاهر خوب به ضرر من باشد و هرگاه کسی را ببیند که بهتر و با تقواتر از او باشد در برابرش فروتنی کند تا به او برسد. هنگامی که فرد این گونه رفتار کند، عزت و احترامش (در عالم ملکوت) بالا می رود و نامش به نیکی برده می شود.»

آری، حتی خیلی از افرادی که در نگاه ما کوچک و پست می باشند شاید در درون شان از ما خیلی بهتر باشند. باری، عجب تا این حد خطرناک است که بدی کردن با عفو و عذرخواهی را بهتر از عمل صالح همراه عجب دانسته اند:

«سَيِّئَةٌ تَسُوؤُكَ خَيْرٌ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ حَسَنَةٍ تُعْجِبُكَ.» (1)

«گناهی که تو را اندوهگین و پشیمان کند، نزد خدا بهتر از حسنه ای (و عبادتی) است که تو را به عجب برساند.»

این مرض آن چنان برای مؤمن مهلك است که خدای تعالی گاهی برای نجات مؤمن از این مریضی وحشت ناک حاضر نیست به بنده اش توفیق انجام عبادت عطا کند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از طرف خداوند متعال فرمودند:

«بعضی از بندگان من کسانی هستند که بایی از ابواب عبادت را طلب می کنند؛ ولی من برای آن ها دری را نمی گشایم؛ چراکه با آن عمل در عجب وارد می شوند و هلاک می گردند.» (2)

از حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است که خداوند متعال می فرماید:

«به بعضی از بندگان مؤمن خودم تمام آنچه درخواست کنند عطا نمی کنم تا مبادا عجب در دل شان راه یابد؛ چراکه بدین سبب ایمان شان فاسد

ص: 95

1- نهج البلاغة (للصباحي صالح) 477 - مشكاة الأنوار في غرر الأخبار 314 - وسائل الشيعة 1/105 - بحار الأنوار (ط - بيروت)

69/316 - مجمع البحرين 2/116

2- تفسير جامع 6/244

در اهمیت اخلاص در اعمال عبادی همین بس که حضرت عیسی (علیه السلام) در انجیل متی در باب 6 در آیه 26 فرمودند:

«چون روزه دارید مانند ریاکاران ترش روی نباشید؛ زیرا ریاکاران صورت خویش را تغییر می دهند تا در نظر مردم روزه دار بنمایند. هر آینه به شما میگویم که اجر خود را دریافته اید؛ لکن تو چون روزه داری سر خود را روغن مالی کن و روی خود را بشوی تا در نظر مردم روزه دار نمایی؛ بلکه در حضور خدایت که در نهان است روزه دار باشی.» (2)

با این فرمایش های پند آموز هر انسانی در می یابد که هیچ کمالی از خودش نیست و چون کمالات را از خویشتن نمی بیند دیگر جایی برای غرور باقی نمی ماند. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«چهار چیز از جانب خداوند متعال است. این چهار نعمت تو را مغرور نسازد: آشکارکردن و فهمیدن آنچه به نفع توست در صورتی که نمی دانستی؛ پوشاندن آنچه می دانی؛ افزودن نعمتش بر تو در صورتی که شکرگزار نبودی؛ اعطانمودن آنچه از وی درخواست نمودی.»

پس رسیدن به این چهار نعمت از جانب خدا برای آگاهی و آزمایش انسان است. خداوند در قرآنش فرموده است:

(سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ) (3)

«زود است که به آهستگی و ناگهان آن ها را از آن جایی که نمی دانند بگیریم.»

یعنی اگر این چهار نعمت در راه خدا به کار گرفته نشوند، نعمت نیستند؛ بلکه

ص: 96

1- علل الشرایع صدوق فارسی

2- روزه درمان بیماریهای روح و جسم 150

3- نمونه معارف اسلام 360 - لثالی 164 - سورة مبارکه اعراف آیه شریفه 182 و سورة مبارکه قلم آیه شریفه 44

بلا هستند؛ زیرا در روایت آمده است که حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«كَمْ مِنْ مُسْتَدْرَجٍ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ.» (1)

«چه بسا کسی که از جانب خدا به او احسان و نعمت برسد و این نعمت کم کم وی را به عذاب نزدیک سازد.»

در قبال این رذیله خطرناک اختیار نمودن مقام والای تواضع و فروتنی است. در این مورد جریانی را برای پندآموزی از حضرت عیسی (علیه السلام) به عرض می‌رسانیم:

«حضرت عیسی بن مریم (علیهما السلام) به حواریین خود فرمود که مرا به شما حاجتی است! گفتند که چه کار کنیم؟ حضرت عیسی (علیه السلام) از جای خود حرکت کرد و پاهای حواریین را شست و شو داد. عرض کردند که ای روح الله، ما سزاوارتریم که پای شما را بشویم! حضرت فرمود که سزاوارترین مردم به خدمت کردن عالمان می‌باشند. این کار را کردم تا تواضع کرده باشم. شما هم تواضع را فرا بگیرید و بعد از من در بین مردم فروتنی کنید.... حکمت با تواضع رشد می‌کند، نه با تکبر؛ چنان که در زمین نرم گیاه می‌روید، نه در زمین سخت کوهستانی.» (2)

چون شیطان لعین از ابتلاء مؤمنین به گناه مأیوس شد، دام خفی عجب را به عنوان سلاح خویش برگزید؛ چراکه از شدت ظرافت و باریکی، اهل کمال را نیز به کمند خویش می‌کشاند. شیطان از عجب استفاده می‌کند تا به وسیله آن در درون انسان احساس فضل به وجود آورد و فرد فکر کند که با اراده و تلاش خویش توانسته است فضیلتی را به دست آورد.

بنابراین، سزاوار است که مؤمنین، علی‌الخصوص صاحبان علم و عمل یا تخصص و ثروت، همت کاملی برای دفع آن داشته باشند و با استعانت از خدا به مبارزه با آن

ص: 97

1- فضائل امیرالمؤمنین (علیه السلام) 114 - تحف العقول 203 - تحف العقول 281 - الأملی (للطوسی) 443 - الأملی (للطوسی)

798 - مجموعة ورام 2/168 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 5/220؛ 70/100؛ 70/383؛ 75/40؛ 75/67؛ 75/139

2- الکافی 1/371، باب صفه العلما

بپردازند. زیرا این صفت زشت سم خطرناک و آفت پر قدرتی است که همه اعمال صالح را تحت الشعاع خود قرار می دهد. عجب بنای خود را بر فساد زهد قرار می دهد. اگر زاهد زهد را برای خدا اختیار نکرده باشد، زهد فاسد شده و زاهد به واسطه زهد فاسد شده خویش در دام عجب می افتد. معصوم (علیه السلام) فرموده است:

«زهد ترك تمامی چیزهایی است که موجب سرگرمی و دوری تو از یاد خدا می گردد، بدون آن که از ترك و نابودی آن حسرت بخوری. (البته) مبدا به دلیل جدایی از تعلقات دنیوی دچار عجب گردی... زاهد کسی است که: جهان باقی را بر دنیای فانی ترجیح دهد و ذلت و خواری گمنامی را بر عزت و مقام ظاهر دنیوی مقدم بشمارد؛ کوشش و تلاش را بر کسالت و تنبلی اختیار نماید؛ کم خوردن و گرسنگی را بر شکم بارگی و تن پروری ترجیح دهد؛ عافیت و آسایش جاودانه آخرت را بر محبت و لذائد و شهوات دنیای فانی برگزیند؛ یاد خداوند را بر غفلت از یاد او مقدم بدارد و آن گونه باشد که نفس و جسم او در دنیا زیست کند؛ ولی قلب او در عالم آخرت سیر نماید.» (1)

ص: 98

آن مطلبی که به مؤمن کمک می کند تا به درجه ای از عقل برسد و باور کند که هیچ نیرو، توان، خیر، کمال و علمی از خویش ندارد تفکر است. تفکر صحیح باعث می شود که مؤمن تمام اعمال صحیح خویش و نیز کسب هر یک از مقامات بندگی را نتیجه عنایت و اراده حق تعالی بداند که توفیق این امور را به او عنایت فرموده است. در این حالت است که دیگر جایی برای عجب باقی نمی ماند. پایه های این تدبیر و تعمق را یاد خدا استوار می سازد؛ زیرا ذکر حق تعالی باعث از بین رفتن تشکیک ها و تزلزل های فکری و روانی شده و سبب به وجود آمدن آرامش روحی و قلبی مؤمن می شود. با توجه و تمرکز در اذکار، آرامش در دل انسان ایجاد می شود و استرس، تزلزل، سستی و وسوس شیطانی کم دور می شود. توجه و یاد در مراتب عبودیت نقشی بسیار اساسی را ایفا می کند.

مؤمن با یاد حق تعالی نهال یقین را آبیاری خواهد کرد که نهایت بندگی مرتبه یقین است و یقین نیز با یاد خدا میسر و آسان تر میشود. از آثار یقین، محبت به معبود و تلاش در راه طاعت اوست که فرموده اند:

«وَمَنْ اشْتَأَقَ إِلَيَّ حَبِيبٍ جَدَّ فِي السَّبْرِ إِلَيْهِ.» (1)

«کسی که مشتاق دیدار محبوبی است در مسیر وصال او جدیت و کوشش می نماید.»

اگر تلاش در راه محبوب نباشد هیچ گاه درخت بندگی به بار نخواهد نشست.

پس مؤمن باید برای اظهار عبودیت از غفلت گریزان باشد. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«وَإِيَّاكَ وَالْغَفْلَةَ فَبَيْنَهَا تَكُونُ فَسَاوَةٌ الْقَلْبِ.» (2)

ص: 99

1- عدة الداعي و نجاح الساعي 252 - إرشاد القلوب إلى الصواب (للمدینمی) 1/60؛ 1/100 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 14/40؛

74/42

2- تحف العقول 285 - الوافی 26/261 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 75/164 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 12/93

«زنهار از غفلت که در آن قساوت قلب است.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«خدای عزوجل دعای دل غافل و مشغول به خیال های بیهوده را نمی پذیرد.» (1)

چون همت مؤمن این شد که غافل نشود، اولین قدمی که به سوی یاد خدا برمی دارد، یافتن خویش در آغوش پر مهر خداوند است:

«من نزد گمان بنده مؤمن خود هستم. اگر بنده ام مرا در دل خود یاد کند، من نیز او را یاد می نمایم و اگر یک وجب به من نزدیک شود، من بسیار به او نزدیک می گردم.» (2)

یاد خدا آن چنان حائز اهمیت است که مؤمن را در سخت ترین شدائد، یعنی دست و پنجه نرم کردن با مرگ، رها نمی کند؛ بلکه او را در آن برهه حساس یاری می رساند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره بهترین اعمال نزد خداوند فرمودند:

«أَنْ تَمُوتَ وَ لِسَانُكَ رَطْبٌ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى.» (3)

«در حال مرگ زبانت مشغول به ذکر خدا باشد.»

دوستان خدا و مؤمنینی که ایمان آن ها از لقلقه زبان به اطمینان قلبی مبدل گشته است، در همه حالات یاد خدا و عزیزانش (محمد صلی الله علیه و آله و سلم) و آل محمد (علیهم السلام) را در دل مستدام می دارند:

«إِنْ وَلِينَا لِيَعْبُدُ اللَّهَ قَائِمًا وَ قَاعِدًا وَ نَائِمًا وَ حَيًّا وَ مَيِّتًا.» (4)

«دوستان ما ایستاده، نشسته، خوابیده، در حال بیداری و در لحظات مرگ و زندگی خداوند را عبادت می کنند.»

ص: 100

1- اصول کافی 2/473 باب اقبال علی الدعاء

2- تفسیر جامع 5/296 - مجمع البیان 4/285 - مستدرک الوسائل 5/298

3- تفسیر نور الثقلین 4/162 - تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب 10/150 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 5/286

4- فضائل الشيعة 28 - البرهان فی تفسیر القرآن 5/137 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 5/328؛ 65/67؛ 108/73

خوش به سعادت افراد ذاکر؛ چراکه چنین بشارتی از ناحیه ائمه اطهار (علیهم السلام) به ایشان داده شده است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«مَنْ أُعْطِيَ لِسَانًا ذَاكِرًا، فَقَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.» (1)

«کسی که خدا زبانی به او داده که به ذکر پروردگار مشغول شود، خیر دنیا و آخرت به او داده شده است.»

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به اصحاب خود فرمودند:

«آیا بهترین اعمال شما در نزد پروردگار را به شما بگویم؟ عملی که برترین درجه شماسست و از درهم و دینار و حتی از جهاد و شهادت در راه خدا بهتر است!»

اصحاب عرض کردند که آری. حضرت فرمودند:

«أَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ مَا اسْتَطَعْتُمْ»

«ذکر خدا را بسیار بگویید.» (2)

مؤمن متذکر محبوب ترین افراد نزد خداوند است. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«أَكْثَرُهُمْ ذِكْرًا لِلَّهِ.» (3)

«گرامی ترین مردم نزد خداوند آن هایی هستند که بیشتر خدا را یاد می کنند و به طاعت او گردن می نهند.»

دل و زبانی که به یاد محبوب و خالق خود مشغول گردد، قطعاً تحت الطاف خاص حق تعالی قرار خواهد گرفت. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) این لطف را توضیح می دهند:

ص: 101

1- الکافی (ط - الإسلامية) 2/499؛ (ط - دارالحديث) 4/367 - وسائل الشيعة 7/155 - البرهان في تفسير القرآن 4/475 - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 12/132 - تفسير نور الثقلين 4/285؛ 5/454 - تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب 10/402؛ 14/15 - حلية الأبرار في أحوال محمد و آله الأطهار (عليهم السلام) 4/402

2- سفينة البحار مادة ذكر - وسائل الشيعة 7/156

3- المحاسن 2/598 - تحف العقول 364 - وسائل الشيعة 7/156 - وسائل الشيعة 8/79 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 75/247؛

«إِذَا رَأَيْتَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى يُونُسَ بِذِكْرِهِ فَقَدْ أَحَبَبْتَ.» (1)

«اگر دیدی خدا تو را با یاد خود مانوس ساخته است، بدان که تو را دوست داشته.»

در روایت دیگری آمده است:

«وَمَنْ أَكْثَرَ ذَكَرَ اللَّهَ أَحَبَّهُ اللَّهُ.» (2)

«هرکس بسیار به یاد خداوند متعال باشد، خدای تعالی دوستش می دارد.»

اگر خداوند شخص ذاکر را دوست داشته باشد، او را به نور خود منور می گرداند:

«عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ نُورُ الْقَلْبِ.» (3)

«همیشه به یاد خدا باش که این یاد نور دل است.»

همچنین به وسیله این نور تاریکی هایی که از القائنات شیطان بر قلب مستولی می گردد برطرف خواهد شد؛ زیرا فرموده اند:

«ذِكْرُ اللَّهِ مَطْرَدَةٌ الشَّيْطَانِ.» (4)

«یاد خدا مایه راندن شیطان است.»

مؤمن با یاد خداوند دژی مستحکم برای خود می سازد که از نفوذ شیاطین در امان باشد:

«ذِكْرُ اللَّهِ رَأْسُ مَالِ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَرِيحُ السَّلَامَةِ مِنَ الشَّيْطَانِ.» (5)

«یاد خدا سرمایه هر مؤمنی است و سودش سالم ماندن از شیطان است.»

ص: 102

1- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 135 - غرر الحکم و درر الکلم 284 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 188

2- الزهد 55 - الکافی (ط - دارالحدیث) 4/368 - مجموعه ورام 1/200 - وسائل الشیعة 7/154 - هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة (علیهم السلام) 3/135 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 63/325؛ 66/349؛ 72/122؛ 90/160 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 11/304؛ 5/293

3- غرر الحکم و درر الکلم 443 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 189

4- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 255 - غرر الحکم و درر الکلم 369 - تصنیف غرر الحکم 188

5- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 256 - غرر الحکم و درر الکلم 370 - تصنیف غرر الحکم 188

همچنین فرموده اند:

«ذَكَرُ اللّٰهِ دَوَاءٌ أَعْلَالِ النَّفْسِ.» (1)

«یاد خداوند داروی بیماری های نفس است.»

در روایت دیگری آمده است:

«أَصْلُ صَلاَحِ الْقَلْبِ اشْتِغَالُهُ بِذِكْرِ اللّٰهِ.» (2)

«ریشه اصلاح دل اشتغال آن به یاد خداست.»

امام معصوم (علیه السلام) می فرماید:

«مَنْ عَمَرَ قَلْبَهُ بِدَوَامِ الذِّكْرِ حَسَنَتْ أَعْمَالُهُ فِي السِّرِّ وَالْجَهْرِ.» (3)

«کسی که قلب خود را با یاد دائمی خدا آباد کند، اعمال و کردار او در آشکار و نهان پسندیده خواهد شد.»

غفلت از ذکر

چنان که اصلاح فکر و روشنی قلب منوط به یاد خداست، غفلت از یاد خدا نیز تاریکی و شقاوت به بار می آورد. قرآن مجید در سوره مبارکه زخرف در آیه شریفه 36 می فرماید:

«وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ تَقِيضُ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ»

«هرکسی از یاد خدای رحمان دل بگرداند، شیطانی برایش می گماریم تا هم نشین او شود.»

یکی از ابتلائات اشخاص غافل لهو و لعب است و سپس ورود به گناه است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید:

«كُلُّ مَا أَلْهَى عَنْ ذِكْرِ اللّٰهِ فَهُوَ مِنَ الْمَيْسِرِ.» (4)

ص: 103

1- غرر الحکم و درر الکلم 369 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 188

2- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 120 - غرر الحکم و درر الکلم 198 - تصنیف غرر الحکم 188

3- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 458 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 189

4- الأمالی (للطوسی) 336 - مجموعه ورام 2/170 - وسائل الشیعة 17/316 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 70/157؛ 76/230

«هر چیزی که دل و فکر را از یاد خدا غافل گرداند لهو و لعب است.»

طبیعی است که هر مطلبی از دنیا و هر موضوعی که بتواند قلب و فکر شخص را به خود جذب کند، می تواند حربه ابلیس لعین و لشکریانش باشد. حضرت عیسی (علیه السلام) می فرماید:

«سر شیطان مانند سر مار است و سر بر دل فرزند آدم نهاده است. هرگاه بنده ای مشغول ذکر خداوند گردد، شیطان می گریزد و چون از یاد خدا غافل می شود، می آید و با او سخن می گوید و دل او را مانند لقمه ای در دهانش می گیرد.» (1)

اهمیت یاد خدا در کلام امام معصوم (علیه السلام) مشخص می شود:

«ذِكْرُ اللَّهِ دِعَامَةُ الْإِيمَانِ وَعِصْمَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ.» (2)

«یاد خدای تعالی ستون قوی ایمان و موجب محافظت از شیطان است.»

پس مؤمن برای رهایی از دام های شیطان و با قدم گذاشتن به قرب الهی و رسیدن به آسایش روحی، باید سکان فکر و قلبش را به ساحل یاد خدا هدایت کند؛ زیرا خدا پاسخ محبت را با محبت می دهد. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«خدا در تورات می فرماید که ای فرزند آدم، به حق خودم سوگند که من تو را دوست دارم. پس به حق خودم به تو سوگندت می دهم که تو هم با من دوست باش.» (3)

حال اگر مؤمن سر عقل آمد و با خداوند اظهار دوستی نمود، باید گفت که خوش به حالش؛ چراکه لسان الله، حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، فرمودند:

«طُوبَى لِمَنْ شَغَلَ قَلْبُهُ بِالْفِكْرِ وَ لِسَانَهُ بِالذِّكْرِ.» (4)

ص: 104

1- تفسیر جامع 7/618 - مجمع البیان 5/571 - بحار الانوار 63/329

2- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 256 - غرر الحکم و درر الکلم 370 - تصنیف غرر الحکم 188

3- عدة الداعی

4- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 314 - غرر الحکم و درر الکلم 820 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 56

«خوش به حال کسی که دلش را با فکر و زبانش را با ذکر مشغول کند.»

یاد خدا در همه حال

یکی از آثار دوستی با حق تعالی استمرار در یاد اوست:

«الْمُؤْمِنُ دَائِمٌ الذِّكْرُ كَثِيرُ الْفِكْرِ عَلَى النَّعْمَاءِ شَاكِرٌ وَفِي الْبَلَاءِ صَابِرٌ.» (1)

«مؤمن کسی است که همیشه در حال ذکر باشد.»

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«امام باقر (علیه السلام) کثیر الذکر بودند. هر وقت با ایشان راه می رفتم ذکر خدا می گفتند. به هنگام غذا خوردن نیز به ذکر خدا مشغول بودند. حتی هنگامی که با مردم سخن می گفتند از ذکر خدا غافل نمی شدند.» (2)

مؤمن نیز به تبعیت از رهبران خود باید در تمام اوقات چنین روشی را اتخاذ نماید: آن جا که همه دل ها به دنیا مشغول است، مؤمن اهل ذکر قلبش را به خدا متمایل می کند. پاداش این روش، به گفته رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، چنین است:

«هرکسی در میان بازاری خدا را یاد کند که مردم در آن از یاد خدا غافلند و سرگرم معامله و خرید و فروش هستند، خداوند در نامه اعمال او هزار حسنه می نویسد و او را در قیامت به طوری که در قلب هیچ بشری خطور نکند می بخشد.» (3)

افزون بر این پاداش ها، یاد خدا در دنیا باعث قوت و نیروی مؤمن خواهد شد. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«مُدَاوِمَةُ الذِّكْرِ قُوَّةُ الْأَزْوَاجِ وَ مِفْتَاحُ الصَّلَاحِ.» (4)

ص: 105

1- غرر الحکم و درر الکلم 106/1955 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 90 - کنز العمال [متقی هندی - عامه] 16/28

2- کافی 2/449 کتاب الدعاء (باب ذکر الله عزوجل)

3- تفسیر جامع 7/186 - مجمع البیان 5/289 - وسائل الشیعه 7/166

4- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 487 - غرر الحکم و درر الکلم 709/121

«مداومت بر یاد خدا غذا و قوت ارواح مؤمنان و کلید صلاح است.»

همچنین فرموده اند:

«ذِكْرُ اللَّهِ قُوَّةٌ تَقْوَى النَّفْسِ.» (1)

«ذکر خدا قوت نفس هاست.»

امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

«کسی که بخورد یا بیاشامد یا لباسی را بپوشد، سزاوار است که بسم الله بگوید؛ چراکه اگر نگوید شیطان در آن کار با او شریک خواهد شد.» (2)

بنابراین غفلت از افتتاح به چنین اسم شریفی که همه اسماء الهی را تحت پوشش قرار داده است، خسران بزرگی را به بار خواهد آورد و اسباب خوشحالی شیطان لعین را فراهم خواهد ساخت. باید در نظر داشت که ابلیس فقط زمانی که انسان از خدا روی گردان شود و بندگی خدا را رد کند شاد می شود. چنان که در قضیه امتحان حضرت ایوب (علیه السلام) نقل شده است که شیطان گفت:

«من از کسی که هنگام غذا خوردن بسم الله الرحمن الرحيم و در آخر آن الحمد لله نگوید، خوش حال می شوم.» (3)

در مقابل، برای آن هایی که اوقات خود را با یاد خدا و جانشینان او سپری می کنند، ثواب هایی بس ارزشمند وجود دارد که به دو نمونه از این ثواب ها اشاره خواهیم کرد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«إِذَا قَالَ الْعَبْدُ عِنْدَ مَنَامِهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَقُولُ اللَّهُ: مَلَائِكَتِي! أَكْتُبُوا بِالْحَسَنَاتِ نَفْسَهُ إِلَى الصَّبَاحِ»

«هرکسی در وقت خواب بسم الله الرحمن الرحيم بگوید، حق خداوند می فرماید که ای ملائکه من، برای هر نفس بنده ام تا صبح ثواب

ص: 106

1- غرر الحکم و درر الکلم 369 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 189

2- بحار الانوار 63/203 - الکافی 6/294

3- جامع 4/449 - بحار الانوار 12/372

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«مَنْ قَرَأَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ أَرْبَعَةَ آلاَفٍ حَسَنَةٍ وَمَحَا عَنْهُ أَرْبَعَةَ آلاَفٍ سَيِّئَةٍ وَرَفَعَ لَهُ أَرْبَعَةَ آلاَفِ دَرَجَةٍ»

«کسی که بسم الله الرحمن الرحيم را بگوید، حق تعالی برای او به ازاء هر حرفی چهار هزار حسنه می نویسد و چهار هزار گناه از او پاک می کند و او را چهار هزار درجه رفعت می دهد.» (2)

البته شایان ذکر است، آنچه از کلام معصومین (علیهم السلام) فهمیده می شود این است که ارزش و فضیلت ذکر منوط به توجه قلبی است.

فضیلت اذکار

در عظمت اذکار تسبیحات اربعه حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل فرمودند:

«گفتار نیکو یعنی سبحان الله و الحمد لله.» (3)

در اهمیت ذکر تسبیحات فرموده اند:

«تسبیح نصف میزان را پر می کند و الحمدلله تمام آن را و الله اکبر فضای بین آسمان و زمین را فرا می گیرد.» (4)

در فضیلت حمد نیز روایات زیادی وجود دارد که شاید بهترین آن این حدیث باشد:

«مَنْ قَالَ (رَحْمَةَ اللَّهِ) الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ (رَحْمَةَ اللَّهِ) شَغَلَ اللَّهُ كُتَابَ السَّمَاءِ»

«هر وقت بنده ای الحمدلله کما هو اهله بگوید، فرشتگان از نوشتن ثواب

ص: 107

1- کتاب سپربلا 69 - بحار الانوار 92/258

2- بحار الانوار 92/258 - مستدرک الوسائل 4/387

3- جامع 1/130 - بحار الانوار 93/81

4- تفسیر جامع 7/545 - الکافی 2/506

توفیق شکرگزاری نیز از اموری است که باید به آن توجه وافر شود. نقل شده است که امام سجاد (علیه السلام) مردی را دیدند که بر گرد کعبه طواف می نمود و می گفت که خداوندا، من از تو صبر می خواهم. امام (علیه السلام) بر شانه او زدند و فرمودند:

«بلا خواستی! این چنین بگو: خدایا مرا عافیت عنایت فرما و توفیق شکرگزاری سلامتی و نعمت را نیز عطا فرما؛

فَإِنَّ الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ خَيْرٌ مِنَ الصَّبْرِ عَلَى الْبَلَاءِ

چراکه شکر بر عافیت از صبر بر بلا برتر است.» (2)

آن حضرت (علیه السلام) در دعا می خواندند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَالْبُسْنَى عَافِيَتِكَ... عَافِيَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَآمُنْ عَلَيَّ بِالصِّحَّةِ وَالْأَمْنِ وَالسَّلَامَةِ فِي دِينِي وَبَدَنِي.» (3)

«خداوندا، بر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و آل محمد (علیهم السلام) درود بفرست و لباس عافیت خود و عافیت دنیا و آخرت را بر من بپوشان و بر من به صحت و امنیت سلامت در دین و بدن منت بگذار.»

حقیقت شکر نعمات پروردگار به این است که مثلاً اگر علمی از جانب خدای تبارک و تعالی به فردی عنایت شد، آن را منتشر نماید یا اگر مالی عطا فرمود، با احسان به مستمندان، شکر آن بجا آورد.

اما روی دیگر شکرگزاری، که در واقع باطن سپاس از نعمت خداست، کلام گهرباری است که بر زبان معصومین (علیهم السلام) جاری گشته است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) حداقل شکرگزاری را چنین می دانند:

ص: 108

1- وسائل الشیعه 7/173

2- الدعوات (للراوندى) 114 - مشکاة الأنوار فى غرر الأخبار 258 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 92/285؛ 92/292؛ 110/306

3- الصحيفة السجادية 112 (23) (وكان من دعائه عليه السلام إذا سأل الله العافية وشكرها) - رياض السالكين فى شرح صحيفة سيد الساجدين 4/5؛ 4/13؛ 4/497 - منهاج البراعة فى شرح نهج البلاغة (خوئى) 14/118

«أَقَلُّ مَا يَلْزَمُكُمْ لِلَّهِ تَعَالَى أَنْ لَا تَسْتَعِينُوا بِنِعْمِهِ عَلَى مَعْصِيهِ.» (1)

«کمتر چیزی که لازم است برای خداوند سبحان انجام دهید این است که برای گناهان از نعمت های او یاری نجوید.»

در حدیث دیگری فرموده اند:

«وَشُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ الْوَرَعُ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ.» (2)

«سپاس هر نعمت پرهیز از آنچه پروردگار حرام گردانیده است.»

طبق فرمان معصومین (علیهم السلام) باید مؤمن حقیقی برای سپاس هر نعمتی، از سویدای دل، ذکر شریف «الحمد لله رب العالمین» را بر زبانش جاری سازد:

«تمام سپاس گفتن الحمد لله رب العالمین است.» (3)

این سپاس، خود، بزرگ ترین نعمت خداست:

«وَمِنْ أَعْظَمِ النِّعَمِ عَلَيْنَا جَرِيَانُ ذِكْرِكَ عَلَيَّ السَّنِيَّةَ.» (4)

«یکی از بزرگ ترین نعمت های تو بر ما، جاری شدن ذکر تو بر زبان ماست.»

امام سجاد (علیه السلام) می فرمایند:

«فَأَمْرَتَنَا بِذِكْرِكَ وَوَعْدَتَنَا عَلَيْهِ أَنْ تَذْكُرَنَا تَشْرِيفاً لَنَا وَتَفْخِيماً وَإِعْظَاماً.» (5)

«به ما دستور دادی که تو را یاد کنیم و وعده فرمودی که در مقابل ما را یاد می کنی و این به دلیل شرافت بخشیدن به ما و بزرگ داشتن ماست.»

از برکات شکرگزاری همانا از یاد نعمت است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

ص: 109

1- نهج البلاغة (للصباحي صالح) 533 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 70/364؛ 75/69 - غرر الحکم و درر الکلم 214 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 185

2- الخصال 1/14 - تفسیر الصافی 1/203 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 67/307؛ 67/310؛ 67/312؛ 68/42؛ 68/56 - تفسیر نور الثقلین 1/141 - تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب 2/195 - با کمی تغییر در ابتدا و انتهای حدیث

3- کافی 2/95 باب الشکر

4- بحار الأنوار (ط - بيروت) 91/151 - زاد المعاد - مفتاح الجنان 415

5- بحار الأنوار (ط - بيروت) 91/152 - زاد المعاد - مفتاح الجنان 416

«وَمَنْ أَعْطَى الشُّكْرَ أَعْطَى الزِّيَادَةَ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: (لَيْنُ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ) (1)» (2)

«کسی را که سپاس‌گزاری داده اند، زیادی نعمت‌ها نیز عنایت کرده اند؛ زیرا خدای تعالی می‌فرماید که اگر شکر کنید، قطعاً نعمت‌ها را بر شما افزون می‌کنم.»

امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند:

«لَا يَنْقُطُ الْمَزِيدُ مِنَ اللَّهِ حَتَّى يَنْقَطِعَ الشُّكْرُ مِنَ الْعِبَادِ.» (3)

«تا زمانی که شکر بندگان قطع نشود، افزایش نعمت‌ها از طرف پروردگار تمام نمی‌گردد.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«اِحْذَرُوا نِفَارَ النَّعْمِ فَمَا كُلُّ شَارِدٍ بِمَرْدُودٍ.» (4)

«از دور شدن نعمت‌ها بر اثر ناسپاسی‌ها بترسید که همه گریختگان را بازگشت نیست.»

در تحذیر ناسپاسی از عطایای الهی می‌فرمایند:

«يَا ابْنَ آدَمَ إِذَا رَأَيْتَ رَبَّكَ سُبْحَانَهُ يَتَابِعُ عَلَيْكَ نِعْمَهُ وَأَنْتَ تَعْصِيهِ فَاحْذَرَهُ.» (5)

ص: 110

1- سورة مبارکه ابراهیم آیه شریفه 7

2- المحاسن 1/3 - الكافي (ط - الإسلامية) 2/65؛ 2/95؛ (ط - دارالحدیث) 3/169؛ 3/245 - الخصال 1/101 - الوافی 4/283؛
4/346 - وسائل الشیعة 7/29؛ 15/213 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول 8/24؛ 8/153 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 68/40؛
68/43؛ 68/129؛ 68/135؛ 90/362 - تفسیر نور الثقلین 2/526؛ 4/532؛ 5/358 - تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب 7/30؛
11/409؛ 13/308

3- تحف العقول 457 - مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار 30 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 68/52؛ 68/54؛ 68/56

4- نهج البلاغة (للصبحی صالح) 511 - روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (ط - القديمة) 2/473 - وسائل الشیعة 16/325 - بحار
الأنوار (ط - بیروت) 68/54؛ 75/69

5- نهج البلاغه فیض الاسلام حکمت 24؛ (للصبحی صالح) 472 - روضة الواعظین و.. (ط - القديمة) 2/473 - بحار الأنوار (ط -
بیروت) 70/383

«ای فرزند آدم، هرگاه دیدی پروردگارت نعمت هایش را پی در پی به تو عنایت می کند، درحالی که تو او را نافرمانی می کنی، از عذاب او برحذر باش.»

آری، نعمت ها برای اهل معاصی و گناه بلاست (استدراج)!

ذکر و قرآن

قرائت قرآن، خود، ذکر خداست که در ترغیب مؤمنان به خواندن و تدبیر در آن روایات زیادی وارد شده است. جناب ابوذر (رحمة الله) می فرمایند که روزی خدمت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) رسیدم. حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) به من فرمودند:

«عَلَيْكَ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَ ذِكْرِ اللَّهِ كَثِيرًا فَإِنَّهُ ذِكْرٌ لَكَ فِي السَّمَاءِ وَ نُورٌ لَكَ فِي الْأَرْضِ.» (1)

«بر تو باد که قرآن را تلاوت کنی و خدا را بسیار یاد نمایی که این سبب می شود فرشتگان در آسمان ها تو را یاد کنند و این نوری برای تو در زمین است.»

ذکر و نماز

کدام عبادت و ذکرى بالاتر از نماز است؟ از ارزش و اهمیت فوق العاده آن همین بس که در پنج نوبت از روز بر همگان واجب شد. در فضیلت و بیان پاداش این ذکر عظیم روایات زیادی نقل شده است. قرآن مجید می فرماید:

(وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي) (2)

«نماز را برای یاد من به پا دار.»

ص: 111

1- الوافی 26/202 - وسائل الشیعة 15/290 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 74/72؛ 89/198؛ 90/154 - تفسیر نور الثقلین 4/257 -

تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب 10/351 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 4/260؛ 5/294

2- سورة مبارکه طه آیه شریفه 14

نماز منوط به توجه قلبی

رسیدن به مقام نمازگزاران حقیقی منوط به توجه قلبی است. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«دوست دارم هرگاه مؤمن به نماز واجب می ایستد، با دل خویش به خداوند رو کند و دلش را مشغول امور دنیا نگرداند؛»

«فَلَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ يُقْبَلُ بِقَلْبِهِ فِي صَلَاتِهِ إِلَى اللَّهِ إِلَّا أَقْبَلَ اللَّهُ إِلَيْهِ بِوَجْهِهِ» (1)

زیرا هر مؤمنی در نماز رو به سوی خدا کند، خداوند نیز به او توجه می کند و او را دوست می دارد.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«حق تعالی در تورات فرموده است که ای فرزند آدم، چون در حضور من می ایستی، مثل بنده ناتوانی در برابر پادشاهی قدرت مند که دارای عظمت می باشد باش. آن سان که گویی مرا می بینی؛ زیرا اگرچه تو مرا نمی بینی؛ ولی من تو را می بینم.» (2)

با این اوصاف، نتیجه ای که در اذکار و ادعیه و نماز عائد مؤمن می گردد، نتیجه توجه قلبی و تمرکز حواس است:

«تو با تمام توجه به خداوند متعال روی داشته باش و از آنچه دلت را مشغول می کند روی بگردان... از همه چیز بپُور و با خدا پیوند کن.»

(3)

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«الْقَلْبُ حَرَمٌ اللَّهُ فَلَا تُسَكِّنُ حَرَمَ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ.» (4)

ص: 112

1- ثواب الاعمال 1/163

2- عدة الداعي

3- بحار الانوار 94-94 - مستدرک الوسائل 11/221

4- جامع الأخبار (للشعیری) 185 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 67/25

«دل حرم خداست. پس در آن غیر خدا را جای مده.»

اما به جز یاد خداوند، باید ظهور این یاد گرامی در اعمال و رفتار مؤمن نمایان گردد تا به فعلیت برسد:

«وَالذِّكْرُ ذِكْرَانِ ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَأَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ ذِكْرُ اللَّهِ عِنْدَ مَا حَرَّمَ عَلَيْكَ فَيَكُونُ حَاجِزًا.» (1)

«ذکر دو گونه است: یاد خداوند متعال در هنگام مصیبت؛ برتر از آن: یاد خدا در برابر محرّمات و گناه که مثل سدی از تو دفاع خواهد کرد.»

همچنین امام معصوم (علیه السلام) در جای دیگری می فرماید:

«یکی از سخت ترین و مهم ترین اموری که خداوند بر خلائق واجب نموده است، ذکر کثیر است. منظورم این نیست که سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر بگویند، اگرچه این هم جزئی از آن است؛ لکن: منظور یاد خدا در هنگامی است که انسان با حلال و حرام مواجه می گردد تا اگر آن عمل اطاعت خدا باشد، آن را انجام دهد و اگر معصیت باشد ترك نماید.» (2)

یاد اهل بیت (علیهم السلام) همان ذکر خداست

اما وجه دیگر ذکرالله همانا ذکر عظیم و اعظم و اکبر الهی می باشد که ظهور افعال الهی به آن اسماء نیکو به فعلیت خواهد رسید:

«نَحْنُ وَ اللَّهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى.» (3)

ص: 113

-
- 1- الکافی (ط - الإسلامية) 2/90؛ (ط - دارالحدیث) 3/234 - تحف العقول 216 - الوافی 4/335 - وسائل الشیعة 15/237 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 68/75؛ 75/55؛ 9/164 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 5/292؛ 11/279
 - 2- الکافی (ط - الإسلامية) 2/80؛ (ط - دارالحدیث) 3/207 - الوافی 4/322 - وسائل الشیعة 15/252 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 66/405؛ 68/204؛ 72/29؛ 90/163
 - 3- اصل حدیث به این شرح است: «{ وَ لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا } قَالَ نَحْنُ وَ اللَّهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى الَّتِي لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا» * - تفسیر العیاشی 2/42 - الکافی (ط - الإسلامية) 1/144؛ (ط - دارالحدیث) 1/351 - الوافی 1/491 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 91/6 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 5/230

«اسم های نیکوی خداوند ما هستیم.»

بدین سبب وقتی اسماء الهی را، که محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و آل محمد (علیهم السلام) هستند، صدا زدید، انگار خداوند را صدا زده و یاد نموده اید:

«إِنْ ذُكِّرْنَا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ.» (1)

«به درستی که یاد ما یاد خداست.»

برای تحکیم بخشیدن به این مطلب، در ذیل آیه شریفه (و لذكر الله اكبر) فرموده اند:

«ذكر خدا ما ائمه هستیم.» (2)

همچنین فرموده اند:

«مراد از ذکر در قرآن ما ائمه هستیم.» (3)

امروز آن اسم زیبا و نیکوی خداوند که افعال الهی مانند قدرت الله، عین الله و... بدان محقق می گردد، حضرت مهدی (علیه السلام) می باشد و هرکسی برای نجات خویش باید به اسماء الهی (محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و آل محمد (علیهم السلام)) توسل کند و از سویدای دل آنان را صدا بزند. همچنان که جناب آدم (علیه السلام) برای نجات خویش به اسماء الهی دست توسل افکند و پس از سال ها رنج فراق، نجات یافت. بدین طریق هر محبی که امام غایب خود را، که ذکرالله اکبر است، با تضرع صدا بزند، قطعاً امام رئوف به درخواست محبش پاسخ کریمانه خواهد داد. خدا را دربی بر سر آستان ملکوتی اش هست که آن باب جز امام مهدی (علیه السلام) کس دیگری نیست.

چون حق تعالی را به چشم نتوان دید و به لامسه نمی توانیم درک کنیم و به

ص: 114

1- الكافي (الإسلامية) 2/186؛ (دارالحدیث) 3/476 - الوافی 9/1441 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 72/468

2- تفسیر جامع 6/342 - کافی 2/597

3- تفسیر جامع 4/469

صوت او نشود گوش فراداد، از جانب خود خلیفه و جانشینانی گذاشت و اراده خود را اراده آن ها قرار داد و صورت زیبای آنان را وجه خود و تمامی معاملات بین خلق و خدا را در گرو ارتباط بین خلق و امام نهاد. آن گونه که ارادت به امام ارادت به خداست و بغض او دشمنی با خداست. زیارت ساحت مقدسش زیارت خداست و بیعت با او بیعت با خداست.

عقل سالم حکم می کند که در این چند روز کوتاه عمر، کشتی روزه و قیام در شب را به ساحل همیشه بهار و خرم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برسانیم و بتوانیم در ساحل مهدویت از نعمت ها و الطاف کریمانه حضرت مهدی (علیه السلام) استفاده نماییم. راه آخرت بسیار وحشتناک و پرهراس است و برای همین هم قوتی مضاعف و توشه ای بسیار می طلبد. سنگین ترین توشه ها و قوی ترین ایمان ها با استقبال دل از امام زمان (علیه السلام) و راز و نیاز و استغاثه به درگاه به دست می آید. امام، در حقیقت، عامل دست یابی به باطن ذکر الله است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند:

«فَأَسْتَصْبِحُوا بُنُورٍ يَقْطَعُ فِي [الْأَسْمَاعِ وَالْأَبْصَارِ] الْأَبْصَارِ وَالْأَسْمَاعِ وَالْأَفْئِدَةَ يَذْكُرُونَ بِأَيِّمِ اللَّهِ.» (1)

«اهل ذکر کسانی هستند که نور بیداری را در دیده ها و گوش ها و دل های خود قرار داده اند و همیشه ایام الله (2) را به یاد می آورند.»

ص: 115

1- نهج البلاغة (للصباحي صالح) 342 - إرشاد القلوب 234 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 66/325 - الحياة 165 - نهج البلاغة فیض الاسلام خطبه 213

2- ایام الله در ادامه توضیح داده خواهند شد. اما به اختصار باید گفت، سه روز از روزها، روز خدا یا یوم الله است. روز ظهور حضرت مهدی (علیه السلام)، روز رجعت و روز قیامت.

از زبان معصوم (علیهم السلام) نقل شده است که ایام الله سه روز است. ایام الله یعنی روزهای خدا. روزهایی که فرمان الهی در آن ها انجام شده و کائنات بر مدار حق می چرخند. روز ظهور منجی یکی از این سه روز است. اهل ذکر در عصر غیبت منتظر روز قیام امام خویش هستند و همواره در تکاپوی آن روز با شکوه، زمینه تشریف فرمایی آن جناب یگانه را فراهم می سازند.

برای کسب توفیق یاد حضرت در این جهان ظلمانی باید در پی عاملی قدرت مند باشیم. آن کبریت احمر و اکسیر اعظم قطره اشکی خالصانه برای خداستو آن ندبه مصیبت زدگی خالصانه برای امام حسین (علیه السلام) است. باید برای جذب تابش انوار ملکوتی امام بر صفحه دل، زنگارهای آن را بزدایم و از تمام انبیا و ائمه اطهار (علیهم السلام) و وجود مقدس امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تبعیت کنیم که فرمودند:

«یا جداه، هر صبح و شام برایت گریانم تا از چشمانم خون جاری شود.» (1)

انسان باید هر روز بر سفره حزن و گریه بر مصائب حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) و امام حسین (علیه السلام) بنشیند و سوزش دل و خون جگر و اشک بصر را دست مایه نموده تا آن را سرمایه ای در پیشگاه حق تعالی قرار دهد و با صرف دقایقی در روز، با ناله و گریه بر مصیبت سیدالشهداء، در این عبادت عظیم شرکت نموده و آن اشک خالصانه برای خدا را بر چهره جاری نماید. در این سوگ مؤمن باید به جایی برسد که فرموده اند:

«وَأَكْلُهُ كَأَكْلِ الْمَرْضَى وَبُكَؤُهُ كَبُكَاءِ الثَّكَلَى.» (2)

«خوراکش مانند بیماران است و گریه اش مانند گریه مادرِ فرزندمرد.»

روز دیگر خدا روز رجعت ائمه اطهار (علیهم السلام) به دنیاست. روزی که دشمنان شان نیز برای انتقام از خاک بیرون آورده می شوند:

ص: 116

1- بحار الانوار 101/320

2- صفات الشيعة 30 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 8/401

(وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يَكْذِبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ) (1)

«و در آن روز از هر امتی گروهی که آیات ما را تکذیب می کردند را از خاک بیرون می آوریم.»

این آیه سندی برای آن است که این اتفاق در دنیا انجام خواهد شد؛ چراکه در قیامت همه آحاد بشر محشور خواهند شد و در این آیه ذکر شده که بخشی از مردم را محشور خواهند نمود. آخرین روز خدا روز قیامت است. روز برپایی میزان و صراط و روز برداشت از آنچه خلاق در دنیا آن را کاشته بودند.

مؤمن بر اثر مداومت بر یاد خدا روزانه به توفیق بی نظیر دعا دست می یابد. اگر مؤمن با همان دل محزون و چشم اشک بار، از اعماق دل، ظهور منتقم اسیران و شهدای کربلا را از خدای متعال خواستار گردد، هم آثار محبت به امام زمان (علیه السلام) و اجدادش در او ظاهر می شود و هم از هلاکت آخرالزمان رهایی می یابد؛ چراکه:

«لَا يَنْجُو فِيهَا مِنَ الْهَلَكَةِ.»

«کسی از این هلاکت نجات پیدا نمی کند.»

ادامه می فرمایند:

«وَوَفَّقَهُ فِيهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ» (2)

«مگر موفق شدگان به دعا برای فرج.»

چون مؤمن به این مرتبه از دعا راه یافت، مشمول عنایت خاص امامش قرار خواهد گرفت. وجود مقدس حضرت مهدی (علیه السلام) فرمودند:

«به درستی که من برای آن مؤمنی که یادآور مصیبت های جدم شود و سپس برای تعجیل فرج دعا کند، من نیز برای او دعا می کنم.» (3)

دعای امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دعای خداست. چنان چه شخصی خود را در مشمول دعای

ص: 117

1- سورة مبارکه نمل آیه شریفه 83

2- تحف العقول 1 - الأمالی (للصدوق) 1 - کمال الدین و تمام النعمة 2/384 - بشارة الاسلام 168 - الامام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) 134

3- مکیال المکارم 2/75

حضرت (علیه السلام) قرار دهد، قطعاً کار وی به تطهیر روح و جسم منجر خواهد شد. این همان مطلبی است که از ابتدای کتاب سعی بر بیان آن شده بود. این طهارت روح پس از پاک نمودن جسم از محرّمات و شبهات و تخلی زبان از لغویات و اشباع آن از ذکر خدا و یاد امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به دست خواهد آمد. سردادن القاب مقدس امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و مخاطب قراردادن ایشان، زمزمه فرازهایی از دعای ندبه مانند:

«لَيْتَ شِعْرِي، أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى... هَلْ إِلَيْكَ يَا ابْنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتَلْقَى.» (1)

چند دقیقه گریه برای امام حسین (علیه السلام) و دعا برای ظهور می تواند نقطه اوج طیران روح مؤمن باشد. اظهار ارادت و محبت به پیشگاه مقدس امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فعلی است که اگر شرق و غرب عالم را جست و جو کنند، عبادتی برتر از آن نخواهند یافت. چند حدیث مؤید این مطلب را در ذیل به عنوان نمونه ذکر کرده ایم:

«گریه بر امام حسین (علیه السلام) اعظم عبادت هاست.» (2)

«دعا برای فرج بهترین عبادت است.» (3)

«ذکر خدا (یاد حضرت مهدی (علیه السلام)) با فضیلت ترین عبادت است.» (4)

ارزش و جایگاه دعا

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«خداوند متعال می فرماید که بنده من در حال تضرع و دعاست تا این که محبت من شامل حال او شود. کسی که من او را دوست بدارم، گوش، چشم، دست و... او می شوم.»

ماه رمضان زمینه ساز آشتی قلوب شیعیان با حضرت مهدی (علیه السلام) و یکی از بهترین

ص: 118

1- المزار الكبير (لابن المشهدی) 582 - إقبال الأعمال (ط - القديمة) 1/298 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 99/108 - زاد المعاد - مفتاح الجنان 307

2- الخصائص الحسينیه 356 - بحار الانوار 44/289

3- منتخب الاثر فصل 10 باب 2 ح 16 - وسائل الشیعه 7/31

4- غررالحکم 2/108

مواقع دعا برای حضرتش می باشد. درخواست ظهور ایشان از خداوند متعال در شب قدر حاکی از اوج فکر و ایمان مؤمن است. در این شب اهل بصیرت و مخلصین از آن هایی که یادی از مولای خویش ننموده اند جدا گشته و غربال می شوند؛ چراکه مؤمنان حقیقی کسانی هستند که حوائج امام (علیه السلام) خود را بر حوائج خویش مقدم می دارند:

«و مُقَدِّمُكُمْ أَمَامَ طَلِبَتِي وَ حَوَائِجِي وَ إِزَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَ أُمُورِي.» (1)

«شما را بر خواسته هایم و بر همه احوال و امورم مقدم می دارم.»

موفق شدگان به دعا برای ظهور همان دعاکنندگان شب قدرند؛ ولی متأسفانه به دلیل نبود معرفت کافی، شب های قدر از اعمال عبادی مستحبی بسیاری پر شده است و جای خالی دعا برای تشریف فرمایی حضرت در آن به شدت محسوس است. وجود نازنین و مغموم امام مهدی (علیه السلام) مثل شخصی زندانی که برای ملاقات عزیزانش تا روز ملاقات ثانیه شماری می کند، در شب قدر در انتظار دعاگویان هستند؛ زیرا آن شب از همه شب های سال برتر و زمان وضع تقدیرات عالم است. تقدیراتی که با دعا دگرگون می شوند و بلای حتمی را به نعمتی قطعی تبدیل می کنند. چه تقدیری بهتر از فریاد حضرت مهدی از کعبه مقدس.

ای کاش روزی برسد که در شب های قدر، مؤمنین گرفتاری های خود را کنار گذاشته و فقط برای امام مظلوم و غائب شان دعا نمایند. بر هر مؤمن عاقلی واجب است که تمامی مراتب دعا و تضرع را برای تعجیل در امر تشریف فرمایی امامش به جا آورد:

«وَ أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ.» (2)

اولین چیزی که در دعا مطرح است، دعوت خود خدای مهربان است که از روی لطف و مهر بندگانش را به این عمل امر نموده است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

ص: 119

1- بخشی از زیارت جامعه کبیره

2- کمال الدین و تمام النعمة 2/485 - الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی) 2/471 - الوافی 1/425 - بحار الأنوار (ط - بیروت)

52/92 - ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار (علیهم السلام) 3/117 - إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب (علیه السلام)

1/381؛ 1/391

می فرمایند:

«خداوند شما را امر فرموده به دعا که از او بخواهید تا به شما عطا کند و او مهربان و بخشنده است. او بین تو و خودش کسی را قرار نداده است تا مانع تو گردد و تو را ناچار به رجوع به دربان و پرده دار نقرموده است.»

حضرت در ادامه برای تشویق مؤمنان تا یقین کنند به این که دعاهای شان به اجابت خواهد رسید، فرمودند:

«و با این اجازه دعا و مناجات، کلید خزائن خود را به دست تو سپرده است تا هرگاه که خواستی با دعا و درخواست از او، درهای خزائن او را بگشایی.» (1)

همچنین برای ترغیب بیشتر مؤمنان به دعا و تضرع، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، فَإِنَّ الدُّعَاءَ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِينَ»

«شب و روز به درگاه پروردگارتان دعا کنید؛ زیرا سلاح مؤمن دعاست.» (2)

خدای متعال با آن که دعا را برای برطرف نمودن نیازها و حوائج قرار داده است، از شدت محبتی که به مخلوقاتش دارد، پاداش های بی نظیری را نیز برای آن قرار داده است که از همه آن ها مهم تر، نزدیکی و آشتی قلوب مخلوقات با خویش است. امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«عَلَيْكُمْ بِالْدُّعَاءِ فَإِنَّكُمْ لَا تَقْرَبُونَ بِمِثْلِهِ»

«بر شما باد به دعا کردن! به درستی که دعا بهترین راه تقرب است.» (3)

در آیه شریفه 56 سوره مبارکه ذاریات می خوانیم:

(وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ)

«هدف خلقت جن و انسان عبادت است.»

ص: 120

1- چرا مرا آفریدند 116 - بحار الانوار 77/204

2- اصول کافی باب الدعاء 2/468 - سلاح المومن ح 3

3- کافی 2/467

در بیان حقیقت عبادت، دعا را معرفی نموده اند:

«الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ.» (1)

«دعا مغز عبادت است.»

کسی از امام باقر (علیه السلام) سؤال کرد که زیاد قرآن خواندن بهتر است یا زیاد دعا کردن، حضرت (علیه السلام) فرمودند:

«دعا! مگر نمی بینی که در قرآن آمده است:

قُلْ مَا يُعْبُوا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ

که اگر دعای شما نباشد، پروردگار من به شما اعتنایی نخواهد داشت.» (2)

اگر درخواست و استغاثه ای برای رفع حوائج شخصی و بالأخص تعجیل در امر فرج امام زمان (علیه السلام) نباشد، نسبت به مقام والا و کریمانه خداوند ادبار ورزیده شده است. بنابراین، خدا به آن بنده ای که نسبت به ذات اقدسش ادبار داشته باشد، توجهی نخواهد داشت. گناه بی اعتنایی به حجت خدا، که یکی از نشانه های آن کاهلی در دعا برای تشریف فرمایی آن وجود گرامی است، نزد خدا بسیار عظیم است. اگر این بی توجهی ادامه یابد، تبعات سنگینی، از جمله تاریکی و قساوت قلب را، به دنبال خواهد داشت. پس وای بر چنین بنده ای که با دست خویش خود را به هلاکت کشانیده؛ زیرا امام حسن عسکری (علیه السلام) فرموده اند:

«وَاللّٰهُ لَيَغِيْبَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو فِيْهَا مِنْ الْهَلٰكَةِ اِلَّا مَنْ تَبَتَّهَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلٰى الْقَوْلِ بِاِمَامَتِهِ وَوَقَّعَهُ فِيْهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيْلِ فَرْجِهِ.» (3)

«به خدا قسم، او غیبی خواهد نمود که در آن کسی از هلاکت نجات

ص: 121

1- الوافی 9/1514 - وسائل الشیعة 7/27؛ 7/28 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 90/300؛ 90/302؛ 110/282 - مستدرک الوسائل و

مستنبط المسائل 5/167؛ 5/174 - مجمع البحرين 2/442

2- چرا مرا آفریدند 116 - وسائل الشیعه 7/31 - عدة الداعی 19 - [سورة مبارکه فرقان آیه شریفه 77]

3- مدینه المعاجز 8/69 - کمال الدین 2/384 - اثبات الهداة 5/95 - امالی 1 - تحف العقول 1

نخواهد یافت، مگر کسی که خداوند عزوجل او را بر گفته به امامت او ثابت قدم بدارد و او را برای دعا بر تعجیل در فجرش موفق نماید.»

طبق فرمایش امام معصوم (علیه السلام) هرکسی در حوائج خویش دعا را ترك کند به معصیت و نافرمانی خدا متهم می شود:

«تَرَكَ الدُّعَاءَ مَعْصِيَةً.» (1)

«ترك دعا نافرمانی خداوند متعال است.»

همچنین قرآن مجید هم متذکر این امر شده است:

«إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» (2)

«همانا آنان که از عبادت من استکبار ورزند، به زودی با کمال ذلت به دوزخ درخواهند افتاد.»

پس همان طور که دعانکردن باعث غضب خداوند می شود، دعا و استغاثه سبب خشنودی خدا می گردد. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«سپاس و ستایش مختص خداوندی است که خشنودی اش در درخواست و استغاثه از او و طلب کردن آنچه نزد اوست می باشد.» (3)

تفاوت کسی که از خدا درخواست می کند با کسی که نمی کند در کلام رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین آمده است:

«دو نفر با عملی یکسان وارد بهشت می شوند و یکی از آن دو دیگری را بالاتر از خود می بیند و می گوید که پروردگارا، چرا این عنایت را به او فرمودی، در حالی که عمل هر دوی ما یکی بود؟ خداوند متعال می فرماید که او از من درخواست نمود؛ ولی تو نخواستی.» (4)

ادب بندگی اقتضاء می کند که انسان علاوه بر وقت گرفتاری، در وقت آسایش هم

ص: 122

1- مجموعه ورام 2/120 - چرا مرا آفریدند 127

2- سوره مبارکه غافر آیه شریفه 60

3- صحیفه علویه دعای روز چهارشنبه

4- چرا مرا آفریدند 116 - بحار الانوار 8/221 - وسائل الشیعه 7/24

دعا کند و با خدا ارتباط داشته باشد. امام صادق (علیه السلام) فرمودند که خداوند متعال به حضرت داوود (علیه السلام) وحی فرمود که:

«اذْكُرْنِي فِي سَرَائِكَ أَسْتَجِبْ لَكَ فِي ضَرَائِكَ.» (1)

«در زمان آسایشت به یاد من باش تا من هنگام گرفتاری دعای تو را اجابت کنم.»

امام محمد باقر (علیه السلام) می فرمایند:

«وَمَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ.» (2)

«هیچ چیز نزد خداوند متعال محبوب تر از دعا و درخواست از درگاه او نیست.»

یکی از دلایل محبوب بودن دعا نزد خدا آن است که راز و نیاز با خدا انسان را برای عبودیت بیشتر و دیگر اعمال عبادی آماده و مجهز می کند و تقویتی است تا انرژی روحی بیشتری برای عبادات دیگر کسب شود، چنان که موسی بن عمران (علیهما السلام) عرض کرد:

«پروردگارا، مرا از علامت و نشانه رضا و خشنودی ات آگاه نما.»

خداوند متعال وحی فرمود:

«وقتی دیدی آمادگی کامل برای عبادت در بنده من مشاهده می شود و از معصیت روی گردان است، این علامت خشنودی من است.»

(3)

ص: 123

1- مکارم الأخلاق 269 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 90/381 - میزان الحکمه 4/23

2- تحف العقول 282 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 66/393؛ 75/141؛ 90/292؛ 90/294؛ 90/312 - مستدرک الوسائل و مستنبط

المسائل 5/163؛ 5/169؛ 11/275 - مجمع البحرين 3/300

3- بحار الانوار 15/26

این که روح برای طهارت به چه چیز دیگری نیاز دارد، سؤالی است که جواب صحیح آن فقط نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت طاهرینش (علیهم السلام) یافت می شود. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«قیام و تهجد در دل شب باعث خشنودی خدای متعال است.» (1)

برخی از آیاتی که درباره عبادت در شب نازل شده اند از این قرار هستند:

﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾ (2)

«و پاسی از شب را زنده بدار تا برای تو به منزله نافلة باشد. امید است که پروردگارت تو را به مقامی ستوده برساند.»

﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَ سَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا﴾ (3)

«و بخشی از شب را در برابر او سجده کن و در شب های دراز او را به پاکی بستای.»

﴿إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثَيِ اللَّيْلِ وَ نِصْفَهُ وَ ثُلُثَهُ وَ طَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ﴾ (4)

«در حقیقت، پروردگارت می داند که تو و گروهی از کسانی که با تو هستند نزدیک به دو سوم از شب یا نصف آن یا یک سوم آن را برمی خیزید.»

﴿إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَ أَقْوَمُ قِيلاً﴾ (5)

«قطعاً برخاستن در شب رنجش بیشتر و گفتار [و راز و نیاز در آن هنگام] راستین تر است.»

ص: 124

1- مجمع البیان ذیل آیات 15 الی 20 سوره سجده - نورالثقلین 4/229 - یکصد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث 106

2- سوره مبارکه اسرا آیه شریفه 79

3- سوره مبارکه انسان آیه شریفه 26

4- سوره مبارکه المزمّل آیه شریفه 20

5- سوره مبارکه المزمّل آیه شریفه 6

(فَمِ اللَّيْلِ إِلاَّ قَلِيلاً * نِصْفَهُ أَوْ انْقِصَ مِنْهُ قَلِيلاً * أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً) (1)

«شب را به پا خیز، مگر اندکی * نیمی از شب یا اندکی از آن را بکاه * یا بر آن [نصف] بیفزای و قرآن را شمرده شمرده بخوان.»

(وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ) (2)

«و [نیز] پاره ای از شب و در فروشدن ستارگان تسبیح گوی او باش.»

(كَانُوا قَلِيلاً مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ * وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ) (3)

«و از شب اندکی را می خوابند * و در سحرگاهان [از خدا] طلب آمرزش می کردند.»

(فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ) (4)

«پس بر آنچه می گویند شکیبا باش و پیش از برآمدن آفتاب و قبل از فروشدن آن، با ستایش پروردگارت [او را] تسبیح گوی و برخی از ساعات شب و حوالی روز را به نیایش پرداز. باشد که خشنود گردی.»

طبق فرمایش امام حسن عسکری (علیه السلام)، مکمل روزه قیام و تهجد در نیمه شب است. روزه و نماز شب مکمل یک دیگرند. امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند:

«قرب به خدای متعال فقط از راه گرسنگی و تشنگی و قیام در شب میسر است.» (5)

یکی از پیامبران درباره پیمودن طریق بندگی با خداوند سخن می گفت:

«پیامبر خدا گفت که پروردگارا، مرا بر کاری راهنمایی کن که مرا به تو

ص: 125

1- سوره مبارکه المزمّل آیات شریفه 2 الی 4

2- سوره مبارکه طور آیه شریفه 49

3- سوره مبارکه ذاریات آیات شریفه 17 و 18

4- سوره مبارکه طه آیه شریفه 130

5- بحار الانوار ج 15

نزدیک گرداند. حق تعالی در جواب او فرمود که شب را روز قرار ده و روزت را شب. او عرض کرد که پروردگارا، چگونه می شود؟ پروردگار در جواب فرمود که به جای خواب نماز بخوان و به جای خوردن گرسنه باش.» (1)

تهجد در نیمه شب که یکی از پایه های اصلی قرب الهی را تشکیل می دهد، آن قدر حائز اهمیت است که امام معصوم (علیه السلام) پیروان خود را این چنین به این عبادت بزرگ سوق می دهند:

«لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ لَمْ يَصَلِّ صَلَاةَ اللَّيْلِ.» (2)

«کسی که نماز شب نخواند از شیعیان ما نیست.»

قدر و منزلت نماز شب آن چنان والا است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«آن قدر جبرئیل مرا به قیام در شب سفارش کرد که گمان کردم خوبان امت من هرگز نباید بدون خواندن نماز شب بخوابند.» (3)

داوود صرمی می گوید که از امام صادق (علیه السلام) سؤال کردم که نماز شب واجب است یا مستحب؟ امام (علیه السلام) فرمودند: «واجب است.»

صاحب کتاب وسائل (رحمة الله) می نویسند:

«مراد از این واجب یا مستحب مؤکد است یا وجوب آن بر نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم).» (4)

معصوم (علیه السلام) فرمودند:

«بنی اسرائیل نماز شب را بر خود واجب کرده بودند، بدون این که خدا آن

ص: 126

1- لئالی 15

2- المقنعة 119 - روضة الواعظین و.. (ط - القديمة) 2/321 - وسائل الشيعة 8/162 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام)

3/329 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 84/162

3- من لا يحضره الفقيه 13/4

4- وسائل الشيعة 151/8 - تهذيب 121/2

را واجب کرده باشد.»

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«عَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ.» (1)

«بر تو باد خواندن نماز شب.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز فرمودند:

«وَأَوْصِيكُمْ بِقِيَامِ اللَّيْلِ.» (2)

«شما را به نماز شب توصیه می کنم.»

آری، امر حق تعالی برای مؤمنین چنین وضع گشته است:

«وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلاً طَوِيلاً» (3)

«یک قسمت شب را برای خدا سجده کن و شب طولانی را به تسبیح مشغول باش.»

شاید مراد از شب های طولانی شب های پاییز و زمستان باشد که بهترین موقع برای مقاومت و مداومت در تمام فصول سال است.

در دیدگاه اولیاء خدا، تهجد و راز و نیاز شبانه، به دلیل ابتهاجات روحی نهفته در خود، بسیار خواستنی است. این مؤمنین حقیقی هستند که با مرتبه والای عقلانی و برخورداری از نعمات، حاضرند در نیمه شب های سرد و یخ بندان به راز و نیاز پرداخته یا در روزهای گرم، گرسنگی و تشنگی را پیشه خود سازند. علاوه بر لذت های این عبادات، باید گفت که این اعمال مشکل گشای سكرات موت و دنیای پس از مرگ هستند. مرحوم محدث قمی (رحمة الله) نقل می کند:

«بعد از وفات حضرت مریم (علیها السلام)، حضرت عیسی (علیه السلام) او را صدا زد و گفت

ص: 127

1- من لا يحضره الفقيه 4/188 (سه بار فرمودند) - وسائل الشيعه 94/4؛ 8/158 - بحار الانوار 96/391 (چهار بار فرمودند) - الفقه

المنسوب إلى الإمام الرضا (عليه السلام) 137 - الكافي (ط - الإسلامية) 8/79؛ (ط - دار الحديث) 15/196

2- مستدرک الوسائل 64/3؛ 151/3؛ 152/3

3- سورة مبارکه انسان آیه شریفه 26

که ای مادر، آیا دوست داری به دنیا برگردی؟ حضرت مریم (علیها السلام) گفت که آری. برای این که در نیمه شب بسیار سرد برای خدا نماز بخوانم و در روز بسیار گرم روزه بگیرم. ای پسر جان، این راه (سفر آخرت) بسیار بیم ناک است.»

این چنین است که هر مؤمنی باید با تفکری صحیح عقل خود را بارور نموده و بدین وسیله عمر عزیز و فرصت بسیار کم خود را دریابد؛ زیرا هر شبی که به غفلت بگذرد، فرصتی گران سنگ بوده که به آسانی از دست انسان خارج شده است و دشمنی خدا را برمی انگیزد:

«أَبْغَضُ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ حَيْفَةً بِاللَّيْلِ بَطَالٌ بِالنَّهَارِ.» (1)

«دشمن ترین مردم در پیشگاه خدا کسی است که شب تا صبح می خوابد و روز را نیز به بطالت می گذراند.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ طُولَ اللَّيْلِ كَالْحَيْفَةِ الْمُلْقَاةِ وَأَمْرٌ بِالْقِيَامِ مِنَ اللَّيْلِ وَالتَّهَجُّدِ بِالصَّلَاةِ.» (2)

«رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نهی فرمود از این که مرد مؤمن در تمام طول شب مثل مردار بیافتد و امر فرمودند که قسمتی از شب برخاسته و به خواندن نماز مشغول باشد.»

مرحوم فشارکی در "عنوان الکلام" در صفحه 417 فرمودند:

«هرکس به هر جا رسید از مداومت در اقامه نماز شب بوده است. در شرافت نماز شب همین بس که بر مثل حضرت خاتم النبیین (صلی الله علیه و آله و سلم) واجب شده و شعار صالحین و کلید خیری از خیرات دنیوی و اخروی است. از آن جا که نماز شب خواص و فوائد بسیاری دارد، شیاطین و نفوس اماره با

ص: 128

1- بحار الأنوار (ط - بیروت) 84/158 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 6/340

2- دعائم الإسلام 1/211 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 84/159

اعانت يك ديگر، نمی گذارند که اغلب مردم به آن تمایل پیدا کنند.»

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«بهترین مردم کسی است که عاشق عبادت باشد و آن را در آغوش کشد و از دل دوست بدارد و با تن به عبادت برخیزد و خود را برای انجام آن فارغ سازد. چنین کسی باکی ندارد از این که در دنیا سختی بکشد یا در رفاه و آسایش باشد» (1)

پس باید برای شکرگزاری از تمام نعمت های الهی که برای رفاه و آسایش بشر بنا نهاده شده اند، کمر همت را بسته و عزم را مردانه جزم کرده و با اندکی تأمل و تفکر، این فرصت طلایی عمر را از دست ندهیم؛ زیرا هر شبی که به غفلت سپری گردد، برای اهل معنا از هر بلا و مصیبتی سخت تر است. پس بیاییم قدر این نعمت کوتاه شب های عمر را دانسته و ساعتی قبل از نماز صبح صداقت خود را برای سماواتیان به نمایش بگذاریم. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«هرگاه بنده ای برای نماز شب برمی خیزد، در حالی که خواب او را فراگرفته است و به راست و چپ متمایلش می کند...، حق تعالی امر می فرماید که درهای آسمان باز شود. سپس به فرشتگان می فرماید که به بنده من نگاه کنید که برای تقرب به سوی من عملی را که بر او واجب نکردم انجام می دهد. او از من به سه چیز امیدوار است: گناهی که بیامرزم؛ توبه ای که از او بپذیرم؛ رزقی که زیاد گردانم. ای ملائکه من، شما شاهد باشید که من این سه حاجت او را بدون شك برآورده می کنم.» (2)

با این فرمایش معلوم می شود که ارزش هر کاری به سختی آن است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«وقتی بنده ای از خوابگاه گرم و لذت بخش خود برمی خیزد، در حالی که

ص: 129

1- اصول کافی کتاب الایمان و الکفر باب العباده 3/214

2- علل الشرایع 364/2 - وسائل الشیعه 8/151

چشمش خواب آلوده است و برای خشنودی حق تعالی به نماز می ایستد، خداوند متعال به ملائکه مباحثات می کند و می فرماید که آیا بنده مرا می بیند که چطور از بستر لذت بخش خود برای اقامه نماز برخاسته است، در صورتی که این عمل را بر او واجب نکرده ام؟ شما شاهد باشید که من او را آمرزیدم.» (1)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«هرگاه بنده ای در تاریکی شب با خدای خود خلوت کند، پروردگار نوری در دلش جای می دهد و در هنگام یا رب یا رب گفتن، حق تعالی جواب می دهد که لیبك بنده من. از من بخواه تا به تو عطا کنم. بر من توکل کن تا تو را کفایت کنم. سپس می فرماید که ای فرشتگان من، به بنده ام نگاه کنید که چطور در شب تاریک با من راز و نیاز می کند و انسان های بی ارزش به بازی و غفلت و خواب به سر می برند. شما شاهد باشید که من او را بخشیدم.» (2)

مؤمن باید به احترام دعوت حق تعالی که این چنین به او خطاب می کند، با اشتیاق فراوان و اراده ای راسخ، تاریکی نیمه شب را به نور پروردگارش منور گرداند و پا به بساط قرب و راز و نیاز بگذارد، چنان که امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«خداوند به موسی بن عمران (علیهما السلام) فرمود که ای پسر عمران، با حالت ذلت و انکسار قلب و بدن آرام و خاضع و چشم گریان در تاریکی شب به طرف من بیا و مرا بخوان. مسلماً در این صورت مرا می یابی که خیلی نزدیک و پاسخ گو و اجابت کننده هستم.» (3)

خوش به سعادت بنده ای که در نیمه شبان جبین مذلت بر خاک بگذارد و برای

ص: 130

1- مستدرک الوسائل 6/332 ح 6934

2- بحار الانوار 99/38؛ 120/70؛ 137/84

3- امالی شیخ صدوق 215 فارسی

گناهانش گریه کند و با چشمی گریان یادآور نعمت های بی شمار پروردگارش گردد که در آن حال و موقع زمان تابش انوار الهی است. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«خانه هایی که در آن ها نماز شب خوانده می شود، مانند ستارگانی که روشنی بخش زمین هستند، روشنی بخش اهل آسمان هستند.»
[\(1\)](#)

شخصی می گوید که به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: «یک ماه یا دو ماه یا سه ماه است که نماز شب نخوانده ام. آیا جایز است قضای آن ها را به جا بیاورم؟» حضرت چند مرتبه فرمودند:

«نماز شب برای توبه منزله نور چشمت می باشد.»

سپس فرمودند:

«قَضَاءُ صَلَاةِ النَّهَارِ بِاللَّيْلِ وَقَضَاءُ صَلَاةِ اللَّيْلِ بِالنَّهَارِ»

«می توان قضای نماز شب را در روز و قضای نماز روز را در شب به جا آورد.» [\(2\)](#)

مطلب مهمی که از این کلام نورانی برداشت می شود این است که امام (علیه السلام) نماز شب را به منزله نور چشم مثال زدند. اگر چشم نور نداشته باشد مانند نابینایان راه را از چاه تشخیص نمی دهد و بر اثر نداشتن دید کافی، دائماً در معرض حوادث قرار خواهد گرفت.

امام حسن عسکری (علیه السلام) در روایتی فرمودند:

«پس بدان که انسان خلق شد تا در این دنیا خشنودی خدای خویش را فراهم سازد.»

امام صادق (علیه السلام) اهمیت اهتمام به این عبادت را تا آن جا بالا می برند که می فرمایند:

«ثَلَاثَةٌ مِنْ رُوحِ اللَّهِ التَّهَجُّدُ مِنَ اللَّيْلِ بِالصَّلَاةِ وَ لِقَاءُ الْإِخْوَانِ وَ الصَّوْمُ.» [\(3\)](#)

«سه چیز از روح خداست: بیداری در شب برای نماز؛ ملاقات با برادران

ص: 131

1- من لا يحضره الفقيه 1/239؛ 1/473 - بحار الانوار 153/87؛ 161/87 - تهذيب 2/122

2- وسائل الشيعه 4/279 - بحار الانوار 43/87

3- بحار الانوار 96/257؛ (ط - بيروت) 93/257

امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند:

«خداوند عزوجل بندگان مؤمنی را که همیشه دعا کنند دوست دارد. پس بر شما باد به دعا کردن در سحر تا طلوع خورشید.» (1)

بنابراین، مؤمن عاقل این چند روز بسیار کوتاه عمر را غنیمت شمرده و تدارک پاکیزگی از گناهان خود را با تضرع و انابه در تاریکی شب فراهم می سازد که خداوند متعال مشتاق دیدار بندگان گناه کار خود است؛ چنان که به حضرت داوود (علیه السلام) فرمود:

«ای داوود (علیه السلام)، آنچه می گویم بشنو که سخن من حق است: من به بنده گنه کارم مهربان تر از خودش به حال خودش هستم و من بنده خود را دوست دارم و از او خجالت می کشم؛ ولی او از من شرم ندارد.» (2)

چه زیباست حال گناه کاری که به سر عقل بیاید و خجالت و شرمساری، او را در نیمه شب به توبه و انابه وادارد تا به سبب گریه و انابه، به مقام توابان و صالحان برسد. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«عَلَيْكُمْ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ فَإِنَّهُ دَأْبُ الصَّالِحِينَ قَبْلَكُمْ، وَإِنَّ قِيَامَ اللَّيْلِ قُرْبٌ إِلَى اللَّهِ، وَمِنْهَاةٌ عَنِ الْإِثْمِ، وَتَكْفِيرُ السَّيِّئَاتِ وَمَطْرَدَةٌ الدَّاءِ فِي الْجَسَدِ»

«بر شما باد خواندن نماز شب؛ زیرا روش پیغمبر شما و دأب صالحین قبل از شما و دورکننده درد از اجساد شماست.» (3)

از پاداش های نمازگزاران می توان به قبولی دعا، پذیرش عبادات، وسعت قلب و طهارت روح برای پذیرش حکمت و... اشاره کرد. سلامتی جسمی چنین افرادی نیز از دیگران بیشتر خواهد بود. تقید به تهجد در نیمه شب باعث دوری امراض از بدن خواهد شد. از برکات دیگر آن دوری فقر و سرازیری رزق به سوی صاحبش می باشد. روایت شده است که مردی به خدمت امام صادق (علیه السلام) از نیازمندی خویش شکوه کرد

ص: 132

1- وسائل 68/7 ح 8748 - بحارالانوار 165/84؛ 344/90؛ 345/90

2- ارشاد القلوب 86/1

3- من لا يحضره الفقيه 472/1 - تهذيب 120/2 - بحارالانوار 268/59؛ 149/84

تا جایی که نزدیک بود از گرسنگی دم زند! امام (علیه السلام) به او فرمودند که آیا نماز شب می خوانی؟ او گفت که بلی. امام (علیه السلام) فرمودند:

«كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يَصَلِّي بِاللَّيْلِ وَيَجُوعُ بِالنَّهَارِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ضَمِنَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ قُوتَ النَّهَارِ.» (1)

«کسی که گمان کند نماز شب می خواند و روز گرسنه می ماند اشتباه کرده است؛ زیرا خداوند متعال ضامن شده که طعام روز را به وسیله نماز شب فراهم سازد.»

پس بیچاره و عقب مانده کسی است که از فواید و آثار بی شمار تهجد محروم باشد. امام صادق (علیه السلام) به یاران شان فرمودند:

«لَا تَدْعُ قِيَامَ اللَّيْلِ فَإِنَّ الْمَغْبُوتَ مِنْ حُرْمِ قِيَامِ اللَّيْلِ.» (2)

«دست از تهجد و شب زنده داری بردار. مغبون کسی است که از قیام و عبادت نیمه شب محروم باشد.»

کاهلی در نماز شب باعث انزجار ائمه اطهار (علیهم السلام) می شود و قطعاً قابل جبران نخواهد بود. این تنفر به علت اهمیت بسیار عظیم نماز شب است. امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«من با مردی دشمنی می کنم که قرآن می خواند و شب بیدار می شود؛ اما برای نماز شب حرکت نمی کند تا صبح فرامی رسد و آن گاه برمی خیزد که نماز صبح بخواند.» (3)

اگر امام صادق (علیه السلام) در عصر حاضر تشریف داشتند و می دیدند که بعضی از افراد به جای خواندن قرآن تا نیمه های شب پای لغویات و تلویزیون می نشینند، به جای لفظ دشمنی چه می فرمودند؟ امام حسن عسکری (علیه السلام) در نامه ای به پدر شیخ

ص: 133

1- الوافی 7/106 - وسائل الشیعة 8/150؛ 8/157 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (علیهم السلام) 3/329 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 84/153؛ 110/230

2- علل الشرائع 2/363 - الوافی 7/107 - وسائل الشیعة 8/160 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (علیهم السلام) 3/329 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 80/127؛ 84/146 - تهذيب الأحكام 2/122

3- من لا يحضره الفقيه 479/1

صدوق (رحمة الله) مرقوم داشتند:

«ك- مَنْ اسْتَخَفَّ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ فَلَيْسَ مِنَّا فَاعْمَلْ بِوَصِيَّتِي وَآمُرْ جَمِيعَ شِيعَتِي حَتَّى يَعْمَلُوا عَلَيْهِ»

«سی که نماز شب را سبک بشمارد از ما نیست. پس تو به این توصیه من عمل کن و به شیعیانم نیز دستور بده که به خواندن نماز شب مبادرت ورزند.» (1)

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است:

«لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَصَلِّ صَلَاةَ اللَّيْلِ (2) وَقَالَ (علیه السلام): لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ لَمْ يَصَلِّ صَلَاةَ اللَّيْلِ.» (3)

«کسی که نماز شب نمی خواند از ما نیست! کسی که نماز شب نمی خواند از شیعیان ما نیست.»

شیخ مفید (رحمة الله) در توضیح این فرمایش نوشته اند:

«از لیس من شیعتنا فهمیده می شود که تارك نماز شب از شیعیان مخلص نیست و نیز کسی که به فضیلت نماز شب اعتقاد نداشته باشد از شیعیان نخواهد بود.» (4)

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از این که مردی در تمام طول شب مثل مرده افتاده باشد نهی نموده و امر به قیام در شب و تهجد به نماز کرده اند.» (5)

امام صادق (علیه السلام) و امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

ص: 134

1- مستدرک الوسائل 64/3

2- المقنع (للصدوق) 131 - وسائل الشیعة 8/162 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة 3/329

3- المقنعة 119 - روضة الواعظین و.. (ط - القديمة) 2/321 - وسائل الشیعة 8/162 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام)

3/329 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 84/162

4- المقنعه 119

5- بحار الانوار 87/159

«اگر بنده ای در شب یک بار یا دوبار یا بیشتر از جا برخاست که برخاسته وگرنه شیطان پاهای خود را باز کرده و در گوش او ادرار می کند. آن گاه دیگر او آوای تلاوت قرآن و نوای دل نواز شب زنده داران را نمی شنود و وقتی که صبح از خواب برمی خیزد، حیران و سنگین و کسل است.» (1)

امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

«برای شب شیطانی است که به او رها گفته می شود. وقتی که بنده ای از خواب بیدار می شود و اراده قیام برای اقامه نماز شب می کند، رها به او می گوید که هنوز وقت خواندن نماز شب نشده! بار دیگر بیدار می گردد و همین طور دفعات مکرر او را از برخاستن منصرف می کند تا طلوع فجر. وقتی که فجر طالع شد در گوش او ادرار می کند و به خود می بالد و دم خود را می جنباند و از او دور می گردد.» (2)

آری، خدای متعال به دنبال بهانه و فرصتی است تا اندک عمل خالصی از بنده اش دیده و به او پاداشی برساند تا بدین سبب مستحق آمرزش گناهان گردد و لیاقت ورود به بهشت را پیدا کند. به این دلیل خداوند به نیتی که از روی خلوص باشد نیز پاداش خواهد داد. امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند:

«نیت مؤمن از عملش بهتر است. به این دلیل که شخص با ایمان آرزو دارد و دلش می خواهد کارهای زیادی انجام دهد؛ ولی فرصت و عمرش او را همراهی نمی کنند.»

امام صادق (علیه السلام) به عنوان نمونه فرمودند:

«مثلاً بنده مؤمن در روز تصمیم می گیرد که سحرگاه از خواب برخیزد و نماز شب بخواند. اتفاقاً همان شب خواب عمیقی او را فرا می گیرد و موفق به بیدار شدن نمی شود. خداوند مهربان در برابر این تصمیم و نیت، ثواب

ص: 135

1- روضة الواعظین 321/2

2- روضة الواعظین 321/2 - وسائل الشیعه 8/163

نماز شب و تهجد را به او عنایت می فرماید و تنفسش را تسبیح و خوابش را صدقه و انفاق به حساب می آورد.» (1)

شخصی به حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) عرض کرد که من از خواندن نماز شب محروم شده ام. امام (علیه السلام) به او فرمودند:

«تو مردی هستی که گناهانت تو را به بند کشیده است.»

مردی به جناب سلمان (رحمة الله) عرض کرد:

«إِنِّي لَا أَقْوَى عَلَى الصَّلَاةِ بِاللَّيْلِ.»

«من به خواندن نماز شب قدرت پیدا نمی کنم.»

ایشان فرمودند:

«لَا تَعْصِ اللَّهَ بِالنَّهَارِ.» (2)

«در روز گناه نکن.»

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«إِنَّ الرَّجُلَ لَيَكْذِبُ الْكَذِبَةَ... يَحْرَمُ بِهَا صَلَاةَ اللَّيْلِ.» (3)

«مرد گاهی دروغ کوچکی می گوید و به همین واسطه از نماز شب محروم می گردد و چون از نماز شب محروم شد از روزی فراوان خدا نیز محروم می شود.»

چیزی که نقش بسزایی در غفلت و محرومیت از این فیض دارد پرخوری در شب و دیرخوابیدن است:

«با وجود زیاد خوردن به شب زنده داری امید نداشته باشید.»

قطب راوندی از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت کرده است که ایشان فرمودند:

ص: 136

1- بحار الأنوار 15/191 ترجمه فارسی

2- التوحيد (للصدوق) 97 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 84/151 - منهاج البراعة (خوئی) 19/327

3- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال 42 - الوافی 7/107 - وسائل الشیعة 8/160 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 69/260؛ 73/316؛

84/146 - تفسير نور الثقلين 3/204؛ 7/479

«امید مدار سه چیز با سه دیگر را: انتظار شب زنده داری همراه با پرخوری؛ نور صورت را با خوابیدن در تمام شب؛ امان از دنیا با هم نشینی با گناه کاران.»

جدای از کم خوری و گناهان که باید اهتمام جدی برای ترک آن ها به خرج داده شود، امام صادق (علیه السلام) آیه ای را برای بیداری در شب و عمل به تهجد توصیه نمودند تا هرکس خواست در هر موقع از شب بیدار شود این آیه را بخواند:

(قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا) (1)

همچنین رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«کسی که می خواهد در ساعت معینی برخیزد و نماز شب بخواند، وقتی که در خوابگاهش قرار گرفت بگوید: اللَّهُمَّ لَا تُؤْمِنِي مَكْرَكَ وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ أَقْوَمُ سَاعَةً كَذَا وَ كَذَا.» (2)

کرم خدا تا بدان جاست که در صورت موفق نشدن به نماز شب، راهی برای کسب برکات فوت شده این نماز گذاشته است. رسول خدا (علیه السلام) فرمودند:

«خدای تبارک و تعالی به وسیله بنده ای که در روز قضا نماز شب را به جا بیاورد، به فرشتگانش مباحثات می کند و می فرماید که ای ملائکه من، به بنده ام نگاه کنید. نمازی را قضا می کند که من بر او واجب نکرده ام. شاهد باشید که او را آمرزیده ام.» (3)

مباحثات پروردگار به ملائکه مختص مؤمنی است که برای این امور اهمیت قائل شود. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

(قَضَاءُ صَلَاةِ النَّهَارِ بِاللَّيْلِ وَقَضَاءُ صَلَاةِ اللَّيْلِ بِالنَّهَارِ وَهُوَ مِنْ سِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ

ص: 137

1- سوره مبارکه کهف آیه شریفه 110

2- الکافی (ط - الإسلامية) 2/540 - الوافی 9/1586 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 73/202؛ 73/208؛ 73/216؛ 84/173؛ 84/177

3- من لا يحضره الفقيه 498/1 - وسائل الشيعه 77/4؛ 275/4؛ 278/4 - مفتاح الفلاح 238

«به جا آوردن قضاء نماز شب بعد از بامداد و بعد از عصر از اسرار مخزون آل محمد (علیهم السلام) است.» (1)

وقتی مؤمن قضاء نمازی را به جا بیاورد، که اصل آن را بر او واجب نکرده اند، مقاماتی را کسب می کند که تحسین ملائکه را بر می انگیزاند و این از اهمیت فراوان تهجد و نماز شب است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید:

«هرکسی در نیمه شب نماز بگذارد، تمام فرشتگان آرزوی منزلت او را نزد خداوند می نمایند.» (2)

همچنین رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«فَمَنْ رَزَقَ صَلَاةَ اللَّيْلِ مِنْ عَبْدٍ أَوْ أُمَّةٍ... جَعَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلْفَهُ تِسْعَةَ صَفُوفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ فِي كُلِّ صَفٍّ مَا لَا يَحْصِي عَدَدَهُمْ إِلَّا اللَّهُ.» (3)

«هرکس را خداوند متعال نماز شب روزی فرماید و او برخیزد و خالصانه برای خدا وضوی کامل بگیرد و با نیتی راست و دلی سالم از زشتی ها و بدنی باخشوع و چشمی گریان نماز شب بخواند، خداوند متعال در پشت سر او نه صف ملائکه مقرر فرماید که عدد هر صفی را به غیر از خداوند کسی نمی تواند بشمارد. یک طرف صف در مشرق قرار دارد و طرف دیگر آن در مغرب است. چون فرد از نماز فارغ آید، به عدد آن ملائکه برای او درجات بنویسند.»

همچنین حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید:

«خواندن نماز در نصف شب نزد خدا از آزادکردن هفتاد بنده از فرزندان حضرت اسماعیل (علیه السلام) بهتر است.»

ص: 138

1- بحار الانوار 43/84 - تفسیر قمی 112 - سوره فرقان ذیل آیه 62

2- بحار الانوار

3- الأمالی (للصدوق) 68 - وسائل الشیعة 8/156 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 79/204؛ 84/136 - مستدرک الوسائل و مستنبط

المسائل 3/83

«بنده خدا هیچ کار نیکی انجام نمی دهد مگر آن که در قرآن کریم حق تعالی برای آن ثوابی بیان فرموده است الا نماز شب که خدای عزوجل به جهت عظمت و شأن آن، درباره اش چیزی فرموده است.»

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره پاداش شخص متعهد و برپادارنده نماز شب می فرمایند:

«در بهشت عدن درختی است که از آن اسب های ابلق با پری با زینت هایی از یاقوت و زبرجد بیرون می آیند. دوستان خدا آن ها را سوار می شوند و به هر جا خواسته باشند می روند. چون بهشتیان آن ها را ببینند صدا می زنند و می گویند که ای برادران، با ما انصاف ورزید (یعنی ما با شما در این مقام مساوی نشدیم). سپس می گویند که پروردگارا، این بندگان از چه روی به این مقام رسیدند؟ ملکی از زیر عرش آن ها را ندا می دهد و می گوید که این ها در دنیا شب ها به نماز بر می خاستند؛ ولی شما می خوابیدید و آن ها روزه مستحبی می گرفتند؛ ولی شما می خوردید.» (1)

البته شایان ذکر است که چون در آخرالزمان فساد و گناه پیرامون ما را احاطه نموده و بر اثر هم نشینی روح و فکر با لغویات به وسیله ابزارهای صوتی و بصری و اشاعه فرهنگ گناه و فساد ماهواره و... قلوب ما ظلمت گرفته، لذت مناجات و شب زنده داری از میان جامعه رخت بر بسته و لذا اکثر اوقات قلب حالت نشاط و شادابی خوبی در عبادت و راز و نیاز با خدا و معصومین (علیهم السلام) ندارد. امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند:

«إِنَّ لِقُلُوبٍ إِقْبَالَاً وَ إِدْبَاراً فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَتَنَّفَلُوا وَ إِذَا أَدْبَرَتْ فَعَلَيْكُمْ بِالْفَرِيضَةِ.» (2)

«برای دل ها روی آوردن (موقع نشاط) و پشت کردن (در وقت کسالت و بی

ص: 139

1- ارشاد دیلمی

2- الکافی (ط - الإسلامية) 3/454؛ (ط - دارالحدیث) 6/563 - الوافی 7/92 - وسائل الشیعة 4/69؛ 4/70 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 15/421 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 75/357؛ 84/30؛ 84/47 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 3/55

حالی) است. وقتی دل روی آورد نوافل را بر آن بار کنید و هنگامی که پشت کرد به خواندن واجبات اکتفا نمایید.»

چاره‌رهایی از غفلت و رسیدن به شب زنده داری دوری از لهو و لعب است:

«كُلُّ مَا أَلْهَى عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ فَهُوَ مِنَ الْمَيْسِرِ.» (1)

«هر چیزی که دل و فکر را از یاد خدا غافل گرداند لهو و لعب است.»

باید برای دوری از لغویات به گریه بر مصیبت امام حسین (علیه السلام) و ارتباط قلبی با امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) متوسل شویم. اهل معنا فرصت کوتاه عمر را غنیمت شمرده و می دانند که غفلت از شب زنده داری خسروانی عظیم در پی دارد:

«لَا تَدْعُ قِيَامَ اللَّيْلِ فَإِنَّ الْمَغْبُوتَ مَنْ حُرِمَ قِيَامَ اللَّيْلِ.» (2)

«برخاستن در نیمه شب را از دست نده؛ زیرا هرکس از قیام در نیمه شب محروم شود مغبون می گردد.»

با این وصف، یکی از آثار ایمان پیروی از فرمان امامان معصوم (علیهم السلام) است که باید آن را با جان و دل پذیرفت. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«إِذَا أَضْرَبْتَ النَّوَافِلَ بِالْفَرَائِضِ فَارْفُضْهَا.» (3)

«هرگاه نوافل (نمازهای مستحبی) به فرائض (نمازهای واجب) زیان رساندند، نوافل را رها کنید.»

باید دانست که عالی ترین مرتبه عبودیت نماز است. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«إِنَّ طَاعَةَ اللَّهِ خِدْمَتُهُ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ شَيْءٌ مِنْ خِدْمَتِهِ تَعْدِلُ الصَّلَاةَ.» (4)

ص: 140

1- الأمالی (للطوسی) 336؛ 798؛ 856 - مجموعة ورام 2/170 - وسائل الشيعة 17/316 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 70/157؛ 76/230

2- علل الشرائع 2/363 - الوافی 7/107 - وسائل الشيعة 8/160 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام) 3/329 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 80/127؛ 84/146

3- نهج البلاغة (للصباحي صالح) 525 - وسائل الشيعة 4/286 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 68/218؛ 84/30 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 3/54

4- تفسير العياشي 1/173 - البرهان في تفسير القرآن 1/623 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 14/185 - ياد مهدي (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آرام دل 137 - [چون اعظم عبادات الهی نماز است، شیطان لعین (لعنت الله علیه) با تمام قوا در صدد تخریب ذهن و بی ارزش جلوه دادن و بی توجهی به این عبادت عظمی میشود. یکی از راههای اذیت و آزار روحی که برای بعضیها از ناحیه شیطان لعین فراهم می شود، وسوسه کثرت شك است که به سبب راهنمایی حضرت امام صادق (علیه السلام) انشاءالله با تفکری صحیح بتوان از این

مرض روحی نجات یافت که می فرمایند: «این خبیث (شیطان لعین (لعنت الله علیه)) را با شکستن نماز عادت ندهید که در شما طمع بندد (نسبت به این عمل بر شما سوار شود) زیرا با شیطان لعین هر گونه رفتار کنی همانطور عادت میکند. پس هر گاه در نماز زیاد شك کردید اعتنا نکنید و نماز خود را نشکنید، چنانچه این کار را چندین بار انجام بدهید دیگر به سوی شما باز نمیگردد.. این خبیث (شیطان لعین (لعنت الله علیه)) دلش می خواهد که بر شما مطاع و فرمانروا باشد، وقتی دید از فرمانش سرپیچی می کنید می رود و بر نمی گردد،
- نقطه های آغاز در اخلاق عملی 455 - وافی 2/150]

«به راستی که اطاعت خداوند خدمت‌گزاری او در زمین است و هیچ خدمتی به خدا با نماز برابری نمی‌کند.»

طهارت روح؛ سکوی دعای فرج

وقتی روح پاک شد و نفس قدرت پیدا کرد تا با خالق خود ارتباط برقرار کند، حکمت در قلب فوران می‌کند. این حکمت به مؤمن می‌فهماند که پاداش‌های دو سرا با لحظه‌ای انس با حجت خدا برابری نمی‌کند.

با شناخت امام، عطش و عشق دیدار وی بیشتر می‌شود. هرچه بر صفای روح افزوده شود، ماحصل خواسته‌ی نفس فقط و فقط یک چیز خواهد بود و آن وصال به محضر صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. محبت و لذت دیدار از یک سو، عدل و دادگستری حضرت در سویی دیگر و شنیدن حکمت از زبان امام (علیه السلام) و... انسان را وادار به فرج خواهی می‌نماید.

چگونه باید از لحظه‌ی شیرین وصال نوشت که قلم‌ها از بیان آن عاجزند. آیا جز این است که اگر زبان گشوده نشود، قلب خود فریاد می‌زند: «اللهم عجل لولیک الفرج»؟

و چه زیباست اگر زبان گزارش‌گر دل باشد و همگام با هم فریاد بزنند:

ص: 141

اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ

اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ

اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ

اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ

اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ

ص: 142

1. مدينة المعاجز، سيد هاشم بحراني.
2. كافي، كليني، محمد بن يعقوب، انتشارات اسوه، چاپ يازدهم، سال 1389.
3. علل الشرايع، محمد بن علي بن حسين بابويه، قم: انتشارات مكتبة الوري.
4. امالي صدوق، محمد بن علي بن حسين بابويه، انتشارات كتابخانه اسلاميه.
5. محجة البيضاء في تهذيب الاحياء، مولي محسن فيض كاشاني.
6. الإحتجاج على اهل اللجاج، شيخ طبرسي.
7. من لا يحضره الفقيه، صدوق، محمد بن علي بن حسين بابويه، مؤسسه انتشارات اسلامي، چاپ سوم.
8. تفسير امام حسن عسكري (عليه السلام)، قم: انتشارات مدرسه امام هادي (عليه السلام)، چاپ اول.
9. وسائل الشيعه، حر عاملي، محمد بن حسن، قم: مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، چاپ اول.
10. الكنى و الألقاب، شيخ عباس قمي، نجف: مطبعة الحيدرية، 1376 هـ.
11. سفينة البحار، قمي، عباسي، مؤسسه آستان قدس، چاپ دوم، 1384 ش.
12. جامع الأحاديث، محمد بن علي بن بابويه، بنياد پژوهش هاي اسلامي، چاپ: سال 1372.
13. مستدرک الوسائل، نوري، ميرزا حسين، قم: مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، چاپ اول.
14. مجموعۀ ورام، ورام بن ابى فراس، قم: انتشارات مكتبة فقيه.
15. مصباح الشريعة، مؤسسه اعلمى للمطبوعات، چاپ اول.
16. الأعلام، محمد بن نعمان، چاپ كنگره جهاني هزاره شيخ مفيد، چاپ اول.
17. ارشاد، محمد بن نعمان.
18. مجمع البيان، فضل بن حسن طبرسي، تهران: انتشارات ناصر خسرو، 1406 هـ.
19. عدة الداعي، حلي بن فهد، انتشارات دار الكتب اسلامي، چاپ اول.
20. بشارة الإسلام، سيد مصطفى بن ابراهيم كاظمي، عراق: مكتب مرتضويه.

21. كمال الدين، محمد بن على بن حسين بابويه، قم: انتشارات دار الكتب اسلامى، چاپ دوم.
22. مكيال، موسوى، محمدتقى، انتشارات مسجد مقدس جمكران، چاپ هشتم، 1388ش.
23. يوم الخلاص، كامل سليمان، ترجمه مهدي پور، انتشارات آفاق، چاپ پنجم، 1386ش.
24. اختصاص، محمد بن نعمان.
25. التهذيب، طوسى، احمد بن على، تهران: دار الكتب اسلامى، چاپ چهارم.
26. تفسير عياشى، ابوالنصر، محمد بن مسعود بن عياش السلمى السمرقندى، تهران: مكتب علميه اسلامى.
28. بحار الأنوار، مجلسى، محمدباقر، بيروت: مؤسسه الوفاء، 1404ق.
29. نهج البلاغه، صبحى.
30. صحيفه سجاديه.
31. ياد مهدي آرام دل: بازنويسى كتاب تذكرة الحجة، محمدباقر فقيه ايمانى، عطر عترت، 1387ش.
32. ميزان الحكمه، رى شهرى، محمد، انتشارات دار الحديث، چاپ اول.

33. روزه درمان بیماری های روح و جسم، موسوی راد، سیدحسن، قم: انتشارات جامعه مدرسین، 1364ش.
34. دعائم الإسلام، ابوحنیفه، نعمان مغربی، ترجمه: عبدالله امیرطر، قم: انتشارات مؤسسه اسماعیلیان، 1372ش.
35. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، پاک نژاد، رضا، انتشارات کتاب فروشی اسلامیه، 1355ش.
36. قرآن الطب الحديث، صادق، عبد الرضا، بیروت: انتشارات دار الربی، چاپ اول، 1991م.
37. مشکاة الأنوار، علی بن حسن بن فضل طبرسی.
38. حدیث پسران مهزیار.
39. نصایح الکافیة، محمد بن عقیل علوی، تهران: بنیاد بعثت، 1371ش.
40. راهنمای بهشت، مقدم، چاپ خانه خراسان، چاپ دوم، 1380ق.
41. نسیم هدایت، حسینی شیرازی، سیدصادق، تهران: انتشارات برگ رضوان، چاپ اول، 1383ش.
42. وظایف شیعه بودن.
43. ضیافت در ضریح، بنی هاشمی، محمد، تهران: انتشارات منیر، 1388ش.
44. ترجمه کتاب صفات شیعه، شیخ صدوق، ترجمه: سعید راشدی، قم: انتشارات جمکران، 1388ش.
45. بنیادهای اخلاقی اسلامی، حائری تهرانی، مهدی، قم: انتشارات بنیاد فرهنگی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف). چاپ دوم، 1369ش.
46. جامع السادات، بیروت: منشورات جامعة النجف المدینة.
47. نقطه های آغاز در اخلاق عملی، مهدی کنی، محمدرضا، تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هفتم، 1384ش.
48. نقش زبان در سرنوشت انسان ها، مهدی فقیه ایمانی، چاپ پنجم، 1385ش.
49. روضة الواعظین، فتال نیشابوری، قم: منشورات اشرفی، 1365ق.
50. تفسیر جامع، بروجردی، سیدابراهیم، مشهد: انتشارات جلیل، چاپ هفتم، 1360ش.
51. غرر الحکم، آمدی عبدالواحد، ترجمه محمدعلی انصاری، انتشارات امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، چاپ هشتم، 1390ش.

52. ماه مبارك رمضان.

ص: 144

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه موفق به تولید نرم‌افزارهای تلفن همراه، کتاب‌خانه‌های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می‌شود.

برای خدمت‌رسانی بیشتر شما هم می‌توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می‌دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک می‌گوییم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

